



پوهنتون سالم
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوري اسلامي افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

تمسک به قرآن کریم از دیدگاه قرآن و سنت

(رساله ماستری)

محصل: اشرف «نور»
استاد رهنما: دکتور فصیح الله «عبدالباقي»

سال: ۱۴۰۰ هـ.ش. ۱۴۴۲ هـ.ش



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

برنامه ماستری تفسیر و حدیث



جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت علمی

تمسک به قرآن کریم از دیدگاه قرآن و سنت

(رساله ماستری)

محصل: اشرف نور

استاد رهنما: دکتور فصیح الله عبدالباقي

سال: 1400

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

د پیاوړتیا تفسیر و حدیث

بورډ ماسټری

تصدیق نامه

محترم اشرف ولد ملا نور الله: ID: SH-MST-98-503 محصل دور پنجم تفسیر و حدیث که رساله ماسټری خویش را زیر عنوان: تمسک به قرآن از دیدگاه قرآن و سنت به روز هجری ۱۴۰۰/۶/۹ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق د ۹۰ (نمره په عدد) خود جوړه (نمره په حروفو) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

نمبره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور نصر من الله مجاهد	عضو هیات	
۲	دکتور عبدالباری حمیدی	عضو هیات	
۳	دکتور فصیح الله عبدالباقي	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... امر بورډ ماسټری

اهداء

این اثر را بر روح پرفتوح حضرت محمد -صلی الله علیه وسلم- و سایر انبیاء کرام علیهم السلام که در مسیر دشوار آموزش و گسترش علم و دانش و هدایت انسانها از هیچ ایناری دریغ نکردند اهداء مینمایم.

و تقدیم میکنم به برادران و خانواده ای صمیمی، با محبت و فدا کارم، که توفیق خود را نتیجه راهنماییها و فداکاریها و دعا های خیر ایشان می دانم؛ باشد که قطره ای از دریای بی کران محبت هایشان را سپاس گفته باشم.

و تقدیم مینمایم بر ارواح علماء امت و مجاهدین که از دین و سرزمین اسلام با قلم و شمشیر دفاع کردند و میکنند، و اجر و ثواب آنرا به ارواح شاداب پدر بزرگوار و مادر مهربانم تمنا دارم.

همچنان این رساله را تقدیم می کنم به همه محصلان علم و دانش بخصوص محصلین پوهنخی شرعیات به خصوص دیپاتمنت تفسیر و حدیث و استادانی که در راستای ترویج علم و معارف اسلامی قدم بر می دارند خصوصا دست اندرکاران پوهنتون سلام که با زحمات بی شائبه شان زمینه تحصیل را برای طلب علم فراهم نمودند.

و علی الخصوص استاد رهنمایم محترم دکتور فصیح الله عبدالباقی که در راستای فعالیت و خدمت به دین اسلام صادقانه گام برداشتند و با رهنمایی های دلسوزانه ایشان این تحقیق به پایان رسید.

سپاسگذاری

- در قدم نخست شکر و سپاس بیکران ذات اقدس الهی را که به نعمتش چشمم را گشود و سپس به طلب علم مرا توفیق عنایت فرمود.
- سپاس بی‌پایان والدین گرامی‌ام را که در تربیتم با سعی جمیل کوشیدند و رنج فراوانی را قبول فرمودند.
- سپاس فراوان تک تک استادانم را که از کودکی تا کنون هر کدامی به دانشم فزود.
- سپاس نهایت فراوان از زحمات و تلاش‌های شبانه روزی تمامی استادان مهربانم در پوهنتون سلام، هیأت رهبری و کادر علمی کوشا و مخلص این نهاد بزرگ علمی که مشغول تربیت نسل رشید اسلامی، ارشاد جوانان و تربیه کادرهای علمی برای کشور هستند.
- از وزارت تحصیلات عالی و در رأس از دولت جمهوری اسلامی کشور عزیزم افغانستان که برای شگوفایی هرچه بیشتر علم و دانش و تخصص زمینه نیل به تحصیلات عالی و تخصصی را برای ما فراهم نموده اند.
- سپاس و امتنان ویژه از رهنمایی‌های علمی و مشفقانه، حوصله‌مندی، توجیه، تشویق و حمایت‌های بی‌دریغ استاد گران ارج، مشرف و رهنمایم در رساله محترم دکتور فصیح الله عبدالباقی که بدون همکاری های شان نیل به این آرمان و اکمال مرحله (ماستری) و اتمام این رساله برایم دشواری می‌نمود.
- و در اخیر سپاس تمامی برادران و دوستان مخلصم را که همیشه مرا به فعالیت‌های خیر توجیه، تشویق و حمایت نموده اند.

خلاصه بحث

موضوع مورد بحث ، تمسک به قرآن کریم در روشنی قرآن و سنت می باشد، و چنانچه دیده می شود در عصر حاضر تمسک به قرآن کم رنگ شده است و ایجاب می کند در این مورد به مسلمانان آگاهی داده شود. بنا براین تحقیق طی یک مقدمه و سه فصل نوشته شده است که خلاصه و فشرده آن چنین است:

تمسک عبارت از گرفتن یک چیز، تعلق گرفتن و چنگ زدن به آن است و مقصود و مرام اصلی نزول قرآن همین است تا انسان ها از آن پیروی نموده و به آن ملتزم باشند، این مفهوم در قرآن کریم تحت اصطلاحات دیگری چون اتباع، اطاعت، اعتصام و اخذ بالقوة، اطلاق شده است، تمسک به قرآن کریم فضایی زیاد دارد از جمله اینکه باعث حصول برکت و کسب شهرت و نام نیک می گردد، وحدت به میان می آورد و از تفرقه نجات می دهد و سبب می شود تا انسان به راهی برسد که ثابت است و هیچ نوع انحراف و کجی ندارد.

تمسک به قرآن از خود مظاهر و نشانه ها دارد مانند: عنایت و توجه به آن و عدم اعراض و روی گردانی از آن، تدبر و دقت در آیات آن. تعلیم و تعلم، تعظیم و احترام و همچنان مهمترین مظهر و نشانه تمسک به قرآن این است که انسان به گونه واقعی به آن ایمان بیاورد و خود را به اخلاق قرآنی آراسته کند و اخلاقیات نیک قرآنی را در خود پیاده کند و خود را الگو و قدوه بسازد.

نتیجه نهایی این بحث چنین است که تمسک به قرآن تأثیرات بزرگ معنوی و مادی دارد، قرآن کریم در قدم نخست اصلاح عقیده و اندیشه را هدف قرار داده و می خواهد شیوه تفکر انسان را تغییر دهد، همچنان قرآن کریم برای آوردن اصلاح و تغییر چند رکن مهم را اساس گذاشته است که آن ها عبارت اند از: وجود مصلح و دعوتگر آگاه، مراعات حکمت در امر اصلاح، پند و موعظه به روش حسن، جدال و گفتگوی نیک و تلاش دوامدار و عدم یأس و استعجال. همچنان تمسک به قرآن کریم آثار زیادی در مورد پیشرفت، انکشاف و تمدن بشری دارد چون نظر به حالت عرب ها و سایر مجتمعات انسانی پیش از نزول قرآن کریم همه می دانند که کرامت انسانی زیر پای بود، به زنان حق داده نمی شد و ظلم و وحشت عام بود و با نزول قرآن کریم، تغییرات و تأثیرات چشم گیر در تمدن و انکشاف بشری صورت گرفت. از تأثیرات امنیتی قرآن این است یک سلسله مجازاتی را وضع کرده است که با تطبیق

آن بدون شک امنیت اجتماعی حکمفرما می شود مانند: قصاص، قطع دست دزد، اعدام مفسدین فی الارض و سزای کسانی که آبروی مردم را مورد تعرض قرار می دهند، و تاثیر اقتصادی قرآن کریم این است که قرآن انسان را به تجارت، صنعت و حفظ مال تشویق کرده است.

واژه های کلیدی: تمسک، اعتصام، جنگ زدن، قرآن، سنت.

فهرست مطالب

مقدمه

- 1 معرفی موضوع:
- 2 اسباب اختیار موضوع:
- 3 اهمیت موضوع:
- 4 سوال های تحقیق:
- 4 پیشینه تحقیق:
- 6 روش تحقیق:
- 7 مشکلات تحقیق

فصل اول

پیرامون موضوعات مقدماتی بحث

- 9 مبحث اول: تعریف و توصیف قرآن
- 9 مطلب اول: معنای لغوی قرآن
- 10 مطلب دوم: معنای اصطلاحی قرآن
- 13 مطلب سوم: توصیف قرآن
- 15 مطلب چهارم: نام های قرآن کریم
- 21 مطلب پنجم: ویژه گی های قرآن
- 21 الف: ویژه گی های عمومی
- 32 ب: ویژه گی های منهج قرآن کریم در تربیت، اصلاح و استقامت
- 36 مبحث دوم: تعریف تمسک و اطلاقات آن در قرآن و سنت
- 36 مطلب اول : معنای لغوی تمسک

- 37 مطلب دوم: معنای اصطلاحی تمسک
- 37 مطلب سوم: اطلاق کلمه تمسک در قرآن کریم
- 40 مبحث سوم: اطلاق کلمات مرتبط به تمسک در قرآن
- 40 مطلب اول: اعتصام
- 41 مطلب دوم: اطاعت
- 42 مطلب سوم: اخذ بالقوة

فصل دوم

فضائل و مظاهر تمسک به قرآن از دیدگاه قرآن و سنت

- 44 مبحث اول: فضائل تمسک به قرآن
- 45 مطلب اول: اطاعت از امر خداوند
- 48 مطلب دوم: حصول برکت و شهرت
- 52 مطلب سوم: رسیدن به ثبات و نجات از تفرقه و انحراف
- 55 مطلب چهارم: دستیابی به شفاء و رحمت الهی
- 56 مطلب پنجم: تجارت با رونق
- 58 مطلب ششم: رسیدن به مقام بهترین بودن
- 60 مطلب هفتم: سایر فضائل تمسک به قرآن
- 63 مبحث دوم: مظاهر و نشانه های تمسک به قرآن
- 63 مطلب اول: توجه و عنایت به قرآن
- 65 مطلب دوم: تدبیر و تفکر
- 68 مطلب سوم: استماع و گوش به دادن قرآن
- 71 مطلب چهارم: تعلیم و تعلم قرآن

74مطلب پنجم: تعظیم و مرجع قرار دادن قرآن

76مطلب ششم: آراسته شدن به اخلاق قرآنی

فصل سوم

آثار و پیامد های تمسک به قرآن در زنده گی یک مسلمان

78مبحث اول: تاثیرات معنوی تمسک به قرآن

78مطلب اول: تاثیرات ایمانی و فکری تمسک به قرآن

83مطلب دوم: تاثیرات دعوتی و اصلاحی تمسک به قرآن

92مطلب سوم: تاثیرات اخلاقی و سلوکی تمسک به قرآن

97مبحث دوم: تاثیرات مادی تمسک به قرآن

97مطلب اول: تاثیرات تمدنی تمسک به قرآن

103مطلب دوم: تاثیرات امنیتی تمسک به قرآن

110مطلب سوم: راهکار های امنیتی قرآن کریم

116مطلب چهارم: تاثیرات اقتصادی تمسک به قرآن

125خاتمه

125نتیجه گیری

127پیشنهاد ها

128فهرست آیات

Error! Bookmark not defined.فهرست احادیث

134فهرست اعلام

136فهرست منابع

مقدمه

خداوند کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست. آگاه از جهان نهان و آشکار است، و ناپیدا و پیدا در برابر دانشش یکسان است، او دارای مرحمت عامه، در این جهان، در حق همگان، و دارای مرحمت خاصه، در آن جهان، نسبت به مؤمنان است. خدا کسی است که جز او پروردگار و معبودی نیست. او فرمانروا، منزله، بی عیب و نقص، امان دهنده و امنیت بخشنده، محافظ و مراقب، قدرتمند، بزرگوار و شکوهمند و والامقام است.

من خداوند متعال را شاکرم که توفیقی عطا فرمود که در راه حرکت انبیاء -صلوات الله و سلامه علیهم- در ترویج کلمه حق کوششی نمایم تا ان شاء الله به خواست و کمک او نکاتی را با کلماتی ساده و قابل فهم در مورد تمسک به قرآن به عرض شما خواننده محترم برسانم. امیدوارم مورد قبول حضرت حق واقع شود و وسیله ای برای ثواب بنده باشد. از خداوند می خواهیم گناهان ما را ببخشد و ما را در رسیدن به هدایت و در نهایت لقاء خود حفظ و یاری نماید.

قرآن کریم کلام الهی است که برای نجات بشریت به حضرت محمد مصطفی -صلی الله علیه و سلم- نازل شده است و هیچ گونه شک و شبهه ای در این مورد وجود نداشته و ندارد، قرآن کتاب دارای عظمت و بزرگی است، عظمت و مجد قرآن کریم در اعجاز آن است که استادان و مشاهیر علم بلاغت، از انسان ها و جنیان عاجز از آوردن کلامی این گونه اند هر چند که همدیگر را یاری و پشتیبانی دهند، نمی توانند مانند آن بیاورند، هم چنین مجد و عظمت قرآن در احکام ارزشمند و حقایق عالی و اخبار غیبی و متحقق گشتن چیزی است که از آن خبر داده است، مجد و عظمت قرآن در سعادت و خیر بی شماری است که پیروان راه و تمسک کنندگان به آن به دست می آورند. هم چنین مجد و عظمت قرآن در این است که در (لوح محفوظ) قرار دارد که جز پاکان و فرشتگان خداوند به آن دسترسی ندارند و عظمت و مجد قرآن در این است که از جانب خداوند ستوده و بزرگوار نزول یافته است. خداوندی که پروردگار جهانیان بوده و جز او پروردگاری وجود ندارد و بازگشت همه به سوی اوست، پس ضرور است به این کتاب عظیم و بزرگ تمسک و به آن عمل شود.

معرفی موضوع:

موضوع مورد بحث من، تمسک به قرآن کریم در روشنی قرآن و سنت می باشد، در این شکی نیست که عصری که در آن قرآن نازل شد، قبائل عرب که در جزیره العرب سکونت داشتند دچار انحراف و

انحطاط فکری و اخلاقی بودند، شرک و بت پرستی سراسر زندگی فردی و اجتماعی آنان را فراگرفته بود، از نظر اجتماعی دچار هرج و مرج و بی بند و باری بودند، شهوت رانی و قدرت، دو عامل اساسی در تنظیم روابط اجتماعی آنان بود که به علت انحراف و شیوع ظلم و ستم نیاز به اصلاح و تغییر داشت، اما قرآن کریم با نزول خود در مدت کوتاهی انقلاب عظیمی در جزیره العرب به وجود آورد و اصلاحات گسترده ای در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سایر امور اصلاحی ایجاد کرد و آنان را از انحطاط و ضلالت به سوی تعالی و تکامل رهنمون کرد و اعراب متفرق را به امتی واحد مبدل ساخته و جزیره العرب را پایگاهی برای گسترش رسالت جهانی اسلام گردانید.

قرآن کریم، نظامی را در جهان اساس گذاشت که با تطبیق قوانین آن امنیت و آرامش جامعه انسانی به گونه کامل و همه جانبه برقرار می گردد و حق هیچ کسی در آن تلف نمی شود، قرآن در زمانی فرود آمده بود که زن به عنوان عضو جامعه انسانی شناخته نمی شد و زنده گی اجتماعی اش کم تر از وضعیت یک حیوان خانگی نبود ولی قرآن آمد و از زنان، دانشمندان، رهبران و الگوهای زنده گی ساخت و نقش آنان را برجسته ساخت و برای شان حق شهروندی، حق رای و انتخاب و حق تجارت و کسب و کار داد، قرآن کریم در عصر نازل شد که انسان ها به برده گی گرفته می شدند و مانند متاع و کالای مصرفی به فروش رسانیده می شدند، اما قرآن کریم با وضع و طرح برنامه های سالم و تدریجی خواست این پدیده شوم و ننگین را از جامعه انسانی بردارد و مانع فروش و برده گیری انسان شود و امنیت و آرامش اجتماعی مساویانه را برای همه به ارمغان بیاورد و تا زمانی که قرآن به مثابه یک قانون و دارای برنامه های مختلف امنیتی، نظامی، سیاسی و اجتماعی در جامعه انسانی و اسلامی مرجع اساسی و معیار حکم و داوری قرار می گرفت، جوامع انسانی از امنیت و آرامش کلی برخوردار بودند و هیچ شکایتی از نا به سامانی ها و بی عدالتی ها در روزگار شان نداشتند، دوره خلافت راشدین به خصوص دوره خلافت عمر فاروق رضی الله عنه- را می توان به عنوان یکی از نمونه های نام برد که در آن دوران عدالت به معنای واقعی اش تطبیق می گردید و مساوات به مفهوم اصلی تجربه می شد، و حالا ما که در این عصر پر از فتنه و فساد قرار داریم یگانه راه ما برای نجات، تمسک و چنگ زدن به قرآن است و بس، به همین خاطر این رساله نوشته شد تا اهمیت تمسک به قرآن در عصر حاضر هویدا و آشکار شود.

اسباب اختیار موضوع:

بنا به قوانین و مقررات وزارت تحصیلات عالی کشور، بر هر فرد از محصلین لازم است تا در پایان دوره تحصیلی خود تحقیقی را بحیث نتیجه دوره تخصص در رشته تحصیلی شان بنویسند و من نیز

مكلف بودم تا موضوعی را انتخاب نموده و روی آن بحث نمایم، به همین سبب من موضوع تمسک به قرآن را در روشنی قرآن و سنت انتخاب نمودم.

1. اولین سبب اختیار این موضوع، علاقه مندی شخصی خودم نسبت به موضوع بود، چون خودم منحیث امام و خطیب مسجد همیشه مردم را به تمسک به قرآن دعوت می‌کنم و علاقه خاص داشتم تا بیشتر در مورد اهمیت تمسک و چنگ زدن به قرآن کریم از روی دلایل اساسی اسلام بدانم و از آن روش‌ها در دعوت خود استفاده کنم.

2. دومین عامل انتخاب این موضوع این بود که من احساس کردم مردم به تمسک به قرآن کریم از طریق فراگیری روش‌های قرآنی راجع به آوردن اصلاحات در جامعه، ضرورت مبرم دارند و چنانچه دیده می‌شود در عصر حاضر مسلمانان به خصوص جوانان مسلمان در راستای پیش برد دعوت اسلامی، فعالیت می‌کنند و می‌خواهند جامعه را اصلاح نمایند به این سبب من خواستم با نوشتن بحث و تحقیق در این موضوع قدری توجه مصلحان مسلمان را به این جهت معطوف نمایم تا قرآن کریم را منحیث مرجع اساسی فعالیت‌هایشان قرار دهند و از این طریق خدمتی نمایم به جامعه خویش.

3. و دیگر اینکه اکثر رساله‌ها و کتاب‌هایی که در موضوع نوشته شده اند به زبان عربی می‌باشند و من خواستم به زبان ملی کشور در این مورد تحقیق نمایم تا بیشتر مورد استفاده قرار گیرد.

اهمیت موضوع:

موضوعی را که من برای بحث و تحقیق انتخاب نموده‌ام خیلی مهم و ضروری به حساب می‌رود چرا که با در نظر داشت نکات یاد شده در معرفی طرح تحقیق و با توجه به ضرورت وضعیت فعلی مسلمانان که از ناحیه اختلاف و کشمکش‌های مذهبی و سایر عوامل داخلی و خارجی به شدت رنج می‌برند، باید در مورد این که چه گونه بتوانیم مسلمانان به خصوص مردم افغانستان را به سوی خیر و عاقبت سوق بدهیم، کمی فکر کنیم و برای برون رفت از این بن‌بست‌ها که مردم ما در آن همواره می‌سوزند تلاش خود را به خرج رسانیم.

معلوم است که مردم ما همه مسلمان هستند و به دینی باور دارند که حل تمام مشکلات مادی و روحی‌شان را در نظر گرفته است و قرآن کریم اولین مرجع آنان است بناءً نوشتن بحث روی مسئله طرح شده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چون تمسک به قرآن است که می‌تواند رهگشای همه مشکلات

موجود باشد.

به این اساس این تحقیق به نسبت این که به شیوه خاص نوشته می شود و اکثر مسایل مورد نیاز در آن در نظر گرفته می شود، قابل استفاده زیاد می باشد چون اکثر مقاله ها و کتاب هایی که در این خصوص نوشته شده اند به زبان عربی است، امیدوار هستم این رساله مورد استفاده همگان قرار می گیرد و ان شاء الله این رساله همانند چراغ و مشعلی، راه مسلمانان به خصوص مردم شریف کشورم افغانستان را روشن بسازد.

سوال های تحقیق:

هرگونه بحث و تحقیق روی مسائل علمی شامل سوال های است که در حقیقت این سوال ها عامل اصلی تحقیق می باشند، موضوع منتخب ما نیز متضمن سوال های زیادی هست که بعضی آن ها را ذیلاً متذکر می شویم:

الف: سوال های اصلی تحقیق:

- 1- چرا تمسک به قرآن مهم است؟
- 2- تمسک به قرآن چه مشکلاتی را در جامعه حل می کند؟
- 3- مسئولیت یک فرد مسلمان در برابر قرآن چیست؟

ب: سوال های فرعی تحقیق:

- 1- مهم ترین آثار تمسک به قرآن کدام ها اند؟
- 2- مظاهر و نشانه های تمسک به قرآن کدام ها اند؟
- 3- تمسک به قرآن از چه فضیلتی برخوردار است؟
- 4- نقش قرآن در زندگی یک مسلمان چیست؟

پیشینه تحقیق:

نگارش و تحقیق در باب علوم قرآنی پیشینه ی طولانی دارد و در طول تاریخ هرکسی که با قرآن اشتغال می داشت، در باره اهمیت تمسک به قرآن چیزی نوشته کرده است و مفسرین بزرگ در هر زمان و مکان نظر به اهمیت و اقتضای عصر خویش، پیش از پرداختن به تفسیر قرآن، به بحث های پیشینه یی

و مقدماتی قرآن پرداخته اند و در قرون بعدی هر چند که انسان ها از عصر نزول قرآن دور می شدند، دامنه این موضوع گسترده تر می شد و به همین منظور دانشمندان جهان اسلام در هر زمان و مکان و به اشکال مختلف اهمیت عمل به قرآن را بیان کرده و در مورد آن مقالات، کتاب ها و رساله هایی را نوشته کردند، اما این بحث از این لحاظ اهمیت دارد که هر قدر در مورد آن بیش تر نوشته شود، فایده آن نیز بیش تر است.

مشخصاً موضوعی را که من برای بحث و تحقیق اختیار کردم یک سلسله مقالات و کتاب ها از قدیم تا امروز در این باره نوشته شده است که ذیلاً به برخی آن ها اشاره می شود.

1- **الإهتمام بالقرآن الكريم بين السنة والشيعة:** این عنوان تحت یک مقاله علمی و تحقیقی توسط شیخ محمد جواد مغنیه تحریر گردیده و در انترنیت منتشر شده است. در این مقاله تمسک به قرآن در میان اهل سنت و اهل تشیع به مقایسه گرفته شده است.

2- **منظومة في وجوب التمسك بالكتاب والسنة:** این اثر توسط محمود مصطفی رشید الیوسفی تحریر گردیده است، در این اثر شامل اشعار و تعلیقاتی است که مسلمانان را به تمسک و عمل کردن به قرآن دعوت می کند.

3- **عناية الأمة بالقرآن الكريم عبر العصور:** در این کتاب که توسط دکتور محمد العمر نوشته شده است، چگونگی تعامل مسلمانان در برابر قرآن در طول تاریخ مورد بحث قرار گرفته است و نوشته بسیار مفید و ارزشمند بوده است و در آن عنایت و اهمیت دهی هر کشور مانند مصر، شام، حجاز و سایر بلاد اسلامی و نقش آنان در حفظ قرآن مورد بحث قرار گرفته است.

4- **الدعوة إلى التمسك بالقرآن الكريم وأثره في حياة المسلمين:** این کتاب هم یکی از آثار مفید در این موضوع بوده است و تاثیرات تمسک به قرآن را در زنده گی یک مسلمان بسیار به خوبی تفصیل نموده است. این کتاب تالیف دکتور عبد الرحیم محمد المغذوي است و ویب سایت موقع الإسلام <http://www.al-islam.com> آن را منتشر ساخته است.

5- **العلاج بالقرآن ماهيته، أهميته و ضوابطه.** این رساله توسط محمّد بن یوسف الجوراني به رشته تحریر در آمده و در آن چگونگی درمان و علاج مشکلات توسط قرآن به بحث گرفته شده است و حاوی موضوعات بسیار سودمند می باشد.

6- **العناية بالقرآن الكريم في العهد النبوي الشريف:** مؤلف این رساله یوسف بن عبد الله الحاطي است

و در آن چگونگی و میزان توجه مسلمانان عصر اول یعنی صحابه کرام به قرآن کریم مورد بحث قرار گرفته است و همچنان با زمان فعلی مقایسه شده است. این کتاب که دارای 69 صفحه است و توسط موقع الإسلام <http://www.al-islam.com> به نشر رسیده است.

7- **العناية بالقرآن الكريم وعلومه من بداية القرن الرابع الهجري إلى عصرنا الحاضر:** این کتاب تالیف دکتر نبیل بن محمد آل إسماعیل است، این کتاب نیز یکی از آثار بسیار مفید در این موضوع بوده است که دارای 116 صفحه می باشد و توسط موقع الإسلام منتشر شده است.

چنانچه مشاهده گردید اکثر کتابها و رساله های فوق به زبان عربی نوشته شده اند، بناءً نظر به اهمیت موضوع، باید در مورد تمسک به قرآن و تاثیر آن بر فرد مسلمان تحقیق ساده و آسان به زبان دری صورت گیرد تا مردم کشور ما که اغلباً مسلمان و تابع قرآن می باشند از آن استفاده نمایند.

اهداف تحقیق: هدف من از تحقیق در این موضوع به دست آوردن امور ذیل است:

منظور از تحقیق پیرامون مسئله یاد شده، رسیدن به اهداف ذیل است:

- نشان دادن اهمیت تمسک به قرآن.
- بیان این که قرآن کریم چه قدر می تواند مشکلات ما را رفع کند.
- معرفی نقش تمسک به قرآن در باره حل اختلاف های موجود میان مسلمانان.
- خدمت به کتاب الله از طریق تفصیل و تشریح عظمت آن؛
- بیدار کردن مسلمانان و جلب توجه آنان نسبت به قرآن و عمل به آن.

روش تحقیق:

روش کاری ای را که برای ترتیب این رساله تحقیقی به کار بردم، روش کتابخانه یی و تحلیلی-توصیفی بوده است و برخی نکات مهمی که در انجام این تحقیق به کار برده ام قرار ذیل است:

- 1- احادیثی که از صحیح البخاری و صحیح مسلم نقل کرده ام به علت این که احادیث این دو کتاب بزرگ همه صحیح می باشند بناءً حکم آن ها را ذکر نه کرده ام اما احادیثی که از سایر کتاب های حدیث نقل کرده حکم آن را با استفاده از کتاب های محققین علم حدیث در پاورقی بیان کرده ام.
- 2- اقوالی را که به طور مستقیم از علما و دانشمندان نقل می نمایم در میان قوس های کوچک («») نقل

- کرده ام و حواله مربوط به هر آیه، حدیث و اقوال را در پاورقی نشانی نموده ام.
- 3- به استثنای مطالعه عمومی من قرآن کریم را مطالعه کردم و تمام آیاتی را که راجع به تمسک به قرآن بودند یادداشت نمودم.
- 4- در پاورقی اعلام و شخصیت ها معرفی شده اند، البته از معرفی شخصیت های مشهور احتراز شده است.
- 5- در ترجمه آیات از تفسیر نور تالیف دکتور مصطفی خرمدل و تفسیر راستین ترجمه فارسی تیسیر الکریم الرحمن، محمد گل گمشاد زهی که تالیف شیخ عبدالرحمن بن ناصر می باشد استفاده کردم ام چون از لحاظ ترجمه لفظی و مفهومی بسیار ترجمه روان و سلیس است.

مشکلات تحقیق

انجام هر عمل به خصوص تحقیق و بحث علمی مشکلات و چالش های خود را دارد من نیز با ی سلسله مشکلات در این تحقیق برخورددم، از جمله مشکلات عمومی فرا راه تحقیق، نبود کتابخانه ی مجهز و کامل است که محصلین و محققین به طور آزادانه بتوانند از آن استفاده نمایند و همچنان عدم مروج بودن فرهنگ به اشتراک گذاشتن منابع و مآخذ میان محصلین و محققین نیز از جمله مشکلات فرا راه تحقیق به شمار می رود، مشکلات خاصی که خودم در تحقیق این رساله به آن برخورددم یکی این بود که من گاهی اوقات در ترجمه عده ی احادیث نبوی و تخریج آنها به خصوص احادیثی را که از معاجم نقل کرده ام به مشکل برمی خوردم. و همچنان در یافتن منابع برای بعض مطالب به مشکل مواجه شدم. به هر صورت امیدوارم که این تحقیق، عمل مفید علمی برای دوست داران قرآن کریم باشد و از آنجایی که هیچ عمل انسانی عاری از خطا و نواقص نیست، این رساله نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد، و رجا مندم که الله متعال بر من منت گذارد همین عمل ناقص و ناچیز را به درگاهش مقبول قرار دهد و برای آنانی که این رساله را مطالعه نموده و محقق آنرا در رفع نواقص و کمبودی های آن همکاری و رهنمایی می نمایند، اجر نصیب فرماید.

خطه بحث:

این بحث با در نظر داشت اصول و معیار های تحقیق به شکل ذیل تقسیم بندی شده است:

مقدمه: بیان مسایل مربوط به تحقیق

تمهید: پیرامون موضوعات مقدماتی بحث

فصل اول: اهمیت و فضیلت تمسک به قرآن از دیدگاه قرآن و سنت

فصل دوم: آثار و پیامد های تمسک به قرآن در زنده گی یک مسلمان

خاتمه و نتیجه گیری: در خاتمه مهم ترین نکات به دست آمده از تحقیق به طور خلاصه بیان می شود.

فصل اول

پیرامون موضوعات مقدماتی بحث

در این فصل به یک سلسله مطالب کلی که برای آماده شدن به اصل موضوع مهم است ذکر می شود، مانند معنای لغوی و اصطلاحی تمسک و همچنان معنای لغوی و اصطلاحی قرآن که شامل مباحث و چند مطلب می باشد به شرح ذیل:

مبحث اول: تعریف و توصیف قرآن

محور اصلی این بحث قرآن کریم و تمسک به آن است بناءً ضروری است تا معنای لغوی و اصطلاحی و همچنان بعض مسایل متعلق به آن از قبیل اوصاف، نام ها و ویژگی های آن پیش از بیان کردن سایر موضوعات مرتبط به بحث عظمت قرآن به بحث گرفته شود.

مطلب اول: معنای لغوی قرآن

در مورد معنای لغوی قرآن سه نظر نقل شده است:

نظر اول: قرآن مصدر سماعی (قرأ) است به معنی (قرائت یعنی خواندن که در این آیه به همین معنی آمده است: ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ﴾¹

ترجمه: گردآوردن قرآن (در سینه تو) و (توانایی بخشیدن به زبان تو، برای) خواندن آن، کار ما است، پس هرگاه ما قرآن را خواندیم، تو خواندن آن را (آرام و آهسته) پیگیری و پیروی کن.

نظر دوم: نظر دوم این است که قرآن از (قرء) گرفته شده و معنی (قرء) جمع کردن است. پس قرآن (که مصدر است و به معنی اسم فاعل آمده) به معنای (جمع کننده) می باشد و قرآن را (جمع کننده) بخاطری گفته شده که در این کتاب خلاصه و ثمره تمام کتاب های آسمانی قبلی جمع گردیده است و یا اینکه واقعات امت های قبلی، امر ونهی، آیات وعید و وعده و دیگر آیات و سوره ها در این کتاب جمع

¹ سوره قیامه آیه 17 و 18

گردیده است¹.

ابن اثیر² می نویسد: «سمی القرآن قرآنا؛ لأنه جمع القصص، والأمر والنهي والوعد والوعيد، والآيات والسور بعضها إلى بعض، وهو مصدر كالغفران والكفران»³

نظر سوم: نظر سوم این است که لفظ (قرآن) اصلاً مصدر نیست، یعنی نه به معنای خواندن (قرأ) و نه به معنای جمع کننده (قرء) است، بلکه نام این کتاب تصادفی است که به خاطر شناخت انتخاب گردیده است.⁴

در میان این سه نظر، نظر اول صحیحترین و بهترین نظر است، بخاطریکه در آیه قرآن کریم به همین معنی استعمال شده است.

مطلب دوم: معنای اصطلاحی قرآن

تعریف قرآن کریم به شکل دقیق که نشان دهنده تمام مشخصات و مفاهیم آن باشد مشکل است اما در میان علما تعریف مشهور دارد که عبارت آن چنین است: «القرآن هو كلام الله المنزل على نبيه محمد -صلى الله عليه وسلم- المعجز بلفظه المتعبد بتلاوته المكتوب في المصاحف، المنقول بالتواتر»⁵

ترجمه: آن کلام معجز عربی است، که از طرف الله متعال برای حضرت محمد -صلی الله علیه وسلم- توسط وحی آمده است، تلاوت آن شرعاً عبادت شمرده میشود، در مصحف نوشته شده، و از آنحضرت -صلی الله علیه وسلم- به شکل تواتر نقل شده است.

نکته های مهم تعریف قرآن: این تعریف قرآن کریم به چند ویژگی اشاره میکند که ذیلاً بیان می شوند:

1- این کلام معجز است، به این معنی که قرآن کریم بزرگترین معجزه رسول الله -صلی الله علیه وسلم-

1 زمخشری، جارالله، الفائق فی غریب الحدیث و الأثر دارالمعرفة، بیروت لبنان، چاپ دوم. ج 3 ص 178
2 ابن اثیر علی ابن ابی الکریم در سال 555 هـ منقطه جزیر از توابع شهر موصل دیده به جهان گشود و در سال 632 هـ در موصل از دنیا رفت. «به نقل از ذهبی، شمس الدین محمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش بشار عواد معروف و محیی هلال السرحان، بیروت، 1404ق/1984م، ص112».

3 ابن اثیر، ابوالسعادات مبارک بن محمد (544-606ق) النهایة فی غریب الحدیث، تحقیق د. محمود محمد الطناحی. دارالمعرفة، بیروت لبنان، ج 4 ص 30

4 ابن اثیر، ابوالسعادات مبارک بن محمد (544-606ق)، النهایة فی غریب الحدیث، تحقیق د. محمود محمد الطناحی. دارالمعرفة، بیروت لبنان، ج 4 ص 30،

5 زرقانی، عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مطبعة البابی الحلی، چاپ دوم، ج 1 ص 19

می باشد، معنی معجزه این است: هر زمانی که کدام پیامبر میگوید من پیامبر و خلیفه فرستاده خداوند هستم و دلیل پیامبری و خلافت من این است که خداوند متعال بخاطر تصدیق نبوت من بدست من چیزی را ظاهر میسازد که دیگر انسانها از انجام آن عاجز هستند و بالفعل الله متعال آنچه را که وی ادعاء کرده بدست وی انجام میدهد. پس این دلیل اثبات نبوت وی یا معجزه شمرده میشود قرآن کریم هم به همین دلیل نبوت یا معجزه حضرت محمد- صلی الله علیه وسلم- است، چون زمانیکه پیامبر- صلی الله علیه وسلم- ادعاء نبوت کرد، پس گفت من پیامبر الله متعال هستم دلیل نبوت من این است که من کلامی را تقدیم میکنم که در فصاحت و بلاغت، در اخبار غیب، در واقعات امت های پیشین، ذکر حقایق علمی ناممکن و به همین ترتیب در بخش تشریحات و قوانین (که در هر زمان و مکان قابل عملی شدن را دارد) از نگاه پیشکش و تقدیم کردن بی مانند است و هیچ کس در این بخش یا بخش های دیگر مثل این کلام آورده نمی تواند و همین قسم خواست و دعوت به تحدی در همین قرآن چند چند بار تکرار شده است¹.

از جمله مثال های تحدی این است که الله متعال می فرماید: ﴿ قُلْ لَّيْنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴾²

ترجمه: بگو: اگر همه مردمان و جملگی پریان گرد آیند و متفق شوند بر این که همچون این قرآن را بیاورند، نمی توانند مانند آن را بیاورند و ارائه دهند، هر چند هم برخی از ایشان پشتیبان و مددکار برخی دیگر شوند.

همچنان در جای دیگر می گوید: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴾³

ترجمه: اگر درباره آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم، دچار شک و دودلی هستید، سوره های همانند آن را بسازید و گواهان خود را بجز خدا فرا خوانید، اگر شما راستگو و درستکار هستید.

2- قرآن کریم با تمام الفاظ، کلمات، تعبیرات و معنی های خود وحی است، که به شمول الفاظ و معنا

1 مصباح الله عبدالباقي، قرآن و علوم معاصر، انتشارات مستقبل، 1397 کابل افغانستان، ص 10-11

2 سوره اسراء آیه 88

3 سوره بقره آیه 23

از جانب الله متعال توسط حضرت جبرئیل امین بر حضرت محمد -صلی الله علیه و سلم- نازل شده است ، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَأَنزَلْنَا لِتَنْزِيلِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ * بِلسانِ عَرَبِي مُبِينٍ﴾¹

ترجمه : این (قرآن) فرو فرستاده پروردگار جهانیان است ،جبرئیل آن را فرو آورده است ،بر قلب تو ، تا از زمره بیم دهندگان باشی، این قرآن به زبان عربی آشکار است.

در اینجا مراد از وحی آوردن الفاظ، کلمات و عبارات های قران کریم بطور حقیقی توسط فرشته و بدست آوردن رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از فرشته به طریقه های گوناگون می باشد، اما یک تعداد مفکرین غربی، مستشرقین (شرق شناسان) و افراد متأثر از آنها در جهان اسلام که اصلاً به وحی، بلکه بوجود حقیقی الله ایمان ندارند، آنها وحی را گاهی به (الهام نفسی) و گاهی به (اشراق روحی) و گاهی (مریضی روانی) تعبیر میکنند و هدف شان این است که مصدر وحی اصلاً از داخل وجود انسان است ، این کدام مصدر بیرونی ندارد ، یعنی از طرف الله چیزی نمی آید. این تصور نویسندگان غربی یک تصور نادرست و غلط است و بخاطر اینکه عامل اصلی تصور اینها بوجود الله و به وجود هیچ یک ماوراء الطبیعی باور ندارند و در عین حال نمی خواهند به آن دلایلی انکار کنند که به حقیقت و صداقت پیامبران خاتم است².

3- تلاوت قرآن کریم شرعاً عبادت شمرده می شود، یعنی جاری شدن این کلام به زبان سبب تقرب الله متعال و عبادت شمرده می شود، خداوند متعال ثواب عظیمی را بروی مرتب میکند، تنها همین کلام است که نماز با وی صحیح و درست می گردد. و از این قید احادیث نبوی به خصوص احادیث قدسی خارج می شود زیرا تلاوت احادیث عبادت نیست و با خواندن و قرائت آن، نماز صحیح نمی شود³.

4- قرآن کریم به صورت تواتر از رسول الله- صلی الله علیه وسلم - نقل گردیده است، معنای تواتر این است که در هر مرحله آن، تعدادی زیادی مردم آن را روایت کنند طوری اتفاق آنها بر دروغ ممکن نباشد و این یک حقیقت مسلم است ، قرآن کریم با همین قسم تواتر به ما رسیده است .تعدادی زیادی از صحابه کرام از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به طور شفوی آن را یاد گرفته و حفظ کردند،

1 سوره شعراء آیه 192 الی 194

2 مصباح الله عبدالباقی، قرآن و علوم معاصر، انتشارات مستقیل، 1397 کابل افغانستان، ص 12-13

3 دوسری، محمود بن احمد بن صالح، عظمة القرآن الکریم، دار ابن الجوزی، الکتبیات الاسلامیة ص 50

آنها به تابعین همین قسم نقل کردند، به همین قسم مردم هر نسل از مردم نسل قبل خود نقل کردند، تا اینکه به ما رسیده است، آن چنان به اهتمام علمی نقل گردیده است که هیچکس در دنیا با چنین یقین دعوی صحت هیچ کتاب دیگری را کرده نمی تواند، چنان اطمینان و یقینی که در مورد قرآن کریم وجود دارد¹.

همچنان قابل ذکر است که قرآن کریم تنها به قسم شفوی نقل نشده است در کنار آن به شکل کتبی هم حفظ آن متواتر است² زیرا الله متعال خودش حفاظت آن را به دوش گرفته است، قسمی که الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾³

ترجمه: ما خود قرآن را فرستاده ایم و خود ما حافظ و پاسدار آن می باشیم.

پس این همان ویژگی ها است که در هیچ یک کلام و کتاب دیگر وجود ندارد و همین ویژگی ها است که قرآن را از احادیث قدسی، احادیث نبوی و قرآنت های شاذ قرآن جدا می کند.

مطلب سوم: توصیف قرآن

الله متعال خودش قرآن کریم را به صفت های گوناگون توصیف کرده است که به طور مثال چند نمونه آن قرار ذیل است:

الف: توصیف قرآن به عظیم: خداوند متعال در قرآن کریم خودش قرآن را به عظیم بودن توصیف کرده است، چنانچه می فرماید: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ﴾⁴

ترجمه: و به راستی که سبع المثنای و قرآن بزرگ را به تو داده ایم

ب: توصیف قرآن به محکم بودن و استوار بودن: چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ

فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ﴾⁵

1 مصباح الله عبدالباقی، قرآن و علوم معاصر، انتشارات مستقبل، 1397 کابل افغانستان، ص 14
2 مصطفی دیب البغا، الواضع فی علوم القرآن، دارالکلم الطیب، دمشق، سوریه، سال 1998م ص 15
3 سوره حجر آیه 9
4 سوره حجر آیه 37
5 سوره هود آیه 1

ترجمه: این کتابی است که آیات آن استوار و محکم گردیده، سپس از سوی خداوند حکیم و آگاه تشریح و تبیین شده است.

از این آیه معلوم می شود که آیات قرآن را خداوند در نهایت روشنی و استواری قرار داده و با روشن کردن حق و باطل و گمراهی و هدایت به صورت های مختلفی آن را بیان و توضیح داده است، چون از جانب خداوند آگاه نازل گردیده است و هرچه قرآن می گوید راست و حق و یقین است. و قرآن جز به عدالت و نیکوکاری فرمان نمی دهد و جز از زیان های دینی و دنیوی نهی نمی کند. لذا آیه های آن دارای ساختار محکم و معنی دقیق هستند. هر واژه ای در آیه ها، و هر عبارتی در آنها، و هر معنی و هر رهنمودی در آنها مطلوب و مقصود است، و هر پیامی و هر اشاره ای در آنها دارای هدف معلومی است. آیه ها هماهنگ بوده و اختلافی و تضادی میان آنها نیست. آنها همنوا و دارای نظم و نظام یگانه ای هستند. علاوه از آن، این کتاب شرح و بیان شده است و آیه ها طبق اهداف لازم تقسیم گردیده اند و هر یک از آنها بدان اندازه جای گرفته اند که مقتضی بوده است¹.

ج: حفاظت و شاهد بودن قرآن بر کتب سابق: یکی از اوصاف قرآن که خداوند خودش در قرآن بیان کرده است این است که قرآن شاهد، حافظ و نگهبان کتب سابق آسمانی است چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ﴾²

ترجمه: و ما این کتاب (قرآن) را بر تو نازل کردیم که ملازم حق، و تصدیق کننده کتابهای پیشین، و مشتمل بر چیزهایی است که کتابهای گذشته در بر داشته اند، پس برابر آنچه خدا نازل کرده است میان آنان داوری کن،

د: توصیف قرآن به عالی بودن و حکیم بودن: الله متعال قرآن کریم را به حکیم بودن و عالی بودن توصیف کرده است چنانچه می فرماید: ﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيَّ حَكِيمٌ﴾³

ترجمه: و همانا این (قرآن) در کتاب اصلی (لوح المحفوظ) پیش ما بسیار رفیع و با حکمت است. یعنی مقام و شرافت و جایگاه آن والا است و مشتمل بر اوامر و نواهی و اخبار حکمت آمیز است. پس

1 سید قطب. فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرم دل، سال چاپ 1387 هجری، نشر احسان تهران. ج 3 ص 77

2 سوره نحل آیه 93

3 سوره زخرف آیه 4

هیچ حکم و فرمانی در آن وجود ندارد که مخالف با حکمت و عدالت و میزان باشد.¹

ه: مستقیم بودن بدون کجی: یکی دیگر از نمونه های توصیف قرآن در قرآن این است که آن را خداوند مستقیم و بدون کجی است، چنانچه می فرماید: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا (1) قِيمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّنْ لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا﴾²

ترجمه: ستایش خداوندی را سزاست که کتاب را به بنده اش فرو فرستاده و در آن هیچگونه کژی و انحرافی قرار نداده است، کتابی که مستقیم و پابرجاست تا (مردمان را) از عذاب سخت خود بترساند، و مؤمنانی را که کارهای شایسته می کنند بشارت دهد به اینکه پاداش خوبی دارد.

و در جای دیگر کجی را از آن نفی می کند و می گوید: ﴿قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ﴾³

ترجمه: قرآن عربی، بی هیچ کجی، می باشد تا آنان تقوی خدا را پیشه کنند.

مطلب چهارم: نام ها و صفات قرآن کریم

قرآن کریم دارای نام های زیادی است که اکثر این نام ها در خود قرآن کریم ذکر شده اند و در ذیل به طور خلاصه و مستند نقل می شوند:

الف: فرقان: فرقان از ریشه فرق گرفته شده است و به معنای جداکردن است چنانچه ابن فارس⁴ می نویسد: «الفرق أصلٌ صحيح يدلُّ على تمييزٍ وترتيلٍ بين شئين. والفرقان: الصبح، سمي بذلك؛ لأنه يفرق بين الليل والنهار ويقال لأن الظلَّمة تفرق»⁵

ترجمه: فرق اصل صحیح است و به جدایی و مرتب بودن میان دو چیز دلالت می کند و صبح را فرقان می گویند به خاطر آنکه در میان شب و روز فرق می کند و یا به علت این که تاریکی پراکنده می شود.

1 سعدي، عبدالرحمن بن ناصر، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، مؤسسة الرسالة، طبع: 1، 1420هـ - 2000 م ج 3 ص 437

2 سوره كهف آيه 1 و 2

3 سوره زمر آيه 28

4 ابن فارس: أحمد بن فارس بن زكرياء قزوینی رازی، از ادیبان لغت و ادب است، او در سال 329 هجری موافق با 941 میلادی تولد شده است اصل او از قزوین است و مدتی در همدان اقامت گزیده بعد به ری سفر کرده و در آنجا از دنیا رحلت کرد و از تصانیف آن مقابیس اللغة، والمجمل در علم عربی، جامع التأویل فی تفسیر القرآن، است، او در سال 395 هجری موافق با 1004 میلادی وفات کرده است. الأعلام للزركلي، دار العلم للملايين، بيروت-لبنان ج 1 ص 193.

5 ابن فارس، معجم مقابیس اللغة، مؤسسة الرسالة، بيروت، لبنان ج 3 ص 350، ماده «فرق»

اسم قرآن به نام فرقان، در چندین جای قرآن آمده است:

1- ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾¹

ترجمه: خجسته است خداوندی که فرقان (جدا سازنده حق از باطل) را بر بنده خود (محمد - صلی الله علیه وآله وسلم -) نازل کرد تا برای جهانیان هشدار دهنده باشد.

2- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ﴾²

ترجمه: ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن فرو فرستاده شده است، تا مردم را راهنمایی کند و نشانه ها و آیات روشنی از ارشاد و هدایت باشد و (میان حق و باطل) جدائی افکند

ب: برهان: برهان در لغت به معنای حجت و دلیل است چنانچه ابن منظور³ در لسان العرب می نویسد: « البرهان الحجة الفاصلة البينة»⁴

ترجمه: برهان به معنای حجت و دلیل روشن و فیصله کننده است.

الله متعال در مورد اینکه قرآن برهان است چنین می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا﴾⁵

ترجمه: ای مردم! برآستی دلایلی که قاطعانه بر حق دلالت نموده، و آن را بیان و روشن می گردانند، و ناحق را بازگو می کنند، از جانب پروردگارتان پیش شما آمده است.

برهان بودن قرآن کریم شامل دلایل عقلی و نقلی و نشانه های موجود در جهان آفرینش و در وجود خود انسانها است چنانچه الله متعال در آیه دیگر می فرماید: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ

1 سوره فرقان آیه 1

2 سوره بقره آیه 183

3 ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی ابو الفضل جمال الدین بن منظور انصاری رویفعی افریقی، صاحب لسان عرب و امام لغت از نسل رویفعی بن ثابت انصاری در سال 630 هجری مصر متولد شده است (و برخی گفته اند در طرابلس غرب تولد یافته است) در دیوان انشاء در قاهره ایفای خدمت می کرد بعد به صفت قاضی در طرابلس انجام وظیفه نموده است و در آخر عمر به مصر برگشت نمود و در آنجا فوت نمود این دانشمند با قلم خود 500 مجلد کتاب نوشته است و در آخر عمر از نعمت بینائی محروم گردیده بود، او در سن 87 سالگی از دنیا رفت و در شهر «قراه» از مربوطات قاهره پایتخت مصر دفن است اعلام زرکلی ج 7 ص 108

4 ابن منظور، محمد بن مکرم (735 هق) لسان العرب، ط: 1، 1408 هق، دار صادر، بیروت. ج 13 ص 51 ماده «برهن»

5 سوره نساء آیه 174

يَتَّبِعَنَّ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ¹

ترجمه: ما نشانه هایمان را در جهان هستی و در وجود خودشان به آنان نشان می دهیم، تا حق برایشان روشن گردد.

ج: الحق: حق در لغت به معانی مختلف آمده است که مشهور ترین آن مطابقت و موافقت و ضد باطل است چنانچه راغب اصفهانی² در مفردات القرآن می نویسد: «أصل الحق المطابقة و الموافقة و ضد الباطل»³

ترجمه: اصل معنای حق مطابقت و موافقت با واقعیت و ضد باطل است.

قرآن کریم در چندین جای قرآن کریم را به اسم حق یاد کرده است:

1- ﴿وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ﴾⁴

ترجمه: قرآن، یقین راستین (و حق و حقیقت فرو فرستاده جهان آفرین) است.

در تفسیر فتح القدير می نویسد: «أى إن القرآن لكونه من عند الله حق فلا يحول حوله ريب ولا يتطرق إليه شك»⁵

ترجمه: یعنی قرآن به علت بودنش از نزد الله حق است، بناءً در او شک و ريب داخل نمی شود.

2- ﴿وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ﴾⁶

ترجمه: و قوم تو قرآن را تکذیب نمودند، حال آنکه قرآن حق است و هیچ شکی در آن نیست، و هیچ تردیدی به آن راه ندارد.

1 سوره فصلت آیه 53

2 راغب اصفهانی: حسین بن محمد بن المفضل، أبو القاسم اصفهانی معروف به راغب از ادیبان حکماء و علماء اهل اصفهان بود که سال تولدش معلوم نیست و در بغداد سکونت گزیده است و در آنجا شهرت حاصل نمود آثار متعدد نگاشت که از جمله من (محاضرات الأدباء الذریعة إلى مکارم الشریعة (الأخلاق) ویسمى (أخلاق الراغب) وجامع التفاسیر) (المفردات فی غریب القرآن) و (حل متشابهات القرآن) و (تفصیل النشأتین) فی الحکمة و علم النفس و تحقیق البیان، فی اللغة والحکمة، وکتاب فی الاعتقاد) و (أفانین البلاغة) او در سال 502 هجری وفات کرده است. اعلام زرکلی ج 2 ص 255

3 راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل، مفردات ألفاظ القرآن، دار القلم - دمشق 1992م، ج 2 ص 132 ماده «حق»

4 سوره حاقه آیه 51

5 شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدير الجامع بین فنی الروایة والدرایة من علم التفسیر، دار ابن کثیر، الطبعة، الأولى 1414 هـ-بیروت،

6 سوره انعام آیه 66

3- ﴿قُلْ إِنْ رَبِّي يَفْزِفُ بِالْحَقِّ عَلَٰمَ الْغُيُوبِ * قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبَدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ﴾¹

ترجمه: بگو: پروردگار من حق را (به جان باطل) می اندازد او دانای نهانی هاست، بگو: حق آمد و باطل (کار تازه ای را) از سر نمی گیرد و دوباره باز نمی گردد.

د: **النبا العظيم**: یکی دیگر از نام های قرآن نباء عظیم یا خبر بزرگ است چنانچه الله متعال می فرماید:

﴿قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ * أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ﴾²

ترجمه: بگو: این قرآن خبر بزرگی است که شما از آن اعراض کننده و روی گردان هستید.

ه: **البلاغ**: بلاغ از ریشه بلغ گرفته شده است و به معنای وصول و رسیدن است³

الله متعال در مور اینکه قرآن بلاغ است می فرماید: ﴿هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّ مَا هُوَ إِلَهٌ

وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾⁴

ترجمه: این (قرآن) ابلاغی است برای مردمان تا بدان بیم یابند و بدانند که فقط او معبود یگانه است و تا خردمندان پند و اندرز گیرند

و: **الروح**: روح در لغت به معنای گشایش و وسعت آمده است و به معنای نفس و جان است⁵ و الله

متعال در مورد این که قرآن کریم روح است می فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ

تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ

مُسْتَقِيمٍ﴾⁶

ترجمه: و اینچنین روحی از کلام خود به تو وحی کردیم، (تو) نمی دانستی که کتاب و ایمان چیست،

ولی آن (قرآن) را نوری گردانیدیم که با آن هرکس از بندگمان را که بخواهیم هدایت می کنیم و بی گمان

تو به راه راست رهنمون می سازی.

1 سوره سبأ آیه 48 و 49

2 سوره صافات آیه 67 و 68

3 ابن فارس، معجم مقاییس اللغة ج 1 ص 156 ماده «بلغ»

4 سوره ابراهیم آیه 52

5 ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج 1 ص 494 ماده «روح»

6 سوره شوری آیه 52

ز: موعظه: یکی از نام های قرآن موعظه است، موعظه از و عظم گرفته شده است که به معنای پند دادن است، راغب اصفهانی می گوید: «الوعظ فی الاصل زجر مقترن بتخویف و هو التذکیر بالخیر فیما یرق له القلب»¹

ترجمه: وعظ زجر و تهدید است که با تخویف همراه باشد، و آن یادآوری به خیر است در آنچه که قلب را نرم می کند.

الله متعال در مورد این که قرآن کریم موعظه است می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾²

ترجمه: ای مردم! به راستی پندی از سوی پروردگارتان آمده که مایه ی بهبودی و درمان بیماری هایی است که در سینه هاست و هدایت و رحمتی برای مومنان است.

و در جای دیگر می فرماید: ﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ﴾³

ترجمه: این (قرآن) برای مردم، روشنگر است و رهنمود و اندرزی برای متقیان است.

ح: شفاء: شفاء در لغت به معنای مراقبت از یک چیز آمده است و شفاء در اصل نام دواى معروف است که مرض را درمان می کند⁴

الله متعال در مورد این که قرآن کریم شفاء است می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾⁵

ترجمه: ای مردم! به راستی پندی از سوی پروردگارتان آمده که مایه ی بهبودی و درمان بیماری هایی است که در سینه هاست و هدایت و رحمتی برای مومنان است.

3- ﴿فَلَنْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءً وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادُونَ

1 راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن ج 2 ص 542 ماده «وعظ»

2 سوره یونس آیه 57

3 سوره آل عمران، آیه 138

4 ابن منظور، لسان العرب، ج 14 ص 436 ماده «شفى»

5 سوره یونس آیه 57

مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ¹

ترجمه: بگو: «این (کتاب) برای کسانی که ایمان آورده اند هدایت و شفاء است؛ ولی کسانی که ایمان نمی آورند، در گوش هایشان سنگینی است و گویی نابینا هستند و آن را نمی بینند و آنها از جایی دور صدا زده می شوند.

4- ﴿وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾²

ترجمه: و از قرآن، آن چه شفا و رحمت برای مؤمنان است، نازل می کنیم، ولی ستمکاران را جز خسران نمی افزاید.

ط: احسن الحديث: یکی از نام های قرآن احسن الحديث یعنی بهترین داستان است چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِي تَفْشَعُ مِنْهُ جُلُودَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ﴾³

ترجمه: خداوند بهترین سخن را نازل کرده است، کتابی که همگون و مکرر است. پوست های آنانکه از پروردگارشان می ترسند از (شنیدن) آن به لرزه می افتند، آنگاه پوست ها و دل هایشان با یاد خدا نرم می شود. این هدایت الهی است و خداوند هر که را بخواهد در پرتو آن راهیاب می سازد و هر کس را که خدا گمراه سازد راهنما و هدایتگری نخواهد داشت.

ی: الكتاب: این نام قرآن نیز در آیات زیادی آمده است بطور مثال الله متعال می فرماید: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ

لَا رَيْبَ فِيهِ هُدَى لِّلْمُتَّقِينَ﴾⁴

ترجمه: این کتاب هیچ شکی در آن نیست و راهنمای پرهیزگاران است.

در کتاب «النباء العظيم» می نویسد: نامگذاری این کتاب الله به قرآن و کتاب اشاره به این مطلب است که به هر دو شکل محفوظ خواهد بود، هم به شکل شفوی و خواندن محفوظ خواهد بود که به این مطلب در لفظ (القرآن) اشاره شده است و هم به شکل کتبی محفوظ خواهد بود که به این مطلب در لفظ (

1 سوره فصلت آیه 44

2 سوره اسراء آیه 82

3 سوره زمر آیه 23

4 سوره بقره آیه 2

الکتاب) اشاره شده است¹.

مطلب پنجم: ویژه گی های قرآن

در اینجا دو نوع ویژگی های قرآن کریم مورد بحث و بررسی قرار می دهیم:

الف: ویژگی های عمومی

ویژگی های عمومی قرآن کریم قرار ذیل می باشند:

ویژگی اول: نزول از بالاترین مقام توسط شخص امین: از مهمترین ویژگی های قرآن این است که از بالاترین مقام در جهان که آسمان است توسط امین ترین فرد که جبرئیل می باشد نازل شده است و این مطلب در چندین آیه قرآن اشاره شده است:

1- **﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ * أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ﴾²**

ترجمه: این کتابی است که از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است (و) هیچ شکی در آن نیست، پروردگار جهانیان است. آیا می گویند: خودش آن را از پیش خود ساخته است؟! بلکه قرآن حق است و از سوی پروردگارت آمده است تا گروهی را بترسانی که پیش از تو ترساننده ای به نزد آنان نیامده است. باشد که آنان راه یابند.

خداوند متعال در آیات فوق خبر می دهد که این کتاب بزرگوار از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است، پروردگاری که با نعمت های خود انسان ها را پرورش کرده است. بزرگترین چیزی که خداوند با آن انسان ها را پرورش داده این کتاب است که در آن همه آنچه که اوضاع آنان را بهبود می بخشد و اخلاقتان را کامل می گرداند وجود داشته و هیچ شک و تردیدی در آن نیست.

2- **﴿تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ * إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾³**

ترجمه: فرو فرستادن (این) کتاب از سوی خداوند توانمند باحکمت است، بی گمان ما کتاب را به حق

1 دراز، عبدالله، النبأ العظيم، دارالطبعة للنشر والتوزيع، الرياض، المملكة العربية السعودية، سال چاپ 1997، ص 6

2 سوره سجده آیه 2 و 3

3 سوره احقاف آیه 2 و 3

بر تو نازل کرده ایم، پس خدا را پرستش کن و دین خود را برای او خالص گردان.

خداوند متعال در آیات فوق از عظمت قرآن و از شکوه کسی که از آن سخن گفته از سوی او نازل شده خبر داده و می فرماید: قرآن از جانب خداوند توانمند و با حکمت نازل شده است، کسی که الوهیت و عبادت برای او، جزو صفات ایشان می باشد. و این به خاطر عظمت و کمال و توانایی اوست که بر همه مخلوقات چیره است و هر چیزی در برابر او حقیر و ضعیف است. و در آفرینش و فرمانش دارای حکمت و فرزاندگی است. پس قرآن از جانب خدایی نازل شده که صفتش چنین است و سخن گفتن صفت او است، و صفت تابع موصوف است. پس همان طور که خداوند از هر جهت کامل است و همتایی ندارد، قرآنش نیز چنین است، و برای وصف قرآن همین کافی است، و بر مقام والای آن دلالت می نماید¹.

همچنان قرآن کریم توسط کسی نازل شده است که دارای عظمت و مورد اعتماد است چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ * عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ﴾²

ترجمه: و بی گمان آن را پروردگار جهانیان نازل کرده، و روح الامین آن را در قلب تو نازل نموده است تا از بیم دهندگان باشی.

روح الامین، جبرئیل علیه السلام است، او این قرآن را از سوی خدا بر قلب پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرده است. بر چیزی که آن را نازل کرده است امین است، و محافظ و نگاهبان آن است. قرآن را بر دل و نازل کرده است و او قرآن را مستقیماً دریافت داشته است و آن را مستقیماً حفظ نموده است. جبرئیل قرآن را بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرده است تا از زمره بیم دهندگان گردد، آن را به زبان عربی روشن نازل گردانده است³.

الله متعال جبرئیل - علیه السلام - که قرآن کریم توسط او به حضرت محمد - صلی الله علیه و سلم - نازل کرده است به صفت های کریم، صاحب قوت، مکین، مطاع و امین توصیف کرده است چنانچه می فرماید: ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ * ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ * مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ﴾⁴

1 سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى 1420 هـ - 2000 م ج 10 ص 4

2 سوره شعراء آیه 193.192

3 سید قطب. فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرم دل، سال چاپ 1387 هجری، نشر احسان تهران ج 4 ص 129

4 سوره تکویر آیه 19-21

ترجمه: بی گمان آن قرآن قول فرستاده بزرگوار است، او نیرومند است و نزد خداوند صاحب عرش دارای منزلت والاهی است، فرمان برداری شده، در آنجا و نیز امین و درستکار است.

در آیات فوق جبرئیل علیه السلام به پنج صفت بزرگ توصیف شده است:

1- **کریم بودن:** جبرئیل علیه السلام که نازل کننده قرآن به محمد -صلی الله علیه وسلم- است شخص

کریم است نه قسمی که دشمنانش او خبیث، قبیح المنظر و بی خیر می گویند¹.

2- **صاحب قوت:** جبرئیل صاحب قوت و نیروی بزرگ است چنانچه در آیه دیگر الله متعال می

فرماید: ﴿إِنَّهُ هُوَ الْوَحِيُّ يُوحَىٰ * عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ * ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ * وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ﴾²

ترجمه: آن قرآن جز وحی نیست که بر پیامبر فرستاده می شود، او را فرشته بس توانمند آموزش داده است، فرشته ای نیرومند. همان کسی که دارای خرد استوار و اندیشه وارسته است آن گاه راست و درست ایستاد، و او در کناره بلند آسمان بود.

در روایات نیز آمده است که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- دو بار او را به صورت اصلی که دارای ششصد بال می باشد مشاهده فرمودند، چنانچه در مسند امام احمد³ از عبدالله بن مسعود⁴ -رضی الله عنه- روایت است که رسول الله -صلی الله علیه وسلم- در تفسیر آیه ی «وَلَقَدْ رَأَوْهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ» فرمودند: «رَأَيْتُ جِبْرِيْلَ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ عَلَيْهِ سِتُّ مِائَةٍ جَنَاحٍ يُنْتَثِرُ مِنْ رِيشِهِ التَّهَاقِيْلُ: الدَّرُّ وَالْيَاقُوْتُ»⁶

ترجمه: جبرئیل را در حالی دیدم که ششصد بال داشت و از بالش زیور آلات رنگارنگ از دُر و

1 دوسری، محمود بن احمد بن صالح، عظمة القرآن الكريم، دار ابن الجوزی، المكتبات الاسلامية ص 64

2 سوره نجم آیات 4 تا 8

3 امام احمد بن حنبل -رحمه الله- ابو عبدالله احمد بن محمد بن هلال شیبانی مروزی بغدادی در سال 164 هجری در بغداد متولد شد و در سال 241 زندگی را بدرود گفت. وی از اصحاب حدیث نیز می باشد و امامان مسلم و بخاری، از او روایت کرده اند. امام احمد در حدیث و فقه امام بوده است و حافظه قوی و درایت کامل داشت. احمد بن محمد الخلال فقه ابن حنبل را جمع آوری و منتشر کرد، ر.ج. الجوزی، أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد بن الجوزی، مناقب الإمام أحمد بن حنبل، تحقیق الدكتور عبد الله بن عبد المحسن التركي، الناشر: دار هجر، سنة النشر: 1409، الرياض، ص 16.

4 عبدالله بن مسعود: (32 هـ مطابق 653 م) صحابی جلیل القدر، نامش عبدالله پسر مسعود بن غافل بن حبیب الهذلی، کنیه اش أبو عبد الرحمن از جمله بزرگان، فاضل و عاقل و نزدیکان پیامبر ﷺ بود. از اهل مکه و پیشینیان در اسلام و اولین کسی که قرآن کریم را در مکه به آواز بلند تلاوت کرده است. خادم، صاحب سر، رفیق راه و سفر و غزوات او ﷺ بود و هرگاهی نزدش حضور می یافت. روزی پیامبر ﷺ به او نگاه نموده فرمود: ظرفی مملو از علم. بعد از رحلت پیامبر ولایت کوفه را عهده دار شد. سپس در زمان خلافت عثمان بن عفان به مدینه برگشت و در سن 60 سالگی در همانجا وفات یافت. به تعداد 848 حدیث از پیامبر ﷺ روایت کرده است. الأعلام للزركلی - (4 / 137).

5 سوره نجم آیه 13

6 ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن حنبل، مسند احمد، مؤسسة الرسالة، طبع: 2، 1420 هـ، 1999 م، شماره حدیث: 3915 (البانی این حدیث را در الإسرائ و المعراج ص 101 حسن گفته است.)

یاقوت می ریخت.

و در روایت صحیح آمده است که حضرت عایشه¹ -رضی الله عنها- در تفسیر آیه «ثم دنی فتدلی» می گوید: «إنما ذاك جبريل كان يأتيه في صورة الرجال وإنه أتاه في هذه المرة في صورته التي هي صورته فسد أفق السماء»²

ترجمه: این جبرئیل بود که به صورت مردان به نزد پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می آمد و این بار به صورت اصلی اش آمد که هر بالش بین مشرق و مغرب را مسدود ساخت.

3- **مقام و منزلت برجسته:** جبرئیل نزد خداوند صاحب عرش داری منزلت و مکانت خاصی است به همین خاطر خداوند در جاهای متعددی بعد از ذکر ملائکه نامش را جداگانه ذکر می کند چنانچه می فرماید: ﴿تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾³

ترجمه: فرشتگان و جبرئیل در آن شب با اجازه پروردگارشان، برای هرگونه کاری فرود می آیند.

همچنان از جهت کرامت و مکانت جبرئیل نزد خداوند دارد، دشمنی او را دشمنی خود خوانده است، چنانچه می گوید: ﴿مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ﴾⁴

ترجمه: کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد، پس خداوند دشمن کافران است.

4- **فرمانروای اطاعت شده:** تمامی ملائکه به امر و فرمان خدا از جبرئیل اطاعت می کنند و او در ابلاغ قرآن و تبلیغ آن به رسول الله -صلی الله علیه وسلم- و هر آنچه به او امر شود امین است.

5- **امین و درستکار:** جبرئیل به صفت امانت توصیف شده است و در چندین جای قرآن کریم از او به نام «امین» یادآوری شده است.

1 ام المومنین، عائشة نبت ابي بكر الصديق عبدالله بن عثمان از قبیله قریش، متولدسال: 9هـ ق باپیغمبر -صلی الله علیه وسلم- در سال دوم هجری از دواج نموده، پیغمبر علیه السلام به عائشة محبت زیاد داشت و احادیث زیادی روایت نموده و در سال 58هـ وفات یافته. (الاعلام للزرکلی: 240/3).

2 نیشاپوری، مسلم بن الحجاج قشیری، (ت: 261هـ صحیح مسلم، تحقیق محمد فواد عبدالباقي، چاپ 1403هـ-1983م دار الفکر، بیروت. شماره حدیث: 177)

3 سوره قدر آیه 4

4 سوره بقره آیه 98

پس وقتی که جبرئیل علیه السلام آورنده قرآن با این صفات بزرگ موصوف باشد این دلالت بر این می کند قرآن کتاب بسیار با عظمت است و علو شان این کتاب بسیار زیاد است.

ویژگی دوم: نزول قرآن در بهترین زمان: از ویژگی های مهم قرآن این است که این کتاب در بهترین زمان نازل شد است که آن عبارت از ماه رمضان و شب قدر می باشد که در این مورد الله متعال می فرماید:

1- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾¹

ترجمه: ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن فرو فرستاده شده است ، تا مردم را راهنمایی کند و نشانه ها و آیات روشنی از ارشاد و هدایت باشد و (میان حق و باطل) جدائی افکند.

2- ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ ۗ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ﴾²

ترجمه: ما آن را در شبی مبارک (شب قدر) فرستادیم، که ما بیم کننده ایم (تا خلق را از عذاب قیامت آگاه کنیم و بترسانیم).

3- ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ حَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾³

ترجمه: ما این قرآن عظیم الشأن را در شب قدر نازل کردیم. و چه تو را به عظمت این شب قدر آگاه تواند کرد؟

از آیه اول بدست می آید که قرآن در ماه رمضان نازل شده است. از آیه دوم می توان دریافت که این نزول، در یک شب مبارکی انجام گرفته است. با توجه به این دو آیه، روشن می شود که این شب مبارک، یکی از شب های ماه رمضان است. در آیه سوم، خداوند می فرماید: «ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم.» از ضمیمه این سه آیه، می توان چنین نتیجه گرفت: در ماه رمضان، شب بابرکتی به نام شب قدر، وجود دارد که قرآن در آن شب، نازل شده است. در ضمن روشن است که آن شب عظیم، یک شب است و نه چند شب. بنابراین، زمان نزول قرآن، در یک شب قدر از شب های ماه رمضان می باشد. البته معلوم است که آغاز نزول قرآن کریم در رمضان و شب قدر صورت گرفته است نه اینکه تمام قرآن و

1 سوره بقره آیه 183

2 سوره دخان آیه 44

3 سوره قدر آیات 1-3

مکمل در این زمان نازل شده باشد چون قرآن به طور کامل در مدت بیست و سه سال نازل شده است چنانچه سیوطی¹ به نقل از امام شافعی -رحمه الله- می نویسد: «شب قدر آغاز نزول قرآن بوده است و بعد از آن در اوقات مختلف نازل شده است»²

ویژگی سوم: تصدیق قرآن از پیامبران و کتاب های آسمانی: از ویژگی اساسی دیگر قرآن این است که این کتاب سایر کتاب های آسمانی مانند تورات و انجیل را تصدیق می کند و تصدیق کردن قرآن سایر کتاب ها را به اشکال مختلف است که در ذیل به آن اشاره می شود:

1- تصدیق کردن اصل وحی به پیامبران چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا﴾³

ترجمه: بدون شک ما بر تو وحی فرستادیم، همانطور که بر نوح و پیامبرانی که پس از او بودند وحی فرستادیم، و برای ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (نوادگان یعقوب) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان (نیز) وحی فرستادیم، و به داود زبور دادیم.

در آیه فوق قرآن کریم تصدیق نموده است که به پیامبران زیادی وحی شده است.

2- نزول قرآن کریم مطابق وعده و بیان کتاب های آسمانی، به این معنا که در کتاب های آسمانی نزول قرآن کریم بشارت داده شده بود و زمانی که قرآن کریم نازل شد در حقیقت سخن آن کتاب ها تصدیق گردید، چنانچه حافظ ابن کثیر -رحمه الله-⁴ در ذیل آیه ﴿نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنَّزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ﴾ (کتاب را بر تو به حق نازل کرد، تصدیق کننده کتابهایی است که پیش از آن

1 جلال الدین عبدالرحمان سیوطی، عالم شافعی قرن نهم و دهم است. سیوطی در اواخر دوران شکوفایی علمی در مصر می زیست. او از علمای معروف سنت و جماعت است که در بحث های گوناگونی از جمله حدیث، مصطلح الحدیث، علوم قرآنی و غیره کتاب نگاشته است. وی در سال 809 هـ در اسبوط مصر دیده به جهان گشود و در سال 911 هـ در مصر درگذشت. معجم المفسرین (من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر) عادل نویهض، بیروت - لبنان لطبعة: الثالثة، 1409 هـ. ج 2 ص 529

2 سیوطی ابوبکر جلال الدین، الإتقان فی علوم القرآن، ترجمه مهدی حائری قزوینی، چاپ: تهران امیرکبیر ج 1 ص 118

3 سوره نساء آیه 163

4 ابن کثیر: امام حافظ عمادالدین، ابوالفداء، اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی شافعی، وی در یکی از قریه های منطقه (بصری) در شام، تولد گردیده است. وقول راجح این است که تولد او در سال 700 هـ بوده و وفات آن در دمشق در ماه شعبان سال 77 هـ میباشد. پدر وی ابوحفص عمر یکی از جمله پی علمای برجسته پی منطقه خود در شام بود و امام خطیب در منطقه خود بود و قتیته که پدرش وفات نمود، وی سه سال داشت ابن کثیر -رحمه الله- به دمشق رفت و تحصیل علوم پرداخت و سن اش خورد بود که قرآن کریم را حفظ کرد. و کتب فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و لغت را فراگرفت. الاعلام للزرکلی ج 1 ص 308

بوده اند) می نویسد: «أَيُّ مِنَ الْكُتُبِ الْمَتَّقِمَةِ الْمُتَضَمِّنَةِ ذِكْرِهِ وَمَدْحِهِ، وَأَنَّهُ سَيُنزَلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَلَى عَبْدِهِ وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ، فَكَانَ نَزْوِلُهُ كَمَا أَخْبَرْتَ بِهِ، مِمَّا زَادَهَا صِدْقًا عِنْدَ حَامِلِيهَا»¹

ترجمه: یعنی قرآن تصدیق کننده کتبی است که متضمن ذکر و مدح پیامبر هستند و این که از جانب خداوند برای بنده و رسولش محمد کتابی نازل می شود، پس نازل شدن قرآن مطابق اخبار آن کتاب ها صدق این کتاب را در نزد حمله آن زیاد می کند.

1- قرآن کریم با کتاب های گذشته در مقاصد دین و اصول آن مانند دعوت به سوی ایمان به الله، پیامبران و روز آخرت موافق است و همچنان در برخی احکام و شرائع قرآن با سایر شریعت های قبلی موافق است و آن را تایید کرده است چنانچه آیات ذیل به آن دلالت می کنند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾²

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما فرض شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند فرض شده بود، تا پرهیزگار شوید.

ویژگی چهارم: تحدی و مبارزه طلبی قرآن از انسان ها و جنیات: یکی دیگر از دلایل عظمت قرآن این است که خداوند متعال انسان ها و جنیات را چلینج داده است و از آنان خواسته است که اگر در برابر قرآن تسلیم نمی شوند و به آن نمی آورند و می گویند این کلام خداوند نیست، پس همه جمع شوند و مانند آن بیاورند، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿قُلْ لَنْ يَأْتِيَنَّكَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا﴾³

ترجمه: بگو: اگر همه مردمان و جملگی پریان گرد آیند و متفق شوند بر این که همچون این قرآن را بیاورند، نمی توانند مانند آن را بیاورند و ارائه دهند، هر چند هم برخی از ایشان پشتیبان و مددکار برخی دیگر شوند.

همچنان در جای دیگر می گوید: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا

1 ابن کثیر-رحمه الله-، ابو الفداء اسماعیل، تفسیر قرآن العظیم، انتشارات دار طیبه للنشر و التوزیع، 1420هـ-1999م. بیروت، ج 3 ص 192

2 سوره بقره آیه 183

3 سوره اسراء آیه 88

شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ¹

ترجمه: اگر درباره آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم، دچار شک و دودلی هستید، سورهای همانند آن را بسازید و گواهان خود را بجز خدا فرا خوانید، اگر شما راستگو و درستکار هستید.

و زمانی که کسی نتوانست مانند قرآن بیاورد پس باید تسلیم شود و باید دانسته شود که این کتاب از نزد خداوند بزرگ نازل شده است چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ²

ترجمه: بگو: اگر راست می گوئید کتابی راهنماتر از این دو از جانب الله بیاورید تا من از آن پیروی کنم. اگر آنان حرف شما را نپذیرفتند بدان که آنها فقط از خواهشات نفسانی خود تبعیت می کنند و از کسی که رهنمودهای خدا را کنار گذاشته و از هوای نفسانی خویش پیروی می کند آیا می توان گمراه تری یافت؟ بدون تردید خدا به ستمگران راه نمی نماید.

همچنان در جای دیگر الله متعال می فرماید: ﴿فَإِنْ لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ³

ترجمه: اگر آنان سخن شما را نپذیرفتند پس بدانید که این قرآن به علم الهی نازل شده است و همانا جز او معبود راستینی وجود ندارد، آیا شما تسلیم می شوید!

از این آیه به وضوح معلوم می شود که رمز معجزه بودن قرآن این است که سرچشمه آن علم الهی است، به عبارت دیگر قرآن مظهر علم خاص خداوند متعال می باشد. از این جهت انسان ها قادر نیستند با علم ظنی، مشتبه، ناقص و محدود خود با قرآن مجید مقابله کنند، آری چنانکه انسانها نمی توانند با سایر صفات خداوندی مماثلت نمایند قطعاً علمشان نیز مانند علم الهی نخواهد شد. جمله: ﴿أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ﴾ بر این امر دلالت می کند همچنان که الله تعالی در صفت الوهیت یکتاست در علم نیز مثل و مانندی ندارد.

1 سوره بقره آیه 23

2 سوره قصص آیه 49 - 50

3 سوره هود آیه 13 و 14

وقتی جز او دیگر معبودی نیست، کتاب او نیز مثل و مانند ندارد¹.

ویژگی ششم: اعجاز قرآن: یکی دیگر از ویژگی های قرآن معجزه بودن آن است، اعجاز مصدر است و از ریشه عجز گرفته شده است که به معنای عاجز ساختن کسی را ، ناتوان گردانیدن و به مقابله خواستن کسی و ناتوان ماندن آن است چنانچه راغب اصفهانی می نویسد: « واژه عجز- در سخن معمولی اسمی است برای کوتاهی کردن از انجام کار و نقطه مقابل قدرت و توانایی است، عرب ها می گویند: اعجزت فلانا و عجزته و عاجزته: او را ناتوان ساختم»²

در اصطلاح معجزه را چنین تعریف کرده اند: « المعجزة أمر خارق للعادة يدعو إلى الخير والسعادة مقرون بدعوى النبوة قصد به إظهار صدق من ادعى أنه رسول الله»³

ترجمه: معجزه کاری خارق العاده است که به سوی خیر و سعادت دعوت می کند و مقرون به به دعوی نبوت می باشد و هدف آن اظهار صدق کسی که دعوا می کند او رسول خدا است.

یعنی معجزه باید خلاف عادت باشد و چه ترك باشد یا فعل بشرط پیش خواندن خصم در برابر و پیروز گردیدن در آن بطوریکه مثل آن را آورده نتواند، و اینکه فعل و یا ترك ذکر گردیده ، بدان جهت است که معجزه همانطوری که به انجام دادن کار غیر عادی بعمل آید ، همچنین در ترك امر معتاد صورت پذیرد مثل اینکه از خوردن غذا در مدتی غیر معتاد خود داری کند در حالیکه تندرستی و زندگانی خود را حفظ نماید ، و مقصود از پیش خواندن خصم آن است که او را برای معارضه کردن در کاری که دلیل پیامبری خود میداند دعوت نماید و ناچار باید خرق عادت موافق و مثبت مدعا باشد چه اگر موافق نباشد دلالتی بر اثبات مدعا ندارد. بنابراین به سخن آمدن جمادات به صورت که مدعی را کذاب و دروغگویی خواند معجزه گفته نمی شود زیرا که موافق با ادعا نیست ، بلکه مخالف آن است ، و همچنین ارهاص و کرامت معجزه نیستند، چون مقرون به ادعای نبوت نمی باشند⁴.

وجوه اعجاز قرآن: مقصود از وجوه اعجاز اموری است که قرآن در برگیرنده آن است و این امر نشان

1 ندوی، سید ابوالحسن علی ندوی، اصول و مبادئ فهم قرآن، ترجمه، محمد قاسم قاسمی، کتابخانه عقیده، صفحه 19
2 راغب اصفهانی، حسین بن محمد، تحقیق محمد سید کیلانی، المفردات فی غریب القرآن، الطبعة الأولى، 1412، دارالمعرفة، بیروت. ج 2 ص 66 ماده عجز

3 جرجانی، علی بن محمد بن علی. (1405 هـ) تعریفات. تحقیق. ابراهیم الأبیاری بیروت: دار الکتب العربی. ج 1 ص 282
4 زندانی، عبدالمجید ، 1379 هـ ش ، جلوه های از اعجاز علمی قرآن و حدیث، مترجم : حسین یزدانی ، مؤسسه انتشارات الأزهر ، پشاور ، پاکستان ص 50-51

دهنده آنان است که قرآن از جانب خداوند-جل جلاله- است، و نشان دهنده عظمت قرآن است.

وجوه اعجاز قرآن در کتب علوم القرآن به چهار نوع تقسیم شده است:

1- حسن تألیف و هماهنگی کلمات، و فصاحت و بلاغتی که بالاتر از توان عرب می باشد.، چنانچه امام قرطبی¹ -رحمه الله- در تفسیرش می گوید: نظم و ترتیب تازه و عجیب قرآن مغایر با نظم متداول در زبان عرب و غیر عرب است زیرا نظم آن از نوع نظم شعری نیست و خداوند متعال می فرماید:

﴿وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ﴾²

ترجمه: و به او شعر نیاموختیم و (آموختن شعر) سزاوار او نیست، آن جز پندی و قرآنی آشکار نمی باشد.

همچنان قرطبی می گوید: اسلوب قرآن که مغایر با تمام اسلوب های عرب می باشد و فصاحت آن که هرگز از دیگران ساخته نیست مانند سوره (ق) از اول تا آخر، و قول خدای متعال ﴿وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾³

ترجمه: و خداوند را چنانکه سزاوار بزرگی اوست ارج ننهادند و ورز قیامت، سراسر زمین یکباره در مشت او قرار دارد و آسمان ها با دست راست او درهم پیچیده می شود. او پاک و منزّه است و از آنچه شریک وی می گردانند برتر است.

این مثال و موارد دیگر در قرآن بوجود آوردن ترتیبی خاص خارج از توان عرب ها می باشد، بطوریکه به اتفاق همه آنان هر کلمه و هر حرف قرآن در جای صحیح خود قرار گرفته است⁴

2- نظم فوق العاده و اسلوب عجیب آن که به اعجاز بیانی و لغوی نیز آن را تعبیر می کنند، نظمی که

1 امام قرطبی-رحمه الله-: ابو عبدالله، محمد بن احمد بن ابوبکر بن فرح انصاری خزرجی اندلسی امام قرطبی-رحمه الله-، یکی از امامان بزرگ تفسیر است که در قرن هفتم می زیست. تاریخ تولد او ذکر نشده، اما برخی گفته اند او در آغاز قرن هفتم هجری (میان سال های ۶۰۰ تا ۶۱۰ هجری) در قرطبه دیده به جهان گشود و مدتی در آن سرزمین زندگی کرد اما وفات او را سال ۶۷۱ ق می گویند. تالیفات امام قرطبی-رحمه الله- بسیار اند از جمله: «الجامع لأحكام القرآن»، «التذكرة في أحوال الموتى و أمور الآخرة»، «التذكار في فضل الأذكار» که به چاپ رسیده است. «الاسنى في شرح أسماء الله الحسنى و صفاته العلیا». «الاعلام بما فی دین النصارى من المفاسد والأوهام و اظهار محاسن دین الاسلام». قمع الحرص بالزهد والقناعة ورد ذل السؤال بالكسب والصناعة (مشهور حسن محمود سلمان، الامام الامام قرطبی-رحمه الله- شيخ انمه التفسیر، ج ۱، ص ۱۸۷ - ۲۳۷، دمشق ۱۴۱۳/۱۹۹۳).

2 سوره پس آیه 69

3 سوره زمر آیه 67

4 القرطبي، أبي عبدالله محمد بن أحمد الأنصاري، 1408 هـ ق الجامع لأحكام القرآن، دار الكتب العربي: بيروت، لبنان، ج 1 ص 105

مغایر اسلوب کلام عرب است ، و نیز روشهای نظم و نثر آن از جهت وقف در مقاطع آیات ، و انتهای فواصل آیات که هرگز قبل از آن و بعد از آن نظیرش دیده نشده است ، و هیچ کس توان مماثله با آن را ندارد.

مفهوم اعجاز لغوی ، اسلوبی و بیانی این است که قرآن کریم از لحاظ بیان، فصاحت ، بلاغت و اسلوب چنان کتاب متمایز است که هیچ کسی مانند این کلام آورده نمی تواند ، قرآن کریم در آن زمان به شاعران ، خطیبان ، اشخاص متخصص در بیان و فصاحت عرب را دعوت به مبارزه داد اما هیچ کس توان این را پیدا نکرد که به اندازه مختصر ترین سوره قرآن کریم هم کلامی در مقابل قرآن کریم بیاورند ، پس زمانیکه آنها از این کار عاجز شدند ، از این معلوم گردید که از این کار از توان پیامبر (صلی الله علیه وسلم) هم خارج است، چون پیامبر -صلی الله علیه وسلم- هم انسان است و آن کاری که در توان یک انسان نباشد در توان انسان های دیگر هم نمی باشد ، پس از این ثابت گردید که از جانب الله متعال میباشد و دیگر همگی از آوردن چنین کلامی عاجز میباشند!

3- خبر های غیبی، و پیشگویی های صحیح از حوادث آینده که بعداً به همان صورت تحقق یافت.

در قرآن پیش گویی های زیادی شده است که عده آن ها در زمان پیامبر -صلی الله علیه وسلم و عده دیگر بعد از او تحقق یافت، وفا به وعده های که خداوند در محسوسات داده است که برخی از آنها مطلق است ، مثل وعده به پیروزی رسول الله -صلی الله علیه وسلم- و بیرون کردن کسانی که او را از و وطنش خارج کردند، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُخَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحاً قَرِيباً﴾²

ترجمه: بی گمان خداوند خواب پیغمبر خود را راست و درست (به او) نشان داد که اگر خدا بخواهد ایمن و درحالیکه موی سرتان را تراشیده و کوتاه کرده اید بدون ترس وارد مسجد الحرام خواهید شد. ولی خداوند چیزهایی را می دانست که شما نمی دانستید. پس، پیش از این فتحي نزدیک را مقرر داشت.

4- خبر دادن از دوره های گذشته و امت های از میان رفته و شرایع محو شده ، که جز عده کمی از علمای

1 مصباح الله عبدالباقي، قرآن و علوم معاصر، انتشارات مستقبل، 1397 کابل افغانستان، ص 75
2 سوره فتح آیه 27

اهل کتاب که عمر شان را در این راه صرف کرده بودند، آن هم بطور جزئی، فرد دیگری از آن اطلاع نداشت¹.

خبر دادن از حوادثی که از ابتدای خلقت تا هنگام نزول آن پدید آمده است توسط فردی امی که قبل از آن نه کتابی خوانده و نه خط نگاشته بود، او از سرگذشت پیغمبران با امت های شان و از رویداد های قرنهاي پیشین خبر داد و همچنین به سؤال و تحدي اهل کتاب با پیغمبر -صلي الله عليه و سلم- در باره داستان های پیامبران و امت های گذشته پاسخ صحیح داد؛ پاسخی که با کتابهای گذشته که مورد تصدیق آنان بود مطابقت داشت در حالیکه او فردی امی بود که نه چیزی خوانده و نه چیزی نوشته بود².

ب: ویژگی های منهج قرآن کریم در تربیت، اصلاح و استقامت

روش های تربیت انسان در قرآن دارای ویژه گی های زیادی است که برخی آن ها ذیلا اشاره می کنیم:

ویژگی اول: جامع بودن: قرآن کریم تمام جنبه های مورد نیاز انسان را مورد هدف قرار می دهد و آن چه را که انسان در زنده گی دنیوی و اخروی اش ضرورت دارد در بر می گیرد.

شیوه ی قرآن برای تربیت عبارت است از رسیدگی همه جانبه ی سرشت و آفرینش بشر که هیچ چیز را در این میان به جای نگذاشته و از هیچ چیزی چشم پوشی نمی کند. هم به تربیت جسمش می پردازد، هم عقل و هم روانش، هم زندگی معنوی او و هم حیات مادی، و سرانجام سرتاسر فعالیت های او را در برمی گیرد.

تمام وجود بشر را آنگونه که هست و آنچه آن که خدا آفریده مورد توجه قرار می دهد. با همان سرشتی که از نخست خدا آفریده است؛ از هیچ جزء آن چشم پوشی نمی کند، و اگر استعدادی در ترکیب اصیل آن نباشد بر او تحمیل نمی کند، هنگامی که انسان وسایل قرآن را برای تربیت مورد توجه قرار می دهد از مشاهده ی دقت عجیبی که برای بررسی سرشت و فطرت انسان رعایت کرده، متعجب می شود چون آنچه آن همه را منظم و متناسب و فراگیر بررسی کرده که گویا همه را یکجا و به عنوان یک واحد مورد

1 أبو زهره، محمد: 1379 هـ ق، معجزه بزرگ، پژوهشی در علوم قرآن، مترجم: محمود ذبیحی، چاپ: مشهد، ایران، ص 112
2 افغانی، مولانا شمس الحق: 1381 هـ ش، علوم القرآن، مترجم: سید محمد یوسف حسین پور، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، ص 36،

توجه قرار داده است. در واقع این دقت و موشکافی شکفت آور از عهده ی هر کسی خارج است جز آفریننده ی بزرگی که تمام کارهایش از روی تدبیر است، قسمی که الله متعال می فرماید: ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ النَّاسَ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾¹

ترجمه: سرشت خدایی است که خلق را بر آن سرشته است، هیچ تغییری در آفرینش خدا داده نمی شود، این است آیین استوار.

این حقیقت که منهج تربیت قرآن شامل و فراگیر تمام بخش های زنده گی انسان است از هیچ کسی پوشیده نیست و با مطالعه دقیق آیات قرآن این حقیقت به همه روشن و واضح است، برای نشان دادن این حقیقت به ذکر دو مثال اکتفا می کنیم:

1- الله متعال می فرماید: ﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْفِدِينَ﴾²

ترجمه: به وسیله آنچه خدا به تو داده است، سرای آخرت را بجوی (و بهشت جاویدان را فرا چنگ آور) و بهره خود را از دنیا فراموش مکن (و بدان که تو هم حق حیات داری و باید از امتعه و لذائذ حلال استفاده بکنی و به خویشتن برسی)، و همان گونه که خدا به تو (بخشیده است و در حق تو) نیکی کرده است، تو نیز (به دیگران ببخش و بدیشان) نیکی کن، و در زمین تباهی مجوی که خدا تباہکاران را دوست نمی دارد.

چنانچه در این آیه مشاهده می کنیم خداوند متعال ضمن اینکه مسلمانان را به طلب نمودن آخرت امر می کند، می گوید سهم و حصه خویش را از دنیا نباید فراموش کنند و این فراگیر بودن منهج تربیت قرآن را نشان می دهد.

2- ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾³

ترجمه: آنگاه که نماز خوانده شد، در زمین پراکنده گردید و به دنبال رزق و روزی خدا بروید و

1 سوره روم آیه ۳۰

2 سوره قصص آیه ۷۷

3 سوره جمعه آیه ۱۰

خداي را (با دل و زبان) بسيار ياد كنيد ، تا اين كه رستگار شويد .

در اين آيه قسمي كه مي بينيم خداوند مسلمانان را اولاً به ادای نماز جمعه تشويق مي كند و سپس مي گويد پس از ادای نماز به جست و جو و طلب رزق بپردازيد، اين نشان مي دهد كه قرآن كريم در تربيه انسان تمام ابعاد دنيوي و اخروي را در بر مي گيرد .

ويژگي دوم: آسان بودن: سومين ويژه گي منهج تربيتي قرآن، آسان بودن است و تمام برنامه هاي دين اسلام آسان بوده و قرآن كريم انسان را بالا تر از توانش مكلف نمي سازد، آسان بودن فهم قرآن براي پند گرفتن و برداشت كردن مفاهيم اخلاقي از قرآن كريم و همچنان آسان بودن تلاوت و حفظ كردن آن نيز از جمله مظاهر عظمت و بزرگي قرآن است چنانچه در اين مورد خداوند متعال مي فرمايد: ﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾¹ (قطعاً قرآن را براي پندآموزي آسان کرده ایم، آیا پندگیرنده اي هست؟

در سوره مبارکه قمر چهار بار اين آيه تکرار شده است²، البته شرط بهره گيري از قرآن كريم توجه، دقت و تدبر است، لذا انسان غافل و فراموشکار بهره اي از آن ندارد قسمي الله متعال مي فرمايد: هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ³

ترجمه: اين (قرآن) براي مردم، روشنگر است و رهنمود و اندرزي براي متقيان است .

آسان بودن قرآن براي ذكر به اين معناست كه فهم آن براي شنونده آسان است و شنونده مي تواند منظور و مقصود خداوند متعال را درك كند و هر كس به اندازه فهم خود از قرآن كريم مي فهمد و قرآن كريم از ابعاد گوناگوني آسان است؛ از جهت لفظ كه تلاوت آن را آسان و در همان حال زيبا کرده و محتواي كه شامل داستان و مثال هاي بسيار است و مطابقت آن با فطرت انسان كه پذيرش آن را ممكن مي كند⁴ .

از آنجا كه قرآن كريم براي همه مردم نازل شده است چنانچه الله متعال مي فرمايد: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا

1 سوره قمر آيه 40

2 آيات 17، 22، 32 و 40

3 سوره آل عمران، آيه 138

4 قرآنتي، محسن، تفسير نور، قم، دفتر انتشارات اسلامي، چاپ پنجم، 1417ق، ايران، ج 11، ص351

كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ¹

ترجمه: ما نفرستادیم تو را مگر برای همه مردم که بشارت دهی و انذار نمایی اما بیشتر مردم نمی دانند.

به همین دلیل باید فهم آن برای همه مردم آسان باشد. آسانی فهم قرآن کریم فقط در محدوده رعایت مسائل اخلاق فردی، اجتماعی، اعتقادی و مانند آن نیست، بلکه در تمام ساحات قرآن کریم است اما آسان بودن آن برای انسان ها در مسائل اخلاقی و فردی و اجتماعی روزمره و مرتبط، محسوس تر و ملموس تر است، چنانچه ابن عاشور² در تفسیر التحرير و التنوير می نویسد: « وهذا اليسر يشمل الألفاظ والمعاني، فأما الألفاظ: لأنها في أعلى درجات فصاحة الكلمات وفصاحة التراكيب، أي فصاحة الكلام وانتظام مجموعها، بحيث يخف حفظها على الألسنة و أما المعاني: فبوضوحها ووفرته، ويتولد معان من معان كلما كرر المتدبر تدبره في فهمها»³

ترجمه: این آسانی شامل الفاظ و معانی می شود؛ آسانی الفاظ در این است که آن در بالاترین درجه فصاحت کلمات و فصاحت ترکیب و کلام قرار دارد به گونه ای که حفظ آن بر زبان ها آسان می شود و اما آسان بودن معانی آن در واضح بودن و متنوع بودن آن است که هرگاه تدبر کننده تدبر خود را در فهم آن تکرار کند از یک معنا معنای دیگر متولد می شود.

¹ سوره مبارکه سبأ، 28

² ابن عاشور محمد طاهر بن عاشور: رئیس مفتیان مالکی تونس و رئیس دانشگاه الزيتونة تونس. بود در سال (1296) تولد شده و در سال (1393) وفات کرده است، مهم ترین اثر او تفسیر التحرير و التنوير است. سایت (www.Wikipedia.com).

³ ابن عاشور محمد بن طاهر، التحرير والتنوير، مؤسسة التاريخ: بيروت، چاپ اول. ج 25 ص 344

مبحث دوم: تعریف تمسک و اطلاقات آن در قرآن و سنت

مطلب اول: معنای لغوی تمسک

تمسک از ریشه (م س ک) گرفته شده است و به معنای گرفتن، نگه داشتن و چنگ زدن به چیزی معنا می دهد، چنانچه ابن منظور در لسان العرب می نویسد: «وَمَسَكَ بِالْشَيْءِ وَأَمْسَكَ بِهِ وَتَمَسَكَ اخْتَبَسَ وَمَعْنَى قَوْلِهِ تَعَالَى يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ أَي يُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَحْكُمُونَ بِمَا فِيهِ، وَ أَمْسَكَتُ بِالْشَيْءِ وَتَمَسَّكَتُ بِهِ وَاسْتَمَسَّكَتُ بِهِ وَأَمْتَسَّكَتُ كُلُّهُ بِمَعْنَى اعْتَصَمْتُ وَالتَّمَسُّكُ اسْتِمْسَاكُ بِالْشَيْءِ»¹

ترجمه: مسک و تمسک یعنی چیزی را حبس کرد، و معنای قول خداوند «بیمسکون بالکتاب یعنی به آن ایمان می آورند و به آنچه در آن است حکم می کنند و معنای کلمات «امسکت بالشیء، تمسکت به و استمسکت» تمام آن ها به معنای اعتصام و چنگ زدن است و تمسک به معنای استمساک یعنی محکم گرفتن یک چیز است.

جوهری² در صحاح نیز تمسک را به همین معنا آورده و می نویسد: «أَمَسَكَ الشَّيْءُ، وَتَمَسَّكَتُ بِهِ، بِمَعْنَى اعْتَصَمْتُ بِهِ وَالْمَسِيكُ: الْبَخِيلُ وَالْمَسَاكُ الْمَكَانَ الَّذِي يَمَسُّكَ الْمَاءُ»³

ترجمه: امسکت بالشیء و تمسکت به معنای اعتصام و چنگ زدن است و مسیک بخیل را می گویند و مساک مکانی است که آب را در خود جمع می کند و نگه می دارد.

راغب اصفهانی گفته است: «إِمْسَاكُ الشَّيْءِ: التَّعَلُّقُ بِهِ وَحِفْظُهُ. وَاسْتِمْسَاكُ بِالْشَيْءِ إِذَا تَحَرَّيْتُ الْإِمْسَاكَ»⁴.

ترجمه: امساک یک چیز به معنای تعلق گرفتن به آن و حفظ کردن آن است و استمساک یک

1 این منظور، لسان العرب ج 10 ص 486

2 جوهری: ابو نصر، اسماعیل بن حماد جوهری، شخصت لغوی و ادیب و از امامان لغت است، اصلا او از ولایت فاریاب است و در خوردسالی وارد عراق شده و سپس به حجاز سفر کرده است، در آخر به خراسان بازگشت و در نیشاپور اقامت گزید، او اولین کسی است که برای پرواز تلاش کرد و از چوب وسیله ای ساخت و در سطح منزلش بالا شد و صدا کرد من چیزی را ساخته ام که توسط آن پرواز می کنم، مردم نیشاپور جمع شدند و به سوی او نگاه می کردند تا اینکه او به وسیله اختراع شده خویش به پرواز درآمد اما سقوط کرد و در این راه جان خود را از دست داد و در سال 393 از دنیا رفت. اعلام زرکلی ج 1 ص 313

3 جوهری، اسماعیل بن حماد (ت: 393هـ)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، دار العلم الملايين - بیروت 1979م.

4 راغب، مفردات الفاظ القرآن ج 2 ص 377

شیئی وقتی است که قصد دریافت و تعلق به چیزی را داشته باشی.

از آنچه از کتب معتبر لغت در مورد معنای لغوی تمسک نوشته شد معلوم می شود که این کلمه در اصل به معنای نگه داشتن یک چیز، تعلق گرفتن به آن و چنگ زدن و محکم گرفتن آن می باشد و در قرآن کریم نیز به همین معنا استعمال شده است چنانچه در مبحث جداگانه به آن پرداخته می شود.

مطلب دوم: معنای اصطلاحی تمسک

کلمه تمسک همانگونه که در معنای لغوی آن بیان گردید به معنای تعلق گرفتن و عمل کردن به یک چیز به طور مداوم و التزام است و مناوی¹ آن را در کتاب التوقیف فی مهمات التعاریف چنین تعریف کرده است: «التمسك الأخذ بالشيء والتعلق والاعتصام به»²

ترجمه: تمسک عبارت از گرفتن یک چیز، تعلق گرفتن و چنگ زدن به آن است.

مطلب سوم: اطلاق کلمه تمسک در قرآن کریم

در قرآن کریم ریشه کلمه تمسک هم به معنای لغوی آن و هم به معنای اصطلاحی استعمال شده است، الله متعال می فرماید: «وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ»³ (عقد از دواج زنان کافر را نگاه ندارید).

چنانچه دیده شد در آیه فوق ریشه «مسک» به معنای لغوی که نگه داشتن است استعمال شده است، همچنان به معنای اصطلاحی که عبارت از چنگ زدن و عمل کردن به کتاب الله است نیز استعمال شده چنانچه الله متعال می فرماید: «أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ * بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ»⁴

1 مناوی: محمد بن ابراهیم بن إسحاق السلمی، (المناوی)، القاہری، الشافعی، صدر الدین، أبو المعالی مشهور به المناوی می باشد، وی از جمله علماء حدیث شریف در قاہره بوده است، همچنان وی در مسند قضاء نیز وظیفه انجام داده است، گفته شده که وی در حکم وقضا از جمله علماء نامی و مطرح مصر بوده است که در دار العدل مصر وظیفه انجام داده است، از جمله کتابهای وی (کشف المناهج والتفایح فی تخریج أحادیث) در سال (803ه) وفات شده است؛ نگاه: الاعلام، خیر الدین زرکلی، ج5، ص 299.

2 مناوی، محمد عبد الرؤوف المناوی، التوقیف علی مهمات التعریف، دار الفكر المعاصر، الطبعة الأولى، (1410) بیروت. ص 207

3 سوره ممتحنه آیه 10

4 سوره زخرف آیه 21 - 22

ترجمه: یا اینکه ما کتابی را پیش از این قرآن بدانان داده ایم و آنان بدان چنگ می زنند و تمسک می کنند بلکه ایشان می گویند ما پدران خود را بر آئینی یافته ایم و مانیز بر پی آنان می رویم.

همچنان در جای دیگر الله متعال می فرماید: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾¹

ترجمه: در دین اجباری نیست، به راستی که هدایت از گمراهی جدا شده است. پس هرکس که به طاغوت کفر ورزد، و به خدا ایمان بیاورد، به راستی که به دستاویز محکمی چنگ زده است که گسستنی نیست و خداوند شنوای داناست.

کلمه تمسک در حدیث نیز به معنای چنگ زدن به کتاب و سنت آمده است چنانچه رسول اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - می فرماید: «تَرَكَتُ فِيكُمْ أُمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا: كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّةَ نَبِيِّهِ»²

ترجمه: در میان شما دو چیز را برجای گذاشته ام که اگر به آن ها چنگ زنید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا (قرآن) و سنت پیامبرش.

همچنان در روایت دیگر آمده است: عن جُبَيْرٍ - رضي الله عنه - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صلی الله علیه وسلم -: «أَبَشِرُوا فَإِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ طَرَفُهُ بِيَدِ اللَّهِ وَطَرَفُهُ بِأَيْدِيكُمْ فَتَمَسَّكُوا بِهِ فَإِنَّكُمْ لَنْ تَهْلِكُوا وَلَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا»³

ترجمه: جبیر - رضي الله عنه - می گوید: رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمود: «خوشحال باشید؛ چرا که یک طرف این قرآن به دست خداوند و طرف دیگر آن به دست شماست؛ پس به آن، چنگ بزنید؛ زیرا با داشتن قرآن، هرگز گمراه نمی شوید.

1 سوره بقره آیه 256
2 مالک، أبو عبدالله بن أنس الأصبی، (ت: 179هـ) المؤطاء دار الفكر للنشر و التوزیع، سال چاپ 1406هـ-1986م. ج 2 ص 899. (البانی این حدیث را در صحیح الجامع شماره 2458 صحیح گفته است)
3 بستی، ابن حبان، صحیح ابن حبان، شماره حدیث: 122، (البانی این حدیث را در سلسله الصحیحة ج 2 ص 330 صحیح گفته است)

مبحث سوم: اطلاق کلمات مرتبط به تمسک در قرآن

در قرآن کریم به استثنای ریشه کلمه تمسک (مسک)، کلمات مشابه به آن که مفهوم و معنای تمسک را ارائه می کنند نیز استعمال شده است که ذیلا طی چند مطلب بیان می گردند:

مطلب اول: اعتصام

اعتصام از ریشه «عصم» گرفته شده و به معنای، حفظ کردن، تمسک و محکم گرفتن چیزی است¹، ابن فارس می نویسد: «العین والصاد والمیم أصلٌ واحدٌ صحیحٌ يدلُّ علی إمساكٍ ومنعٍ وملازمةٍ»²

ترجمه: عین، صاد و میم، اصل واحد و صحیح می باشد که دلالت بر امساک، منع و ملازمت دارد.

کلمه اعتصام در چندین آیه قرآن کریم به همین معنا استعمال شده است، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾³

ترجمه: به جز کسانی که توبه کردند و خود را اصلاح نمودند و به دین خدا چنگ زدند و آئین خود را خالصانه برای خدا قرار دادند، پس ایشان با مؤمنانند و خداوند پاداشی بزرگ به مؤمنان خواهد داد.

همچنان الله متعال می فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾⁴

ترجمه: همگی به ریسمان خداوند چنگ زنید و پراکنده نشوید.

ابوحیان¹ در تفسیر «البحر المحيط» کلمه واعتصموا را چنین معنا کرده است: «أي استمسكوا

1 ابن منظور، لسان العرب، ج 12 ص 403. اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج 2 ص 99

2 ابن فارس، معجم مقاییس اللغة ج 4 ص 331

3 سوره مائده آیه 145

4 سوره آل عمران آیه 103

وتحصنوا»² یعنی جنگ بزنید و خود را محافظت نمایید.

همچنان این کلمه به معنای حفظ کردن نیز استعمال شده است چنانچه خداوند متعال فرموده است: ﴿يَا

أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾³

ترجمه: ای رسول، آنچه که از پروردگارت به سویی تو نازل شده برسان، و اگر نرسانی رسالت او را انجام ندهای، و خداوند تو را از مردم حفظ میکند.

در مورد اعتصام و جنگ زدن به کتاب الله در آیات متعدد قرآن کریم بدون ذکر ماده اعتصام و تمسک به الفاظ مختلف دیگر نیز ذکر شده است به طور مثال الله متعال می فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾⁴

ترجمه: و آنچه رسول (خدا) به شما می دهد، بپذیرید. و از آنچه که شما را از آن باز دارد اجتناب ورزید.

همچنان در جای دیگر تاکید می کند که از خداوند بترسید و از دنیا در حالی بپذیرید که مسلمان باشید که این خود به مفهوم این است که با کتاب الله و سنت و طریقه پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- جنگ بزنید و با این حال دنیا را ترک کنید، چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾⁵

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید آن چنان که باید از خدا ترسید از خدا بترسید (و با انجام واجبات و دوری از منہیات گوهر تقوا را به دامن گیرید) و شما (سعی کنید غافل نباشید تا چون مرگتان به ناگاه در رسد) نپذیرید مگر آن که مسلمان باشید.

مطلب دوم: اطاعت

1 ابو حیان، محمد بن یوسف بن علی بن یوسف ابن حیّان اثر الدین ابو حیان اندلسی جیانی (654-745ق) از بزرگان تفسیر، حدیث و ادبیات اهل سنت به شمار می رود. او در نواحی شهر غرناطه به دنیا آمد، به شهر مالقه مهاجرت کرد، در آنجا رشد یافت، و سپس با انتقال به قاهره در آنجا ساکن شد و در همان جا وفات یافت. او همچنین به شهرهای مختلفی از مناطق سرزمین اسلامی مثل افریقا، اندلس، اسکندریه مصر و حجاز مسافرت کرد و از محضر بیش از چهار صد و پنجاه استاد بهره برد. تبخر او در رشته های مختلف علوم به ویژه ادبیات عرب موجب شد تا او را با القابی مثل شیخ النحاة، یا امام النحاة، شیخ المحدثین و رئیس العلماء عنوان بدهند. و در سال 28 صفر 745 هـ در قاهره وفات یافت و در مقبره صوفیه بیرون از باب نصر به خاک سپرده شد. معجم الشعراء العرب، قسم التراجم والطبقات، دار الملائین، بیروت، لبنان ج 1 ص 365

2 أبو حیان، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، ج 3 ص 20 تحقیق: صدقی محمد جمیل، طبع: اول، 1420 هـ دار الفکر بیروت، لبنان.

3 سوره مائده آیه 67

4 سوره حشر آیه 7

5 سوره آل عمران آیه 102

کلمه عمل و اطاعت نیز به کثرت در قرآن کریم یاد شده است و هر جایی که به عمل و اطاعت امر می شود به اعتصام و تمسک به قرآن دلالت می کند.¹ به طور مثال الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾²

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیغمبر (خدا محمد مصطفی با تمسک به سنت او) اطاعت کنید، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمایید (مادام که دادگر و حقگرا بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند) و اگر در چیزی اختلاف داشتید (و در امری از امور کشمکش پیدا کردید) آن را به خدا (با عرضه به قرآن) و پیغمبر او (با رجوع به سنت نبوی) برگردانید (تا در پرتو قرآن و سنت، حکم آن را بدانید. چرا که خدا قرآن را نازل، و پیغمبر آن را بیان و روشن داشته است. باید چنین عمل کنید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این کار (یعنی رجوع به قرآن و سنت) برای شما بهتر و خوش فرجام تر است.

مطلب سوم: اخذ بالقوة

اخذ بالقوة به مفهوم گرفتن کتاب به قوت و توانایی است که در چندین آیه قرآن راجع به کتاب های آسمانی دیگر و خود قرآن به آن امر شده است³ که در ذیل به آن ها اشاره می شود:

1- امر شدن یحیی علیه السلام به گرفتن کتاب به قوت: ﴿يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾⁴
(ای یحیی! کتاب را با قوت بگیر، و به او در کودکی حکمت دادیم)

2- امر شدن موسی علیه السلام به گرفتن تورات با قوت: ﴿وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَ تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ فَخَذُّهَا بِقُوَّةٍ وَ أَمْرُ قَوْمِكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ﴾⁵

ترجمه: و در الواح برای او از هر چیزی نوشتیم تا پند و اندرز و روشنگر هر چیزی باشد، پس آن را با قدرت و توان بگیر و قومت را دستور بده تا نیکوترین آن را برگزینند، به زودی سرزمین

1 رازی، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، ج 10 ص 107

2 سوره نساء آیه 48

3 زمخشری، تفسیر کشاف ج 2 ص 175. ابن کثیر-رحمه الله-، تفسیر القرآن العظیم، ج 1 ص 288

4 سوره مریم آیه 12

5 سوره اعراف آیه 145

گناهکاران را به شما نشان خواهیم داد.

3- امر شدن بنی اسرائیل به محکم گرفتن کتاب: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾¹

ترجمه: و به یاد آورید هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بر فرازتان برافراشتیم، آنچه را که به شما داده ایم یا جهد و جدیت بگیرید و به یاد آورید آنچه را که در آن است تا پرهیزگار شوید.

ابن کثیر-رحمه الله- می گوید: «بِقُوَّةٍ أَي بَطَاعَةٍ. وَقَالَ مُجَاهِدٌ: بِقُوَّةٍ: بِعَمَلٍ بِمَا فِيهِ»² یعنی مفهوم «بقوة» طاعت است و مجاهد گفته است یعنی به عمل کردن به آنچه در کتاب است.

و در جای دیگر در مورد بنی اسرائیل چنین می فرماید: ﴿وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾³

ترجمه: و به یاد آور آنگاه که کوه را بر بالای سرشان چنان سایبانی بر افراشتیم، و گمان بردند که آن بر سرشان فرود می آید. آنچه را که به شما داده ایم محکم بگیرید، و آنچه را که در آن وجود دارد به یاد آورید، شاید که پرهیزگار شوید.

1 سوره بقره آیه 63
2 ابن کثیر-رحمه الله-، تفسیر القرآن العظیم، ج 1 ص 281
3 سوره اعراف آیه 171

فصل دوم

فضائل و مظاهر تمسک به قرآن از دیدگاه قرآن و سنت

قرآن کریم در برگیرنده هدایت و سعادت انسان در دنیا و آخرت می باشد و در تمام مراحل زندگی رهبر و راهنمای انسان به سوی کمال است این قرآن به راهی هدایت میکند که مستقیم ترین راه هاست، کسانی که با قرآن مأنوس می شوندند به کمک قرآن حق را از باطل تشخیص می دهند. قرآن کریم، انسان را به زندگی کردن با معیارهای و ارزشهای انسانی و اسلام دعوت می کند و بلاخره قرآن در زندگی یک مسلمان اهمیت زیادی دارد زیرا قرآن کریم از جایگاه و مکانت بزرگی در نزد مسلمانان برخوردار است و تاثیرات زیادی در زندگی مسلمانان وارد کرده است، قرآن کریم مانند کتب ادیان دیگر تنها وسیله تبرک نیست، اهمیت این کتاب در این نهفته است که تمام زندگی یک مسلمان را به چنین اصول برابر میکند که آن ضامن کامیابی دنیا و آخرت است، این کتاب هم شامل عقاید درست است و هم شامل اصول اخلاق حسنه و نیز تشریحات و قوانین عادلانه و اصول تنظیم کردن یک دولت مستحکم و قوی، یک جامعه الگو و تمام رهنمایی های جامعه در این کتاب موجود است، اگر مسلمانان با قرآن کریم ایمان خود را تجدید کنند، به این کتاب چنگ بزنند، و در تمام بخش های زندگی بطور جدی به تمام رهنمایی ها و اوامر پر از حکمت الهی التزام داشته و از منهیات خود داری کنند که در قرآن کریم موجود است، پس یک زندگی پاک، قوت جنگی و سیاسی، اقتصاد و تمدن قوی و دیگر نعمت های بی شمار الهی دست پیدا می کنند¹،

مبحث اول: فضائل تمسک به قرآن

تمسک به قرآن کریم مقصود و مرام اصلی قرآن است چون این کتاب برای این نازل شده است تا انسان ها از آن پیروی نموده و به آن ملتزم باشند، الله متعال در صفت کسانی که برایشان کتاب داده شده است می گوید: ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ² وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾²

ترجمه: کسانی که کتاب بر آنها فرستادیم آن را خوانده و حق خواندن آن را (در مقام عمل نیز) بجا

1 مصباح الله عبدالباقی، قرآن و علوم معاصر، انتشارات مستقبل، 1397 کابل افغانستان، ص 53
2 سوره بقره آیه 121

آورند، آنان اهل ایمانند و آنها که به کتاب خدا کافر شوند (و حق شناسی نکنند) آن گروه زیانکاران عالم اند.

پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- به قرآن کریم تمسک می کرد و اخلاق آنحضرت-صلی الله علیه وسلم- در حقیقت همین قرآن بود چنانچه امام مسلم در یک حدیث دراز از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت می کند: «كَانَ خُلُقُ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْقُرْآنَ»¹

ترجمه: و آداب پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - قرآن بود.

پس تمسک به قرآن وجیبه و مسئولیت مسلمان است و دارای فضایل متعدد می باشد که در ذیل به برخی آن ها اشاره می شود:

مطلب اول: اطاعت از امر خداوند

اولین فضیلت تمسک به قرآن کریم این است که با این کار، انسان مطیع و فرمان بردار خداوند می شود زیرا خداوند متعال تمسک به قرآن عظیم الشان را بالای مسلمانان واجب گردانیده است تا همه به آن چنگ بزنند ، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾²

ترجمه: و همگی به رشته خدا (قرآن) چنگ بزنید و به راههای متفرق نروید.

به اساس این آیه مسلمانان مکلف هستند تا وحدت و همبستگی شان را در سایه قرآن کریم حفظ کنند زیرا بدون شک مراد از حبل الله در این آیه قرآن کریم است چنانچه در روایت آمده است: **عن أبي سعيد أن النبي -صلى الله عليه وسلم- قال: كتاب الله هو حبل الله الممدود من السماء إلى الأرض»**³

ترجمه: ابوسعید خدری-رضی الله عنه می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم گفت: کتاب الله همان ریسمان الله است که از آسمان به سوی زمین دراز کرده شده است.

1 النیسابوری ، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري، صحيح مسلم ، دار الجليل بيروت، شماره حدیث: 2996

2 سورة آل عمران آیه 103

3 ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن حنبل، مسند احمد، مؤسسة الرسالة، طبع: 2، 1420 هـ ، 1999 م، شماره حدیث: 176 (البانی این حدیث را در صحیح صحیح الجامع ج 2 ص 826، شماره 4473 صحیح گفته است.)

همچنان در جای دیگر الله متعال می فرماید: ﴿فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾¹

ترجمه: محکم چنگ بزن بدان چیزی که به تو وحی شده است. چرا که تو قطعاً بر راه راست قرار داری.

ابن جریر طبری² در ذیل تفسیر این آیه می گوید: «يَقُولُ تَعَالَى ذَكَرَهُ لِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: فَتَمَسِّكْ يَا مُحَمَّدُ بِمَا يَأْمُرُكَ بِهِ هَذَا الْقُرْآنُ الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ رَبِّكَ، إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَمِنْهَا جَ سَدِيدٌ، وَذَلِكَ هُوَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي أَمَرَ بِهِ، وَهُوَ الْإِسْلَامُ»³

ترجمه: خداوند متعال با یادآوری پیامبرش محمد-صلی الله علیه وسلم- می گوید: ای محمد! تمسک بکن به آنچه که این قرآن تو را به آن مامور می سازد، قرآنی که خداوند به سوی تو وحی کرده است، بدون شک تو بر راه راست و منهج مستحکم قرار داری و آن دین خداوند است که به آن امر شده است و آن اسلام می باشد.

ابن کثیر-رحمه الله- نیز می گوید: «أَيُّ: خَذَ بِالْقُرْآنِ الْمَنْزِلَ عَلَىٰ قَلْبِكَ فَإِنَّهُ هُوَ الْحَقُّ وَمَا يَهْدِي إِلَيْهِ هُوَ الْحَقُّ الْمَفْضِي إِلَىٰ صِرَاطِ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ، الْمَوْصِلَ إِلَىٰ جَنَاتِ النَّعِيمِ، وَالْخَيْرِ الدَائِمِ الْمَقِيمِ»⁴

ترجمه: یعنی قرآنی را که بر قلبت نازل شده است، محکم بگیر زیرا آن حق است و آن چه قرآن به سوی آن هدایت کند، حقیقتی است که انسان را بسوی راه راست خداوند، جنت های پر از نعمت و خیر و سعادت دایمی می رساند.

همچنان امام رازی⁵ با تاکید بر اینکه عبارت از آنچه که در آیه فوق امر شده است، قرآن کریم می

1 سوره زخرف، آیه 43

2 ابن جریر طبری: محمد بن جریر بن یزید بن غالب. مورخ، مفسر در آمل طبرستان متولد گردیده است و در بغداد وطن گزید و در آنجا دفن گردید است به ایشان قضا پیشهاد شد اما از قبول آن امتناع ورزید مشهورترین کتب آن، دانشمندان او را توصیف و تمجید کرده اند و گفته اند او تفه است اقوال او مورد تأیید است مؤلفات کثیر دارد که بارزترین آنها تفسیر آن است جامع البیان عن تأویل آی القرآن که مشهور بنین علما به تفسیر الطبری. است و او را پدر تفسیر و تاریخ می گویند چون در تاریخ نیز کتب بزرگی دارد که آن را تاریخ الأمم والملوک، نام گذاشته است که چنین شاهکاری را کسی دیگر نکرده است و هم چنان تهذیب الآثار، اختلاف الفقهاء، التبصیر فی معالم الدین صریح السنة از جمله آثار آن اند. (اعلام) -زرکلی ج 6 ص 69 و (طبقات مفسرین)-داودی- ج 2 ص 110.

3 طبری، تفسیر الطبری، ج 11 ص 191

4 ابن کثیر-رحمه الله-، تفسیر القرآن العظیم، ج 4 ص 128

5 امام رازی: ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین بن حسن ثیمی بکری طبرستانی رازی، فقیه، متکلم، فیلسوف، مفسر و حکیم مسلمان که در سال ۵۴۴ (قمری) در ری متولد شد و وفاتش در سال ۶۰۶ (قمری)، در هرات اتفاق افتاد. ملقب به فخرالدین است و به امام رازی یا امام فخر رازی نیز شهرت دارد. او بر علوم عقلی و علوم نقلی، تاریخ، کلام، فقه، اصول و علوم ادبی عصر خود تسلط کامل داشت. کتاب هایش در دوران حیاتش بسیار مورد استقبال قرار گرفت و به عنوان کتب درسی از آن ها استفاده می شد. برجسته ترین دوره زندگی فخر رازی در شهر هرات بوده و در مجمع درسی اش

باشد، چنین می نویسد: «فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ بِأَنْ تَعْتَقِدَ أَنَّهُ حَقٌّ، وَبِأَنْ تَعْمَلَ بِمُوجِبِهِ، فَإِنَّهُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ الَّذِي لَا يَمِيلُ عَنْهُ إِلَّا ضَالٌّ فِي الدِّينِ»¹

ترجمه: جنگ بزن به چیزی که برایت وحی شده است، به این صورت که عقیده کنی که آن حق است و به موجب آن عمل کنی زیرا این راه راست که به جز کسی که در دین گمراه نباشد از آن اعراض نمی کند.

از مجموع اقوال مفسرین در تفسیر آیه مذکور چنین دانسته می شود که تمسک به قرآن کریم دارای اهمیت و فضیلت خاصی می باشد زیرا قرآن کریم وحی خداوند، رسالت عظیم او و همچنان دعوت جاویدان او تا روز قیامت است، همچنان معلوم می شود که تمسک به قرآن، انسان را به جنات پر از نعمت و خیر و سعادت دایمی می رساند، چنانچه سید قطب² می گوید: این عقیده با حقیقت بزرگ جهان پیوند دارد، و با قانون کلی هماهنگ است، قانونی که هستی بر آن استوار و پایدار می باشد، این عقیده با قانون هستی سازگار و موافق است و آن را هیچگاه نقض نمی کند، این عقیده پیرو خود را با آفریدگار این هستی آشنا می گرداند، خداوند سبحان پیغمبر خود -صلي الله عليه و سلم- را با تاکید این حقیقت ثابت می دارد. این حقیقت بعد از پیغمبر صلي الله عليه و سلم همچنین دعوت کنندگان به سوی خداوند را ثابت قدم و استوار می دارد و آنان را مطمئن می سازد که راه تمسک به قرآن، راه درست، مستقیم و بدون کدام نوع کجی و انحراف است.³

بیشتر از دوهزار نفر دانشمند شرکت می کردند در علوم فقه، تفسیر، کلام، فلسفه، طب و ریاضیات متبحر بود و در تمام این زمینه ها تألیفاتی دارد که تألیفاتش نیز مثل خودش، شهرت و اهمیت زیادی پیدا کرد و در سراسر ممالک اسلامی مورد بحث و تحقیق قرار گرفت، فخر رازی آثار بسیاری در علوم نقلی و علوم عقلی دارد که برخی از مهمترین آن ها عبارتند از: تفسیر کبیر که به «مفاتیح الغیب» موسوم است. الاربعین فی اصول الدین، اسرار التنزیل و انوار التاویل، اسرار النجوم، الانارات فی شرح الاشارات، در این کتاب از بوعلی سینا انتقاد نموده است، البیان و البرهان، زبده العالم فی الکلام، شرح قانون ابن سینا، فخر رازی در روز دوشنبه، عید فطر سال ۶۰۶ قمری در شهر هرات در گذشت. اعلام زرکلی- 313/6. (وفیات الاعیان)-ابن خلکان-249/4.

1 رازی، تفسیر مفاتیح الغیب مشهور به تفسیر کبیر، ج 9 ص 634 .
2 سید قطب بن ابراهیم متفکر اسلامی مصری متولد سال 1324 در قریه موشای اسیوط که در سال 1353 هـ (1934 م) از دانشکده دارالعلوم (قاهره) فارغ و در جریده الاهرام آغاز به کار کرد. برای مجله های الرسالة و الثقافة می نوشت، سپس به حیث معلم زبان عربی، موظف دیوان وزارت معارف و بعدا به حیث ناظر تخنیک آن وزارت گماشته شد. در سال (1948 - 51) در ترکیب هیأت برنامه های تعلیمی به امریکا سفر کرد، که با برگشت از سفر برنامه های مصری را انتقاد کرده و آن را گرفته شده از برنامه های انگلیس خوانده و خواهان اصلاحات و اسلامی ساختن آن شد. او سپس به جماعت اخوان المسلمین پیوست و ریاست بخش انتشار دعوت را به عهده گرفت، پس از گرفتن استقلال جریده راهی زندان شد که در آنجا به تألیفات خود تمرکز کرد تا آنکه حکم اعدامش صادر و عملی شد. کتابها و نوشته هایی از خود بجا گذاشته است مانند: النقد الأدبی، أصوله و مناهجه، العدالة الاجتماعية فی الاسلام، التصوير الفنی فی القرآن، مشاهد القیامة فی القرآن، کتب و شخصیات، أشواک، الاسلام و مشکلات الحضارة، السلام العالمي و الاسلام، المستقبل لهذا الدین، فی ظلال القرآن، معالم فی الطریق. او اخیرا در سال 1387 هـ در مصر اعدام شد و به شهادت رسید. فائز، ابراهیم محمد، سید قطب و بیداری اسلامی، تهران: نشر احسان، 1384 ص 5
3 سید قطب، فی ظلال القرآن، ج 6 ص 76

مطلب دوم: حصول برکت و شهرت

تمسک و چنگ زدن به قرآن باعث حصول برکت و همچنان کسب شهرت و نام نیک می شود چنانچه بر این مطلب آیات ذیل دلالت می کند:

1- ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءٌ مَا يَعْمَلُونَ﴾¹

ترجمه: و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه بر آنان از جانب پروردگارشان نازل شده است عمل کنند، از بالای سرشان و از زیر پاهایشان روزی می خورند، گروهی از آنان عادل و میانه روند و بسیاری از آنها بدترین کار را می کنند.

مفهوم این آیه چنین است که اگر احکام مندرج در تورات و انجیل را که ایمان به رسالت محمد -صلی الله علیه وسلم- و تمسک به قرآن کریم از جمله آن است، بر پا می داشتند و اگر آنان آنچه را که از سوی پروردگارشان بر آنها نازل شده است از دیگر کتب الهی، برپا می داشتند قطعاً از بالای سرشان از برکات آسمانی و از زیر پاهایشان از برکات زمینی برخوردار می شدند، با فراهم شدن اسباب رزق و روزی و کثرت و تعدد انواع آن بر ایشان، آیه کریمه فوق دلالت می کند بر این که عمل به طاعت خدای عزوجل سبب گشایش رزق است²،

2- ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾³

ترجمه: و اگر اهل این شهر و آبادی ها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه می کردند، برکت های آسمان و زمین را بر آنان می گشودیم، اما تکذیب کردند، پس آنان را به سبب آنچه که می کردند (گریبانیشان را) گرفتیم.

1 سوره مائده آیه 66

2 ابوسعود، محمد بن مصطفی، (ت: 982 هـ)، إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الكريم، دار احیاء التراث العربی بیروت. ج 6 ص 48

3 سوره اعراف آیه 96

زحیلی¹ نیز در تفسیر منیر نوشته است: « هذا إخبار عن سنة أخرى من سنن الله في عباده، وتلك السنة أنه لو آمن أهل القرى كأهل مكة وغيرهم بالله وملائكته وكتبه ورسله واليوم الآخر، واتقوا ما نهى الله عنه وحرمه من الشرك والفساد في الأرض بارتكاب الفواحش والآثام، لأنزل عليهم الخيرات الكثيرة من السماء كالمطر، وأخرج لهم خير الأرض من نبات ومعادن وكنوز، وآتاهم من العلوم والمعارف والإلهامات الربانية لفهم سنن الكون»²

ترجمه: این اخبار است از قاعده دیگری از قوانین خداوند در بندگانش، و این قاعده این است که اگر اهالی قریه ها مانند اهل مکه و غیر آنان به الله، ملائکه ها، کتاب ها، رسولان و روز آخرت ایمان بیاورند، و از آنچه از شرک و فساد در زمین نهی کرده است با ارتکاب فحشاء و گناهان، پرهیز کنند بر آنان خیر و برکات زیادی از آسمان نازل می شد مانند باران، و همچنان برایشان خیر و برکات زمین مانند گیاهان، معادن و ذخیره ها را بیرون می ساخت و آنان را از علوم و معارف و الهامات ربانی جهت فهم قوانین طبیعت بهره مند می ساخت.

آیه های مذکور شکل یک قاعده را دارند و خداوند می گوید هرگاه انسان ها ایمان داشته باشند و مطابق آن تقوا کنند و عمل کنند، خداوند برایشان برکات آسمان و زمین را نازل می کند، در تفسیر فی ظلال القرآن چنین نوشته است: « وهذه القاعدة التي يقررها القرآن في مواضع متفرقة ، قاعدة صحيحة تقوم على أسبابها من وعد الله ، ومن سنة الحياة كما أن الواقع العملي يشهد بتحققها على مدار القرون. والحديث في هذه القاعدة عن الأمم لا عن الأفراد. وما من أمة قام فيها شرع الله ، واتجهت اتجاهها حقيقيا لله بالعمل الصالح والاستغفار المنبئ عن خشية الله، ما من أمة اتقت الله وعبده وأقامت شريعته ، فحققت العدل والأمن للناس جميعا ، إلا فاضت فيها الخيرات ، ومكن الله لها في الأرض واستخلفها فيها بال عمران وبالصلاح سواء»³

ترجمه: این قاعده ای که قرآن آن را در موارد مختلفی بیان می دارد، قاعده صحیح و درستی است و

1 وهبه زحیلی متولد ۱۹۳۲ (میلادی) در شهر عطیه در اطراف دمشق است. وهبه زحیلی رئیس گروه فقه مذاهب اسلامی دانشگاه دمشق بود، و موضوع بیشتر نوشته هایش به فقه و اصول فقه اختصاص دارد. وی بیشتر از 100 اثر علمی در بخش های تفسیر فقه، اصول، حدیث و از خود بجا گذاشته اند که معتبرین آن ها آثار الحرب فی الفقه الإسلامی، الفقه الإسلامی وأدلته در 10 جلد، - التفسیر المنیر فی العقیده والتشریعه والمنهج. در 14 جلد- الفقه الإسلامی فی أسلوبه الجدید. أصول الفقه الإسلامی. الذرائع فی السیاسة الشرعیة، والفقه الإسلامی؛ و الموازنة بین القرآن والسنة فی الأحكام. الفقه الحنبلی المیسر (بأدلته وتطبیقاته المعاصرة) ودر شامگاه ۱۳۹۴ هـ در دمشق وفات نمود. مقدمه تفسیر منیر، ج 1 ص 6

2 زحیلی، تفسیر منیر، ج 9 ص 18

3 سیدقطب، فی ظلال القرآن ج 6 ، ص 3713

بر اسباب و عللی از وعده خدا و از سنّت زندگی استوار است، همچنین واقعیت عملی گواه بر تحقق و پیاده شدن آن در طول قرون و اعصار است، سخن در راستای این قاعده از ملتّها است نه از افراد. هر ملّتی که شریعت خدا در میانشان اجراء گردیده است، و با عمل صالح و توبه و استغفار برخاسته از ترس خدا، واقعاً رو به خدا کرده اند، و هر ملّتی که تقوا و پروای خدا داشته اند و خدا را پرستش کرده اند و شریعت او را برپا و برجا نموده اند، و عدالت و دادگری را پیاده کرده اند، و به جملگی مردمان امن و امان ارمغان داشته اند، خیرات و برکات در میانشان برجوشیده است و فیضان کرده است، و خدا در زمین بدیشان سلطه و قدرت داده است، و در پرتو عمران و آبادی و خوبی و نیکی ایشان را در زمین جایگزین دیگران فرموده است.

البته باید گفت که اگر در برخی موارد ملّتهائی را می بینیم که تقوا و پروائی از خدا ندارند، و شریعت او را برجا و برپا نمی دارند، ولی با وجود این دارای قدرت و نعمت و روزی بسیار اند، و در زمین مستقرّ و از اقتدار برخوردارند، این امر امتحان و آزمون خدا است و بس¹ چنانچه الله متعال فرموده است:

﴿وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾²

ترجمه: و شما را به سختی و آسایش می آزمایم، و به سوی ما بازگردانده می شوید ما شما را با سود و زیان و بدیها و خوبیها (در زندگی دنیا) کاملاً می آزمایم .

3- ﴿وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ﴾³

ترجمه: قرآن مایه ی شرف و شهرت تو و قوم تو است، و از شما (در باره ی این برنامه ی الهی) پرسیده خواهد شد.

سید قطب در ذیل تفسیر این آیه می گوید: نص این آیه در اینجا دو معنی را دارد: اول اینکه این قرآن مایه ی بیداری تو و قوم تو است، در روز قیامت در باره آن از شما پرسیده می شود، بعد از تذکر دادن و یادآوری کردن هیچ گو نه عذر و بهانه و حجت و دلیلی نمی ماند و دوم اینکه این قرآن مایه ی افتخار و سبب شهرت و آوازه ی تو و قوم تو است و این امر عملاً هم در حق پیامبر صلی الله علیه وسلم و هم

1 زحلی، و هبة بن مصطفى، التفسیر المنیر فی العقیة والشریعة والمنهج، ج 15 ص 140 دار الفكر المعاصر - دمشق، الثانية، 1418 هـ .

2 الانبیاء: 35

3 سوره زخرف آیه 44

در حق قومش تحقق پیدا کرده است، زیرا اگر از پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم بگوئیم، صدها میلیون لب بر او درود و سلام و صلوات می فرستد، و شبانه روز نزدیک به 1400 سال است عاشقانه و مشتاقانه نام او را می برد و یاد او را می کند، و صدها میلیون دل از بردن نام او و عشق او به تکان می خورد، از آن تاریخ دور و دراز تا دامنه ی قیامت و آن زمان که خدا زمین و سرنشینان آن را به ارث می برد، از قوم پیغمبر -صلی الله علیه و سلم- بگوئیم، وقتی که این قرآن برایشان به ارمغان آمد، مردمان آن زمان وجود ایشان را احساس نمی کردند، اگر هم وجود ایشان را احساس می کردند ایشان را در حاشیه ی زندگی می دیدند، اما قرآن بود که اجرای بزرگ ترین نقش را در تاریخ بشریت برایشان واگذار کرد، قرآن بود که قوم پیغمبر -صلی الله علیه و سلم- آن را به دست گرفتند و با آن با دنیا رویاروی گردیدند، و دنیا آنان را شناخت و در دورانی که به قرآن چنگ زده بودند دنیا فرمانشان را گردن نهاد و از ایشان اطاعت کرد. ولی وقتی که از قرآن دست برداشتند دنیا وجود شان را انکار کرد و ناآشنایشان قلمداد نمود، و دنیا کوچک و ناچیزشان سپرد، و ایشان را به عقب کاروان انداخت و از زمره ی پسران قافله کرد، بعد از آن که قافله سالاران کاروان بودند و همه به آنان چشم می دوختند.¹

البته مراد از قوم در آیه فوق تمام مومنان و یا عرب ها می باشد چنانچه در تفسیر بحر العلوم این آیه نوشته شده است: «**یعنی القرآن شرف لك ولمن آمن به ويقال " ولقومك " یعنی العرب لأن القرآن نزل بلغتهم**»² یعنی قرآن برای تو و برای هرکسی که به آن ایمان بیاورد شرف است و گفته می شود مراد از قوم عرب ها است زیرا قرآن کریم به زبان آنان نازل شده است.

البته اینکه مراد از قوم تمام مومنان باشد درست تر است زیرا در آیه دیگر صیغه جمع آمده است چنانچه الله متعال فرموده است: ﴿**لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ**﴾³

ترجمه: به راستی برایتان کتابی نازل کرده ایم که آوازه شما در آن است، آیا خرد نمی ورزید؟!

در تفسیر وسیط با تایید مطلب فوق می نویسد: «**إن هذا القرآن لشرف عظیم لك ولشرف عظیم لأهل**

1 سید قطب، فی ظلال القرآن، ج 5 ص 3191

2 سمرقندی، أبو اللیث نصر بن محمد بن ابراهیم، بحر العلوم، دار الفکر - بیروت ج 3 ص 246

3 سوره انبیاء آیه 10

مكة الذين بعثت فيهم بصفة خاصة ، ولغيرهم ممن آمن بك بصفة عامة»¹.

ترجمه: بدون شك این قرآن شرف عظیم برای تو و شرف بزرگ است برای اهل مکه که تو در میان آنان به طور خصوص فرستاده شده یی و همچنان این قرآن به صورت عمومی شرف است برای غیر اهل مکه به تو ایمان آورده اند.

مطلب سوم: رسیدن به ثبات و نجات از تفرقه و انحراف

یکی از فضایل تمسک به قرآن این است که انسان به هدایت اقوم یعنی به چنان راهی می رسد که ثابت است و هیچ نوع انحراف و کجی ندارد، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾²

ترجمه: همانا این قرآن به راهی هدایت می کند که آن استوارتر است، و به مؤمنانی که کارهای شایسته و پسندیده می کنند مژده می دهد که آنان پاداشی بزرگ دارند.

در آیه فوق خداوند متعال از شرافت و عظمت قرآن خبر می دهد که آدمی را به استوارترین و برترین و مستقیم ترین عقاید و اعمال و اخلاق هدایت می کند، پس هرکس به آنچه قرآن به سوی آن فرا می خواند عمل نماید در همه کارها کاملترین و هدایت شده ترین و استوارترین مردمان خواهد بود. همچنان قرآن کریم به مومنانی که کارهای شایسته و پسندیده از قبیل واجبات و مستحبات انجام می دهند مژده می دهد که، آنان پاداش بزرگی دارند، پاداشی که خداوند آن را در بهشت برایشان تهیه نموده و حالت و کیفیت آن را کسی جز خداوند نمی داند، چنانچه می فرماید: ﴿وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا﴾³ و به مومنان مژده می دهد کسانی که به قیامت ایمان نمی آورند عذاب دردناکی خواهند داشت. پس قرآن مشتمل بر بشارت و بیم دادن است، و اسبابی که به وسیله آن مژده به دست می آید در قرآن بیان شده و آن ایمان و عمل صالح است، و آنچه که به سبب آن انسان سزاوار بیم و تهدید می گردد کارهای منافی ایمان و عمل صالح می باشد.⁴

1 طنطاوی، دسیدمحمد طنطاوی، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج 13 ص 83

2 سوره اسراء آیه 9

3 سوره اسراء آیه 10

4 ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج 15، ص 40، زمخشری، الکشاف، ج 2 ص 608، سعدی، تیسیر الکریم الرحمن ج 6 ص 56

شنقیطی¹ در وصف آیه فوق چنین می گوید: « و هذه الآية الكريمة أجمل الله جلّ و علا فيها جميع ما في القرآن من الهدى إلى خير الطرق وأعدلها وأصوبها، فلو تتبعنا تفصيلها على وجه الكمال لأتينا على جميع القرآن العظيم. لشمولها لجميع ما فيه من الهدى إلى خيري الدنيا والآخرة»²

ترجمه: در این آیه کریم خداوند متعال تمام زیبایی های قرآن را از هدایت به سوی بهترین، میانه ترین و حق ترین راه ها بیان کرده است، اگر به تفصیل در این مورد بحث کنیم لازم است تمام قرآن کریم را بیان نماییم زیرا خود این قرآن شامل تمام هدایاتی است که شامل خیر دنیا و آخرت می شود.

سید قطب در ذیل تفسیر آیه فوق چنین می نویسد: در حقیقت این قرآن مردم را به راهی رهنمون گردد که از هر راه دیگری راست تر و درست تر است، اما این بشریت نمی خواهد که قفل را به پیش سازنده اش و بیمار را به پیش خالفتش ببرد، درباره ی امور نفسانی و کارهای انسانی و خوشبختی و بدبختی خویش، نمی خواهد همان راهی را پیش گیرد که در مورد امور دستگاهها و ابزار آلات مادی ناچیز و بی ارزش که در نیازمندیهای روزانه ی کوچکش مورد استفاده قرار می دهد، بیش گرفته است و بدان عادت یافته است، چه بشریت می داند که برای بازسازی و راه اندازی فلان دستگاه، باید از مهندس کارخانه ای دعوت به عمل آورد که دستگاه را ساخته است، ولی این روش و قاعده را بر خود انسان منطبق نمی سازد، تا انسان را به کارخانه ای برگرداند که از آن بیرون آمده است و جز از پروردگار زیبانگاری دستور نگیرد و فرمان نپذیرد که این دستگاه شگفت انگیز را به وجود آورده است، دستگاه شگفت و بزرگ و ارزشمند و سر و ساماندار و ریزه کار پیکره ی انسان، دستگاهی که راه درون شو و بیرون شو آن را نمی داند جز آنکه او را آفریده و پرورده است، بدبختی بشریت گمراه از همین جا بوده است. بشریت بیچاره و سرگردانی که روی ترقی و تعالی و هدایت و راحت و سعادت را نخواهد دید مگر آنگاه که سرشت انسان را به سازنده ی بزرگوارش برگرداند، همانگونه که یک دستگاه ناچیز و بی ارزش را به پیش سازنده ی کوچکش برمی گرداند. اسلام با این قرآن و با اندیشه ی نویی که قرآن به ارمغان آورده بود، و با آئینی که از این اندیشه یاری جسته بود، زمام رهبری را بدست گرفت. این کار تولّد تازه ای برای انسان بود، تولّدی که در حقیقت بسی بزرگتر و برتر از تولّدی بود که با آن به زندگی گام نهاده و

1 محمد الأمين بن محمد المختار. عالم ومحقق ومفسر. در کشور شنقیط (موریتانیا فعلی) در سال 1325 تولد شده است، طلب علم را در سن جوانی آغاز نمود و قرآن کریم را حفظ کرد، سپس روانه حج بیت الله شریف شد، در همانجا اقامه اختیار نمود و مصروف به کسب علم شد. و عضو کمیته رابطه العالم الإسلامي شد. از جمله مشورترین تصنیف وی أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن است که الی سورة المجادلة آنرا تفسیر کرد و سپس آنرا شاگردش الشیخ عطیة سالم به اتمام رسانید و در سال 1393 هـ ق وفات نمود. www.Wikipedia.com

2 شنقیطی، اضواء البیان فی تفسیر القرآن بالقرآن، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع بیروت - لبنان 1415 هـ - 1995 م ج 18 ص 27

سرآغاز حیات او بوده است. این قرآن اندیشه‌ی نوي از وجود و زندگی و ارزشها و نظامها برای بشریت پدیدار کرد، همانگونه که واقعیت اجتماعی منحصر بفردي را به او داد که پیش از اینکه قرآن آن را ایجاد نماید، حتی تصور آن هم برایش مشکل بود. بلي، پاکی و زیبایی، بزرگی و تعالی، گستردگی و سادگی، حقیقوی و حقجوی، هماهنگی و همگامی، همه‌ی اینها بگونه‌ای به حقیقت پیوست که اگر اراده‌ی خدا نبود که در زیر سایه‌ی قرآن و طریقه و آئین آن بوقوع پیوندد، بر دل بشریت نمی‌گذشت.¹

همچنان تمسک به قرآن کریم باعث یک دسته‌گی و نجات از تفرقه می‌شود چنانچه الله متعال در جای دیگر فرموده است: ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾²

ترجمه: و این راه راست من است، پس، از آن پیروی کنید و از (دیگر) راهها پیروی نکنید، که شما را از راه خدا پراکنده می‌سازد. اینها چیزهایی هستند که خداوند شما را بدان سفارش نموده است تا پرهیزگار شوید.

پس از آن که خداوند متعال در سوره انعام راجع به احکام و مسایل مهم اجتماعی تاکید می‌ورزد و بسیاری از دستورات بزرگ و آیین و قوانین مهم را بیان میکند، در آخر به آنچه که از همه عام و فراگیرتر است اشاره نمود و فرموده است: این احکام و امثال آن که خداوند در کتابش بیان کرده و آن را برای بندگانش توضیح داده، راه خداوند است که انسان را به او و به سرای کرامت و بخشش وی می‌رساند، و آن راهی است میانه و آسان و کوتاه. پس، از آن پیروی کنید تا به رستگاری و موفقیت دست یابید و به آرزوها و شادیا برسید. و از راههای مخالف با این راه پیروی نکنید، که شما را از راه گمراه و منحرف ساخته، و به چپ و راست متمایل گردانده، و پراکنده می‌کند. و آنگاه که از راه راست منحرف شدید، جز راهی که انسان را به جهنم می‌رساند وجود ندارد. اینها چیزهایی هستند که خداوند شما را بدان سفارش نموده تا پرهیزگار شوید. زیرا اگر آنچه را که خدا بیان کرده است انجام دهید و آن را بیاموزید و بدان عمل کنید از پرهیزگاران و از بندگان رستگار خدا می‌شوید. و راه را به صورت «مفرد» بیان کرد و به خود نسبت داد و فرمود و این است راه راست من، چون آن تنها راهی است که انسان را به خدا می

1 سید قطب، فی ظلال القرآن ج 4، ص: 2215
2 سوره انعام، آیه 53

رساند، و خداوند کسانی را که راه او را در پیش گرفته اند یاری می نماید.¹

مطلب چهارم: دستیابی به شفاء و رحمت الهی

فضیلت دیگری تمسک به قرآن، دست یافتن به شفاء و رحمت الهی است، چنانچه الله متعال در مورد اینکه قرآن کریم مایه هدایت، شفاء و رحمت است در چندین آیه قرآن، بیان نموده است:

1- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾²

ترجمه: ای مردم! به راستی پندی از سوی پروردگارتان آمده که مایه ی بهبودی و درمان بیماری هایی است که در سینه هاست و هدایت و رحمتی برای مومنان است.

2- ﴿قُلْ هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَٰئِكَ يُنَادُونَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ﴾³

ترجمه: بگو: «این (کتاب) برای کسانی که ایمان آورده اند هدایت و شفاء است؛ ولی کسانی که ایمان نمی آورند، در گوش هایشان سنگینی است و گویی نابینا هستند و آن را نمی بینند و آنها از جایی دور صدا زده می شوند.

3- ﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾⁴

ترجمه: و از قرآن، آن چه شفا و رحمت برای مؤمنان است، نازل می کنیم، ولی ستمکاران را جز خسران نمی افزاید.

از آیات فوق معلوم می شود که قرآن کریم سبب شفای امراض گوناگون است و مسلمان باید از این منبع شفاء برای حل امراض و مشکلات روحی و جسمی استفاده کند چنانچه ابن عاشور در تفسیر التحریر و التنویر می نویسد: « فَيَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَسْتُضِيَءَ بِنُورِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، فَيَعْتَقِدُ عَقَائِدَهُ، وَيَحِلُّ حَالَهُ،

1 سعدی، تیسیر الکریم الرحمن ج 3 ص 209، فی ظلال القرآن ج 2 ص 344

2 سوره یونس آیه 57

3 سوره فصلت آیه 44

4 سوره اسراء آیه 82

ویحرم حرامه، ویمتثل أوامر، ویجتنب ما نهی عنه، ویعتبر بقصصه وأمثاله، ولا ینبغی لمسلم بعد هذا کله أن تعمی بصیرته عن هذا النور العظیم»¹

ترجمه: بالای هر مسلمان لازم است که از نور قرآن مستفید شود، عقیده خود را با آن سازگار کند، حلالش را حلال و حرامش را حرام بداند، از اوامرش اطاعت و از نواهی اش اجتناب کند، از قصه ها و امثال آن پند بگیرد و برای هیچ مسلمانی مناسب نیست که بصیرت خود را از این نور بزرگ دور بسازد.

همچنان تمسک به قرآن سبب کسب رحمت می شود؛ چنانچه الله متعال می گوید: ﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ

مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾²

ترجمه: و این کتابی است که ما نازل کرده ایم، با برکت است، از آن پیروی نمایید و پرهیزگاری پیشه کنید تا مورد رحمت قرار گیرید.

مطلب پنجم: تجارت با رونق

تمسک به قرآن کریم از طریق تلاوت آیات آن و عمل به احکام آن مانند اقامه نماز و انفاق فی سبیل الله از جمله تجارتهای به شمار رفته است که همیشه با رونق است و در آن کساد رخ نمی دهد، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ﴾³

ترجمه: بی گمان کسانی که کتاب خداوند را می خوانند و نماز را برپای می دارند و از چیزهایی که بدیشان داده ایم در پنهان و آشکار می بخشند، امید به تجارتهای دارند که هرگز کاستی نمی پذیرد

در مورد تفسیر آیه فوق در تفسیر «تیسیر الکریم الرحمن» و تفسیر منیر چنین می نویسد: «بی گمان کسانی که از دستورات کتاب خدا پیروی می کنند و از آنچه که خدا از آن نهی کرده دوری می ورزند، و اخبار آن را تصدیق می نمایند و گفته های مخالف با کتاب خدا را بر آن مقدم نمی دارند و نیز کلمات آن را تلاوت می کنند و معانی و مفاهیم آن را مورد بررسی و مطالعه قرار می دهند. سپس بعد از تلاوت

1 ابن عاشور، التحرير و التتویر، ج 8 ص 319

2 سوره انعام آیه 155

3 سوره فاطر آیه 29

قرآن، نماز را ذکر کرد که ستون دین و نور مسلمانها و میزان ایمان و علامت اسلام راستین است. و دادن زکات و کفّاره ها و نذرها و صدقات را به خویشاوندان و بینوایان و یتیمان بیان کرد، در همه ی اوقات انفاق می کنند، آنها با این کار به تجارتي چشم دوخته اند که هرگز کساد نمی شود و از میان نمی رود، بلکه تجارتي است که بزرگ ترین و بالاترین و برترین تجارت است و آن خشنود شدن پروردگارشان از آنها و رسیدن به پادش فراوان الهی و نجات یافتن از عذاب و کیفر اوست. یعنی آنها اعمال خود را خالصانه برای خدا انجام می دهند و از انجام دادن آن، اهداف بد و نیت فاسدی ندارند.¹

البته منظور از تلاوت قرآن کریم که آن تجارت با رونق خوانده شده است تلاوت با تدبیر، فهم و تمسک به آن است چنانچه سید قطب در ذیل تفسیر آیه فوق می نویسد: « وتلاوة كتاب الله تعني شيئا آخر غير المرور بكلماته بصوت أو بغير صوت. تعني تلاوته عن تدبر ، ينتهي إلى إدراك وتأثر ، وإلى عمل بعد ذلك وسلوك. ومن ثم يتبعها بإقامة الصلاة ، وبالإنفاق سرا وعلانية من رزق الله»²

ترجمه: منظور از تلاوت کتاب خداوند چیزی جدای از مرور و زمزمه کلمات آن با خواندن صدا و بدون صدا است، مراد تلاوت با تدبیر و تفکر و پژوهشی است که به درک و فهم منتهی شود و تأثیر خود را ببخشد، و کار تلاوت به عمل به آن تبدیل گردد، و رفتار و کردار انسان برابر قوانین قرآن صورت پذیرد. به همین خاطر به دنبال تلاوت قرآن خواندن نماز، و بذل و بخشش از رزق و روزی خدا در پنهان و آشکار، ذکر شده است.

در احایث نیز تلاوت قرآن کریم تجارت غیر کاسد عنوان شده است که در روز قیامت از فواید آن شخص تجارت کننده یعنی تلاوت کننده و عمل کننده بهره مند می شود، چنانچه امام احمد -رحمه الله- در مسند خود این حدیث را روایت کرده است: « عن عبد الله بن بريدة³، عن أبيه، قال: كنت جالسا عند النبي صلى الله عليه وسلم فسمعتة يقول: " تعلموا سورة البقرة، فإن أخذها بركة، وتركها حسرة، ولا تستطيعها البطلة " . قال: ثم سكت ساعة، ثم قال: " تعلموا سورة البقرة، وآل عمران، فإنهما الزهراوان، يُظلان صاحبهما يوم القيامة، كأنهما غمامتان أو غيايتان، أو فرقان من طير صواف، وإن القرآن يلقي صاحبه يوم القيامة حين ينشق عنه قبره كالرجل الشاحب، فيقول له: هل تعرفني؟ فيقول: ما

1 سعدي، تيسير الكريم الرحمن ج 9 ص 343 زحيلي، التفسير المنير ج 22 ص 263

2 سید قطب، فی ظلال القرآن ج 5 ص 2943

3 عبد الله بن بريدة بن الحصيبي الإسلامي، أبو سهل، تابعی و از راویان حدیث است که اصلش از کوفه است و در سال 14 هجری تولد شده است، او قضاوت شهر مرو را نیز به عهده داشت تا اینکه در سال 115 در همانجا وفات کرد. زرکلی، الاعلام (ج 4 ص 74)

أعرفك. فيقول: أنا صاحبك القرآن الذي أظمأتك في الهواجر، وأسهرت ليلك، وإن كل تاجر من وراء تجارته، وإنك اليوم من وراء كل تجارة. فيعطى الملك بيمينه والخلد بشماله، ويوضع على رأسه تاج الوقار، ويكسى والداه حلتين، لا يقوم لهما أهل الدنيا، فيقولان: بم كسينا هذا؟ فيقال: بأخذ ولدكما القرآن، ثم يقال: اقرأ واصعد في درج الجنة وغرفها، فهو في صعود ما دام يقرأ»¹

ترجمه: عبدالله بن بریده از پدر خود روایت می کند که او گفته است: من در نزد پیامبر -صلی الله علیه وسلم- نشسته بودم، از او شنیدم که گفت: سوره بقره را بیاموزید زیرا اخذ آن برکت و ترک آن حسرت و ندامت است و افراد باطل پرست نمی توانند آن را تحمل کنند، راوی می گوید: سپس لحظه ای سکوت کرد و باز گفت: سوره بقره و آل عمران را بیاموزید چون این دو سوره زهرواین می باشند که صاحبانش را در روز قیامت به مانند ابر یا گروه های از پرنده های صف کشیده سایه می کنند، و بدون شک قرآن کریم به صاحب خود در روز قیامت هنگامی که از قبر می خیزد مانند یک مرد زیبا ملاقی می شود و برای او می گوید: آیا مرا می شناسی؟ او می گوید: من تو را نمی شناسم، می گوید: من همینشن و رفیق تو قرآنی استم که در گرمی ها تو را سیراب کردم و شب های تو را به بی خوابی سپری نمودم و هر تجارت پیشه از دنبال تجارت خود است و امروز تو هم به دنبال تجارت خود است، سپس برای چنین مردی ملک و شاهی به دست راستش داده می شود و خلود و همیشگی به دست چپش و بر سر او تاج عزت و وقار گذاشته می شود و پدر و مادر صاحب قرآن را تاجی پوشانیده می شود که اهل دنیا به آن رسیدگی کرده نمی توانند، آنان می گویند: به سبب چی ما را چنین چیزی پوشانیدند؟ گفته می شود به سبب عمل کردن فرزند شما به قرآن. سپس گفته می شود بخوان و بالا برو در درجه های جنت و غرفه های آن، او همواره در حال بالا رفتن است تا زمانی که می خواند.

مطلب ششم: رسیدن به مقام بهترین بودن

یکی از فضایل تمسک به قرآن این است که انسان به بهترین مقام و منزلت در نزد خداوند و مردم می رسد و خداوند متعال خودش حال و احوال انسان عامل به قرآن را اصلاح می کند و تمسک به قرآن سبب پوشاندن گناه و اصلاح حال می شود، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

1 ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن حنبل، مسند احمد، مؤسسة الرسالة، طبع: 2، 1420 هـ، 1999 م، بیروت، لبنان. ج 5 ص 348 (حکم حدیث: ابن کثیر- رحمه الله- گفته است: «و هذا إسناد حسن على شرط مسلم» یعنی اسناد این حدیث حسن است و با شرط مسلم موافق است. ابن کثیر- رحمه الله-، تفسیر القرآن العظیم، ج 1 ص 152

وَأَمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ¹

ترجمه: و اما کسانی که ایمان بیاورند و کارهای نیک و شایسته بکنند ، و چیزی را باور دارند که بر محمد نازل شده است - و آن هم حق است و از سوی پروردگارشان آمده است - خداوند گناهانشان را می بخشاید و بدیهایشان را نادیده می گیرد ، و حال و وضعشان را خوب می سازد.

اینکه تمسک به قرآن باعث رسیدن به مقام بهترین بودن می شود از سخنان پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- به صراحت معلوم می شود:

1- عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ² - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ-: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»³

ترجمه: عثمان بن عفان - رضی الله عنه - می گوید: نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران، یاد بدهد.

2- عَنْ عَقْبَةَ بْنِ عَامرٍ⁴ قَالَ خَرَجَ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- وَنَحْنُ فِي الصَّفَةِ⁵ فَقَالَ: أَيْكُمْ يَحِبُّ أَنْ يَغْدُوَ كُلَّ يَوْمٍ إِلَى بَطْحَانَ وَالْعَقِيقِ فَيَأْتِي مِنْهُ بِنَاقَتَيْنِ كَوْمَاوِينَ فِي غَيْرِ إِثْمٍ وَلَا قَطْعِ رَحِمٍ، فَقَلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ كَلْنَا يَحِبُّ ذَاكَ قَالَ أَوْلَا يَغْدُو أَحَدَكُمْ إِلَى الْمَسْجِدِ فَيَتَعَلَّمُ أَوْ يَقْرَأُ آيَتَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ نَاقَتَيْنِ وَثَلَاثٍ وَأَرْبَعٍ خَيْرًا مِنْ أَرْبَعٍ وَمِنْ أَعْدَادِهِنَّ مِنَ الْإِبِلِ⁶

ترجمه: عقبه بن عامر می گوید: رسول خدا-صلی الله علیه وسلم- بیرون شد در حالی که ما در صفه بودیم، پس گفت: کدام یک از شما دوست دارد به سوی منطقه بطحان⁷ یا عقیق برود و از آنجا دو شتر

1 سوره محمد آیه 2

2 عثمان بن عفان از جمله عشره مبشره و از سابقین در اسلام است که در راه پیشرفت دعوت اسلام مال زیادی را صرف کرد، او با دو دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم ازدواج کرد و پس از عمر بن خطاب رضی الله خلافت را به دوش گرفت و پس از دوازده سال خلافت در سال 35 هجری توسط باغیان به شهادت رسید. ذهبی، شذرات الذهب، ج 7 ص 231

3 بخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح البخاری، شماره حدیث: 5028

4 عقبه بن عامر بن عبس بن مالک الجهنی: امیری از میان صحابه کرام بود که در جنگ صفین با معاویه بود و در فتح مصر با عمرو بن العاص، اشتراک ورزید و ولایت مصر را نیز در سال 44 هجری عهده دار شد و در سال 58 در مصر وفات کرد. زرکلی، الاعلام (ج 4 ص 240)

5 صفه: مراد صفه مسجد نبوی است که در آن فقیران اصحاب جمع می شدند و از پیامبر -صلی الله علیه وسلم علم می آموختند. حموی، یاقوت بن عبد الله الحموی أبو عبد الله، معجم البلدان، دار الفکر - بیروت. (ج 3 ص 414)

6 نیشاپوری، مسلم بن الحجاج قشیری، (ت: 261 هـ صحیح مسلم، تحقیق محمد فواد عبدالباقي، چاپ 1403 هـ-1983 م دار الفکر، بیروت. شماره حدیث: 803

7 بطحان یا عقیق نام یک وادی در مدینه است که بنی نضیر در آن سکونت داشتند. بطحان یا عقیق نام یک وادی در مدینه است که بنی نضیر در آن سکونت داشتند. حموی، یاقوت بن عبد الله الحموی أبو عبد الله، معجم البلدان، دار الفکر - بیروت. (ج 1 ص 446)

کوفان دار را بدون گناه و قطع صلّه رحمی بیاورد، ما گفتیم تمام ما این را دوست داریم، او گفت: پس چرا یکی از شما صبح به سوی مسجد نمی رود و دو آیه از کتاب الله را بیاموزد یا بخواند؟ که این برایش بهتر از دو، سه و چهار شتر است بلکه بیشتر از چهار و تعداد زیادی از شترها.

مطلب هفتم: سایر فضایل تمسک به قرآن

الف: هدایت و نجات از گمراهی

بزرگ ترین فضیلت تمسک به قرآن، هدایت و نجات از گمراهی است چنانچه الله متعال فرموده است:

﴿فَأَمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى﴾¹

ترجمه: پس اگر برای شما از جانب من رهنمودی رسد، پس هرکس از رهنمود من پیروی کند نه گمراه می شود و نه بدبخت می گردد.

همچنان در اثری آمده است: «عن ابن عباس² - رضي الله عنهما - «مَنْ تَعَلَّمَ كِتَابَ اللَّهِ ثُمَّ اتَّبَعَ مَا فِيهِ هَدَاهُ اللَّهُ مِنَ الضَّلَالَةِ فِي الدُّنْيَا ، وَوَقَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سُوءَ الْحِسَابِ»³

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که گفته است: کسی که کتاب الله را بیاموزد و سپس پیروی کند از آنچه که در آن است، خداوند او را از گمراهی در دنیا نجات می دهد و در روز قیامت از بدی حساب او را نگاه می دارد.

ب: قرآن شفاعت کننده است: چنانچه در حدیث آمده است: عَنْ جَابِرٍ⁴ - رضي الله عنه - قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: «الْقُرْآنُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ، وَمَا حَلَّ مُصَدِّقٌ، مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ،

1 سوره طه آیه 123

2 ابن عباس: صحابی جلیل القدر عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب القرشی الهاشمی، سال 3-قبل از هجرت در مکه متولد و در ابتدایی بعثت پیامبر صلی الله علیه وسلم زندگی نموده است. ابن عباس ملقب به حبر امة می باشد و از وی 1660 احادیث صحیح روایت گردیده است در سال 68 هـ بعد از اینکه بینای خود را از دست میدهد در منطقه طائف در مکه وفات می نماید. (الاعلام للزرکلی 95/4)

3 صنعانی، ابو بکر عبد الرزاق بن همام الصنعانی، المکتب الإسلامی - بیروت، الطبعة الثانية، 1403 شماره حدیث: 6033

4 جابر بن عبد الله بن عمرو بن حرام بن ثعلبه بن حرام بن کعب بن غنم بن کعب بن سلمة، کنیه اش ابو عبدالله و ابو عبدالرحمن انصاری، خزرجی، سلمی، مدنی که فقیه، امام بزرگ، مجتهد و حافظ و صاحب و هدم پیامبر - صلی الله علیه وسلم بود. در بیعة الرضوان همراه با پدر خویش حضور داشتند. از پیامبر اسلام، عمر، علی، ابوبکر، ابو عبیده، معاذ بن جبل، زبیر و گروه دیگری از صحابه علم زیادی را نقل کرده است. در زمان خود مفتی مدینه بود، پس از وفات عمر فاروق سال های زیادی را در عزلت بسر برد. واقدی و یحیی بن بکیر و طائفه دیگری گفته اند که جابر رضی الله عنه در سن 78 سالگی از دنیا چشم پوشیده است. سیر اعلام النبلاء - (3 / 189).

وَمَنْ جَعَلَهُ خَلْفَةً سَاقَهُ إِلَى النَّارِ»¹

ترجمه: جابر - رضي الله عنه - مي گوید: رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - فرمود: «قرآن شفاعت مي کند و شفاعت آن هم پذيرفته مي شود. همچنين قرآن دفاع مي نمايد و سخنش تصديق مي شود. هر کس قرآن را پيشواي خود، قرار دهد، قرآن او را به بهشت سوق ميدهد؛ و هر کس، قرآن را پشت سر خود قرار دهد او را به سوي جهنم، سوق مي دهد.

همچنان در روايت ديگر آمده است: «عن أبي أمامة رضي الله عنه قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: «اقرأ القرآن فإنه يأتي يوم القيامة شفيعاً لأصحابه»²

ترجمه: از ابوامامه - رضي الله عنه - - روايت شده است که گفت: از پيامبر - صلى الله عليه وآله وسلم - شنيدم که مي فرمود: «قرآن بخوانيد؛ زيرا قرآن، در روز قيامت براي ياران خدا شفاعت مي کند.

ج: تمسک به قرآن سبب دفاع از انسان در روز قيامت می شود: چنانچه در روايت آمده است: عن أبي أمامة الباهلي قال: سمعت رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - يقول: «اقرأوا القرآن فإنه يأتي يوم القيامة شفيعاً لأصحابه اقرأوا الزهراوين البقرة وسورة آل عمران فإنهما تأتيان يوم القيامة كأنهما غمامتان أو كأنهما غيابتان أو كأنهما فرقان من طير صواف تحاجان عن أصحابهما اقرأوا سورة البقرة فإن أخذها بركة وتركها حسرة ولا تستطيعها البطلة» (قال معاوية: بلغني أن البطلة السحرة)³

ترجمه: ابوامامه باهلي - رضي الله عنه - مي گوید: شنيدم که رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم - مي فرمود: «قرآن بخوانيد؛ زيرا قرآن روز قيامت براي صاحبانش، شفاعت مي کند. دو سوره نوراني بقره و آل عمران را بخوانيد؛ زيرا آن دو روز قيامت به شکل دو ابر يا دو سايبان يا دو گروه پرنده که بال گشوده اند، مي آيند و از صاحبانشان، دفاع مي کنند. سوره بقره را بخوانيد؛ زيرا ياد گرفتن آن بركت است و ترك كردن آن باعث حسرت مي شود و ساحران تاب و تحمل آن را ندارند.

د: تمسک به قرآن باعث رفعت درجه انسان می شود: چنانچه در حديث آمده است: وعن عمر بن الخطاب رضي الله عنه أن النبي صلى الله عليه وسلم قال: «إن الله يرفع بهذا الكتاب أقواماً ويضع به

1 بيهقي، شعب الإيمان، شماره حديث: 2434، البانی این حديث را در سلسلة الاحاديث الصحيحة ج 2 ص 332 صحيح گفته است.

2 صحيح البخارى، شماره حديث: 1862

3 صحيح مسلم، شماره حديث: 804

ترجمه: از حضرت عمر بن خطاب - - رضي الله عنه - - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: خداوند با این قرآن، کسانی را بلند و کسانی دیگر را پست می کند.

¹ صحیح مسلم، شماره حدیث: 817

مبحث دوم: مظاهر و نشانه های تمسک به قرآن

مطلب اول: توجه و عنایت به قرآن

یکی از مظاهر و نشانه های تمسک به قرآن این است که به آن عنایت و توجه کنند و از آن اعراض و روی گردانی نکنند و همچنان آن مهجور و متروک قرار ندهند، اعراض و روی گردانی از قرآن نتایج و پیامدهای خطرناک دارد چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى * قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا. قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾¹

ترجمه: و هر که از یاد من روی بگرداند زندگی تنگ خواهد داشت. و روز رستاخیز او را نابینا گرد می آوریم. خواهد گفت: پروردگارا چرا مرا نابینا جمع آورده ای در حالیکه من قبلاً بینا بوده ام؟! خداوند، می گوید: همین است. آیات من به توریسید و تو آنها را نادیده گرفتی؛ همانگونه هم تو امروز نادیده گرفته می شوی.

از آیه مذکور دانسته می شود که زندگی بدون ارتباط با خداوند و تمسک به کتاب و الای او که سراسر رحمت و برکت است، تنگ و سخت و ناگوار است، چنانچه سید قطب در ذیل تفسیر آیه فوق می نویسد: «هر قدر که نعمت فراخ و متاع فراوان و رفاه حال در آن باشد. این چنین زندگی ای تنگ و ناگوار است از لحاظ اینکه پیوند و ارتباط آن با خداوند و کتابش بریده شده است، این چنین زندگی تنگ و ناگوار است از نظر حیران و پریشان گشتن و دچار شدن به شک و تردید، این چنین زندگی، تنگ و ناگوار است چون انسان در آن به حرص و طمع دچار می آید و پیوسته باید برحذر باشد، این چنین زندگی، تنگ و ناگوار است از لحاظ این که باید به دنبال زرق و برق آرزوها همیشه تلاش کنیم و باید بر چیزهایی که از دست می رود حسرت و افسوس بخوریم، بنابراین دانسته می شود که دل احساس اطمینان و آرامش نمی کند مگر در آغوش رحمت خداوند مهربان جهان. و دل احساس راحت و آسایش نمی کند مگر این که متمسک به ریسمان بسیار محکمی باشد که قطع شدنی نیست و نام آن قرآن است و بی بهره بودن از ایمان

¹ سوره طه آیه 124-125

بدبختی ای است که بدبختی فقر و محرومیت هم با آن برابری نمی کند و همتای آن نمی شود.¹

ترک و اعراض قرآن کریم باعث می شود تا در قیامت پیامبر اسلام از مسلمانان شکایت و گلیه کند، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾²

ترجمه: و پیامبر می گوید: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها نموده و از آن دوری کرده اند.

پس مسلمانان مسئولیت دارند تا به این کتاب عظیم توجه کنند و در مقابل آن نصیحت و خیراندیشی کنند قسمی که پیامبر اسلام به مسلمانان توصیه کرده است که در مقابل قرآن باید مسلمانان ناصح باشند: «عَنْ تَمِيمِ بْنِ أَوْسِ الدَّارِيِّ³ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الدِّينُ النَّصِيحَةُ» قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ «لِللَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَنْتُمْ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ»⁴

ترجمه: از تمیم بن اوس داری- رضی الله عنه - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «دین، نصیحت و خیرخواهی است»، گفتیم: برای چه کسی؟ فرمودند: برای خدا و کتابش و پیامبرش و پیشوایان مسلمان و عموم آنها برای همدیگر.

منظور از نصیحت در مقابل کتاب الله چنانچه علما توضیح داده اند چنین است: «النصيحة لكتاب الله: شدة حبه وتعظيم قدره، إذ هو كلام الخالق، وشدة الرغبة في فهمه، وشدة العناية في تدبره، والوقوف عند تلاوته لطلب معاني ما أحب مولاه أن يفهمه عنه، ويقوم به لما يفهمه»⁵

ترجمه: منظور از نصیحت به کتاب الله محبت شدید و گرامی داشت از عظمت قدر و منزلت آن است چون قرآن کلام آفریدگار است، همچنان منظور از نصیحت شدت علاقه و رغبت در فهم آن و عنایت و توجه بیشتر در تدبر آن و ایستاد شدن در آیات آن هنگام تلاوت کردن است تا معانی را که خداوند فهم آن را می خواهد طلب کند و بعد از فهم به آن عمل نماید.

1 سید قطب، فی ظلال القرآن ج 4 ، ص 2355

2 سوره فرقان آیه 30

3 تمیم بن اوس بن خارجه الداری، صحابی مشهور است که به دار بن هانی از قبیله لخم منسوب است، او در سال نهم هجری مسلمان شد و اولین کسی است که در مسجد چراغ روشن کرد، او در فلسطین در سال 40 هجری وفات کرد. زرکلی، الاعلام ج 2 ص 87

4 صحیح مسلم، شماره حدیث: 55

5 ابن رجب حنبلی، جامع العلوم والحکم فی شرح خمسين حدیثا من جوامع الکلم، المكتبة الشاملة، ج 1 ص 209

همچنان امام نووی¹ - رحمه الله - می گوید: «النصيحة لكتاب الله تعالى: هي الإيمان بأنه كلام الله تعالى وترتيله، لا يشبهه شيء من كلام الخلق، ولا يقدر على مثله الخلق بأسرهم، ثم تعظيمه وتلاوته حق تلاوة، وتحسينها»²

ترجمه: مراد از نصیحت به کتاب الله، این است که به کلام الله بودن و نازل شدن آن از جانب الله باور شود و کلام مخلوق با آن شباهت ندارد و تمام مخلوقات اگر جمع شوند نمی توانند مانند آن بیاورند، همچنان تعظیم، تلاوت و با تجوید خواندن آن است.

مطلب دوم: تدبیر و تفکر

تدبیر و دقت در آیات قرآن در فهم آن نقش اساسی دارد و بینش و عقیده و فکر انسان را نسبت به هر چیز متحول می کند، خداوند متعال - جل جلاله - تدبیر در قرآن را از جمله اهداف و مقاصد نزول قرآن می شمارد و می گوید: (کتاب انزلناه اليک مبارک لیدبروا آیاته)³

ترجمه: این کتاب پربرکتی است که آن را فرو فرستادیم تا در آیاتش تدبیر کنند.

همچنان خداوند متعال در آیه ای دیگر می فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾⁴

ترجمه: آیا در قرآن تدبیر نمی کنند یا بر دل ها قفل زده شده است؟

از دو آیه فوق استفاده می شود که تدبیر در قرآن زمینه پی بردن به حقایق آن را فراهم می سازد و انسان را به راه صحیح دست یابی به کمال رهنمون می شود و عقیده انسان به اثر تدبیر در قرآن تصحیح می شود، مگر کسانی را که در اثر گناه بر دل هاشان قفل زده باشند.

علماء برای تدبیر درجات را نیز بیان کرده اند که عبارت از تفکر و نظر، خشوع قلب و متاثر شدن

1 امام نووی: یحیی بن شرف بن نووی دمشقی فقیه زاهد و محدث و حافظ بود، استاد شافعی ها و ستون مذهب شافعی است. تألیفاتی در فقه و حدیث و لغت دارد، نووی در سال ۶۷۶ هجری وفات کرد. از مشهورترین کتاب هایش المجموع شرح المذهب، شرح صحیح مسلم، تهذیب الاسماء و اللغات می باشد. ابن سبکی، طبقات الشافعیه الكبرى، ج ۴، ص ۴۷۱. شذرات الذهب (5/ 354 - 356)، معجم المؤلفین (4/ 98).

2 نووی، محیی الدین یحیی بن شرف بن مرئ، المنهاج شرح النووی علی مسلم، الرياض-السعودیه، بیت الأفكار الدولیه، ب.ت. ج 3 ص 38

3 سوره ص آیه 29

4 سوره محمد آیه 24

پذیرفتن و تسلیم شدن در برابر حقیقت است¹.

ضمن تدبر در آیات، قرآن مجید از تفکر در باره جهان بسیار ستایش کرده است و در خصوص اینکه هدف از نزول آن تفکر و اندیشیدن است، می فرماید: ﴿و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و لعلهم یتفکرون﴾²

ترجمه: و قرآن را به سوی تو فرو فرستادیم تا آنچه را نازل شده است برای مردم تبیین کنی و شاید بیندیشند.

قرآن کریم از طریق یادآوری یا بیان و توضیح آیات با مثال ها و توصیف های گوناگون و با بیان کردن داستان ها، سعی دارد که انسان را به فکر کردن وادارد تا با اندیشیدن درباره زندگی دنیا و آخرت مسیر خود را شکل دهد و به مقدمه و گذرا بودن دنیا و جاودانگی آخرت پی ببرد و فریفته دنیا نشود و دنیا را هدف قرار ندهد و همچنان از طریق تفکر و اندیشیدن به هدفمند بودن خلقت پی ببرد، به همین خاطر است که قرآن کریم صاحبان عقل کسانی را گفته است که در مورد کائنات فکر می کنند چنانچه می فرماید: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ * الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾³

ترجمه: یقیناً در خلقت آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز دلائل روشنی است برای خردمندان عالم. آنها که در هر حالت، ایستاده و نشسته و خفته خدا را یاد کنند و دائم در خلقت آسمان و زمین بیندیشند و گویند: پروردگارا، تو این دستگاه با عظمت را بیهوده نیافریده‌ای، پاک و منزهی، ما را به لطف خود از عذاب دوزخ نگاهدار!

در این آیه صاحبان عقل و خرد به کسانی اطلاق شده است که الله تعالی را ذکر می کنند و در مورد کائنات به تفکر می پردازند و این یکی از روش های اساسی قرآن برای تصحیح عقیده و بینش است که از این طریق انسان ها می توانند خودشان عظمت خالق را درک کنند و به یگانگی او باور کنند.

1 سلمان السنیدی، تدبر القرآن الطبعة الثانية 2002م، الرياض: مكتبة الملك فهد الوطنية، صفحة 67-86.

2 سوره نحل آیه 44

3 سوره آل عمران آیه 190 و 191

در مورد اهمیت تدبر و تفکر در آیات قرآن کریم، اقوال علمای بزرگ جهان اسلام را قابل ذکر می دانم که هریک با سخنان بسیار زیبا و دلنشین، تدبر و تفکر را از مظاهر و نشانه های تمسک به قرآن کریم عنوان کرده اند:

1- ابن قیم¹ - رحمه الله - گفته است: «نگریستن تیز بینانه قلب به معانی آیات قرآن، و جمع کردن فکر بر تدبر و تعقل در آن، همان هدف نزول این کتاب می باشد، نه اینکه فقط تلاوتی بدون فهم و تدبر وجود داشته باشد»²

2- شوکانی³ - رحمه الله - گفته است: «دلیلی در آیه ﴿کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته﴾⁴ وجود دارد که الله - سبحانه - قرآن را فقط برای تدبر و تفکر در معانی آن نازل فرموده است، نه اینکه فقط تلاوت شود و تفکری صورت نپذیرد»⁵

3- قرطبی - رحمه الله - گفته است: «با ترتیل خواندن از سریع خواندن بهتر است، زیرا در حالت خواندن سریع، هدف اصلی که تدبر در مفاهیم آیات می باشد به شکلی صحیح صورت نمی گیرد»⁶

4- سیوطی - رحمه الله - گفته است: «سنت برای قرائت، تدبر و فهمیدن می باشد که همان بزرگترین هدف و مهمترین خواسته است»⁷

5- امام نووی - رحمه الله - گفته است: «علماء می گویند: به ترتیل خواندن قرآن برای تدبر و تفکر که هدف اصلی تلاوت قرآن کریم است، مستحب می باشد، زیرا این کار به احترام و بزرگ شمردن کتاب خداوند نزدیک تر است و اثر شدیدتری بر قلب می گذارد»⁸

6- صاحب کتاب «اخلاق حملة القرآن» می گوید: **وَالْفَلِيلُ مِنَ الدَّرْسِ لِلْقُرْآنِ مَعَ الْفِكْرِ فِيهِ ، وَتَدْبِيرِهِ**

1 ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر بن ایوب مشهور به ابن قیم جوزی از امامان بزرگ مذهب حنبلی در زمانه خودش بود. او در سال 691 ه در دمشق چشم به جهان گشود او یکی از علمای بزرگ بوده که نزد شیخ الاسلام ابن تیمه - رحمه الله - علوم - اسلامی را فرا گرفته و همراه در قلعه دمشق محبوس شد، او بیش از هفتاد تألیف در زمینه های مختلف دارد و از جمله تألیفات وی مدارج السالکین، الوابل الصیب من الکلم الطیب و ... می باشد ابن قیم (رحمه الله) در شهر دمشق سال 751 وفات نمود (الاعلام للزرکلی، ج 5، ص 25)

2 ابن قیم، محمد بن ابی بکر ایوب الزرعی، مدارج السالکین بین منازل ایاک نعبد وایاک نستعین، الطبعة الثانية، 1393 - 1973 دار الکتاب العربی - بیروت ج 1 ص 451

3 نام او محمد بن علی بن محمد الشوکانی، یکی از بزرگان واعلام اهل سنت و الجماعت می باشد، هم چنان او فقیه و مجتهد و از کبار علمای یمن محسوب می گردد، وی در سال 1173 ه در شهر صنعا کشور یمن تولد شده است، که در سال 1229 ه بر مسند قضاء نیز وظیفه نموده است، در سال 1250 ه وفات شده است، او از جمله کبار علماء یمن می گویند؛ دیده شود: الاعلام، زرکلی، ج 6، ص 298.

4 سوره ص آیه 29

5 شوکانی، فتح القدر الجامع بین فنی الروایة والدرایة من علم التفسیر، ج 4 ص 430

6 امام قرطبی - رحمه الله -، الجامع لأحكام القرآن ج 15 ص 192.

7 سیوطی، الإتقان فی علوم القرآن ج 1 ص 140.

8 نووی، شرح النووي علی مسلم ج 6 ص 80.

أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ قِرَاءَةِ الْكَثِيرِ مِنَ الْقُرْآنِ بِغَيْرِ تَدَبُّرٍ ، وَلَا تَفَكُّرٍ فِيهِ ، وَظَاهِرُ الْقُرْآنِ يَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ
وَالسُّنَّةُ ، وَقَوْلُ أَنَمَّةِ الْمُسْلِمِينَ»¹

ترجمه: درس کمی از قرآن که با فکر و تدبر باشد از قرائت بسیاری از قرآن که خالی از تدبر و تفکر باشد بهتر است و ظاهر قرآن، سنت و اقوال ائمه مسلمین به همین سخن دلالت می کند.

مطلب سوم: استماع و گوش دادن به قرآن

از نشانه های تمسک به قرآن کریم، استماع و گوش دادن به تلاوت قرآن می باشد که دارای فضایل خاصی است و در آیات و احادیث راجع به اهمیت آن تاکیدات زیادی شده است و ذیلاً به برخی آن ها اشاره می شود:

1- شنیدن قرآن باعث به دست آوردن رحمت الهی می شود، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَ إِذَا قُرِئَ

الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾²

ترجمه: و هنگامی که قرآن خوانده می شود، به آن گوش فرا دهید، و خاموش باشید، تا بر شما رحم شود.

چنانچه در این آیه مشاهده می شود استماع قرآن و خاموش ماندن باعث کسب رحمت الهی می شود و این دستور عام است و هرکس را که کتاب خدا را بشنود در بر میگیرد، و به او دستور داده شده تا به قرآن گوش فرا دهد، و سکوت اختیار کند و در این دو چیز امر شده است: یکی استماع و دیگر انصات و در تفسیر سعدی فرق این کلمه چنین بیان شده است: «والفرق بین الاستماع والإنصات: أن الإنصات في الظاهر، بترك التحدث أو الاشتغال بما يشغل عن استماعه. وأما الاستماع له، فهو أن يلقي سمعه، ويحضر قلبه، ويتدبر ما يسمع فإن من لازم على هذين الأمرين، حين يتلى كتاب الله، فإنه ينال خيراً كثيراً، وعلماً غزيراً، وإيمانا مستمرا متجدداً، وهدى متزايداً، وبصيرة في دينه. ولهذا رتب الله حصول الرحمة عليهما، فدل ذلك، على أن من تلى عليه الكتاب، فلم يسمع له ولم ينصت، أنه محروم الحظ من الرحمة، قد

1 آجری، اَبِي بَكْرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ (ت: 360 هـ) أَخْلَاقُ حَمَلَةِ الْقُرْآنِ، الطَّبَعَةُ الْأُولَى : 1426 هـ / 2005 م ص 94
2 سورة اعراف آیه 204

ترجمه: فرق «انصات» و «استماع» این است که «انصات» به معنی سکوت ظاهری است، و آن با سخن نگفتن یا مشغول نشدن به آن مشغول می سازد. اما «استماع» یعنی این که آدمی گوش فرا دهد و حضور قلب داشته باشد، و در آنچه می شنود بیاندیشد. زیرا اگر انسان به هنگامی که کتاب خدا خوانده می شود به این دو چیز پایبند باشد، هم گوش فرا دهد و هم در آن بیاندیشد به خیر زیاد و دانش فراوان و ایمان مستمر و تازه و هدایت افزون و بینش فراوان دست می یازد. بنابراین خداوند حاصل شدن رحمت را به دنبال گوش فرا دادن و سکوت کردن قرار داده است. پس این دلالت می نماید که هرکس به هنگام قرائت قرآن به آن گوش ندهد و ساکت نشود، از رحمت خدا محروم می گردد، و خیر فراوانی را از دست می دهد.

2- استماع قرآن باعث هدایت انسان ها و جنیات به سوی ایمان می شود، چنانچه در قرآن کریم تصریح شده است که هدایت جنیات به اثر استماع و گوش دادن به قرآن صورت گرفته بود، در این مورد الله متعال می فرماید: ﴿قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا * يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا﴾²

ترجمه: بگو: به من وحی شده است که گروهی از جنیان (به تلاوت قرآن) گوش فرا دادند، آنگاه گفتند: بی گمان قرآنی عجیبی را شنیدیم که به راه راست هدایت می کند، پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را با پروردگار خود شریک نمی سازیم.

همچنان در مورد انسان ها نیز از آیه دیگر قرآن کریم فهمیده می شود که استماع و شنیدن قرآن سبب هدایت می شود چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ﴾³

ترجمه: و اگر یکی از مشرکین از تو پناه خواست او را پناه بده تا کلام خدا را بشنود سپس او را به محل امن خودش برسان! این بدان خاطر است که آنان گروهی نادان اند

1 سعدی، عبدالرحمن بن ناصر، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى 1420 هـ - 2000 م ج 2 ص 185

2 سوره جن آیه 1 - 2

3 سوره توبه آیه 6

3- استماع قرآن سبب خشوع قلب و گریه چشم می شود، چنانچه الله متعال در این مورد می فرماید:

﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾¹

ترجمه: و هرگاه چیزی را که بر پیامبر نازل می شود، بشنوند، چشمهایشان را می بینی که بر اثر شناخت حق پر از اشک می شود (و) می گویند: پروردگارا! ما ایمان آورده ایم، پس ما را از زمره گواهان بشمار!

4- تاثیر پذیری و گریه کردن هنگام شنیدن قرآن صفت منعم علیهم است چنانچه الله متعال می گوید:

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾²

ترجمه: آنان پیامبرانی بودند که خداوند نعمت برایشان ارزانی داشت، از سلاله آدم، و از فرزندان کسانی که با نوح سوار کشتی کردیم، و از دودمان ابراهیم و یعقوب، و از زمره کسانی که آنان را رهنمود کرده و برگزیده بودیم، هرگاه آیات خداوند مهربان بر آنان خوانده می شد سجده کنان و گریان (به زمین) می افتادند.

5- استماع قرآن سبب زیادت ایمان می شود، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ

اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾³

ترجمه: مؤمنان تنها کسانی اند که هرگاه خدا یاد شود دلهایشان هراسان می گردد، و وقتی که آیات خدا بر آنان خوانده شود ایمانشان افزوده می شود بر پروردگارشان توکل می کنند

6- استماع قرآن سبب اطاعت از سنت پیامبر-صلی الله علیه وسلم- می شود چون او استماع قرآن را

دوست داشت، قسمی که در روایت نیز آمده است: عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ لِي النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَقْرَأْ عَلَيَّ الْقُرْآنَ»، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَقْرَأُ عَلَيْكَ وَعَلَيْكَ أَنْزَلَ؟! قَالَ: «إِنِّي

1 سوره مائده آیه 83

2 سوره مریم آیه 58

3 سوره انفال آیه 2

أَجِبُّ أَنْ أَسْمَعَهُ مِنْ غَيْرِي» « فَقَرَأْتُ عَلَيْهِ سُورَةَ النَّسَاءِ حَتَّى جِئْتُ إِلَى هَذِهِ الْآيَةِ: {فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَوْلٍ شَهِيدًا} ¹ قَالَ: «حَسْبُكَ الْآنَ» فَالْتَفَتَتْ إِلَيْهِ، فَأَدَا عَيْنَاهُ تَدْرِيقًا ²

ترجمه: از ابن مسعود - رضي الله عنه - روایت شده است که گفت: پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - به من فرمودند: «برای من قرآن بخوان»، گفتم: ای رسول خدا! من برای شما قرآن بخوانم، در صورتی که قرآن بر شما نازل شده است؟! فرمودند: «من دوست دارم که آن را از غیر خود بشنوم» و من، سوره ی نساء را برای پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - تلاوت کردم تا به این آیه رسیدم: {فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَوْلٍ شَهِيدًا} ³

ترجمه: ای پیامبر! حال اینان چگونه خواهد بود، آن گاه که از هر ملتی گواهی بیاوریم و تو را نیز شاهدهی بر اینان بیاوریم؟!، آن گاه فرمودند: «کافی است!»، به طرف ایشان برگشتم و نگاه کردم، از چشم های مبارکش اشک می بارید.

امام نووی، در ذیل این حدیث گفته است گوش دادن به قرآن و گریه کردن هنگام گوش کردن آن مستحب است ⁴.

مطلب چهارم: تعلیم و تعلم قرآن

از مظاهر و نشانه های مهم تمسک به قرآن، تعلیم و تعلم آن است و در آیات و احادیث به آموختن و آموزاندن این کتاب بزرگ تاکیدات زیادی صورت گرفته است:

1- الله متعال یکی از صفات رسول خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - را چنین بیان نموده است که او معلم

قرآن کریم است و این امر نشان دهنده اهمیت تعلیم و تعلم قرآن است، چنانچه الله متعال می گوید:

{هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ} ⁵

ترجمه: خدایتعالی در میان بی سوادان رسولی از خودشان برانگیخت که برای ایشان کتاب او را

¹ سوره نساء آیه 42

² متفق علیه: صحیح البخاری، شماره حدیث: (5050)، صحیح مسلم، شماره حدیث: (800)

³ سوره نساء آیه 41

⁴ نووی، محبی الدین یحیی بن شرف بن مرئ، المنهاج شرح النووی علی مسلم، الرياض-السعودیه، بیت الأفكار الدولیه، ب.ت.ج 6 ص 329

⁵ سوره جمعه آیه 2

تلاوت کند و پاکیزه‌شان نماید و علم و حکمت به ایشان بیاموزد.

در ذیل به مهم‌ترین فضایل تعلیم و تعلم قرآن اشاره می‌شود:

2- تعلیم و تعلم قرآن انسان را بهترین می‌سازد، چنانچه در روایت آمده است: **عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»¹**

ترجمه: عثمان بن عفان - رضی الله عنه - می‌گوید: نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران، یاد بدهد.

3- آموختن و آموزاندن قرآن باعث به دست آوردن خزانه‌های خیر می‌شود، چنانچه در روایت آمده است: **عَنْ عَقْبَةَ بْنِ عَامِرٍ قَالَ خَرَجَ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَنَحْنُ فِي الصَّفَةِ فَقَالَ: أَيُّكُمْ يَحِبُّ أَنْ يَغْدُوَ كُلَّ يَوْمٍ إِلَى بَطْحَانَ وَالْعَقِيقِ فَيَأْتِي مِنْهُ بِنَاقَتَيْنِ كَوْمَاوِينَ فِي غَيْرِ إِثْمٍ وَلَا قَطْعِ رَحِمٍ، فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ كَلْنَا يَحِبُّ ذَاكَ قَالَ أَوْلَا يَغْدُو أَحَدَكُمْ إِلَى الْمَسْجِدِ فَيَتَعَلَّمُ أَوْ يَقْرَأُ آيَتَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ نَاقَتَيْنِ وَثَلَاثٍ وَأَرْبَعٍ خَيْرًا مِنْ أَرْبَعٍ وَمِنْ أَعْدَادِهِنَّ مِنَ الْإِبِلِ²**

ترجمه: عقبه بن عامر می‌گوید: رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - بیرون شد در حالی که ما در صفه بودیم، پس گفت: کدام یک از شما دوست دارد به سوی منطقه بطحان یا عقیق برود و از آنجا دو شتر کوفان دار را بدون گناه و قطع صلّه رحمی بیاورد، ما گفتیم تمام ما این را دوست داریم، او گفت: پس چرا یکی از شما صبح به سوی مسجد نمی‌رود و دو آیه از کتاب الله را بیاموزد یا بخواند؟ که این برایش بهتر از دو، سه و چهار شتر است بلکه بیشتر از چهار و تعداد زیادی از شترها.

4- کتمان و پوشانیدن آیات خداوند و اعراض کردن از دعوت و نشر پیام‌های الهی به مردم، موجب لعنت و دور شدن انسان از رحمت خداوند و همچنان باعث منفور قرار گرفتن انسان در نزد انسان‌ها می‌گردد، قرآن کریم در این مورد این‌گونه بیان می‌دارد: **﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾³**

1 بخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح البخاری، شماره حدیث: 5028)
2 نیشاپوری، مسلم بن الحجاج قشیری، (ت: 261 هـ - صحیح مسلم، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، چاپ 1403 هـ - 1983 م دار الفکر، بیروت. شماره حدیث:

ترجمه: بی گمان کسانی که پنهان می دارند آنچه را که از دلایل روشن و هدایت فرو فرستاده ایم ، بعد از آن که آن را برای مردم در کتاب (تورات و انجیل) بیان و روشن نموده ایم ، خدا و نفرین کنندگان (چه از میان فرشتگان و چه از میان مؤمنان انس و جان) ، ایشان را نفرین می کنند (و خواستار طرد آنان از رحمت خدا خواهند شد .

پس با در نظر داشت مفهوم آیه ذکر شده به این نتیجه می رسیم که تعلیم و دعوت و تبلیغ مفاهیم قرآن و عدم کتمان آن باعث قرار گرفتن انسان در ابعاد رحمت و مهربانی خداوند می شود و اعراض کردن از آن موجب این می شود تا هم انسان مورد لعنت خداوند قرار گیرد و هم در نزد مردم مورد نفرت و دوری قرار می گیرد.

نکته دیگری که در ادامه این آیه مشاهده می کنیم این است که خداوند برای کسانی که به کار دعوت و تبلیغ پیام خداوند نمی پردازند، شانس می دهد تا خود را از این فضیلت و برتری مستفید سازند چنانچه می گوید: ﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَاُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾¹

ترجمه: مگر کسانی که توبه کنند (از کتمان حق) و به اصلاح بپردازند و (آنچه را که از حقائق می دانستند و پنهان می کردند) آشکار سازند . چه توبه چنین کسانی را می پذیرم و من بسی توبه پذیر و مهربانم).

پس کسانی که تا هنوز نتوانستند به نشر و تبلیغ احکام قرآن بپردازند، و یا قصداً و خطئاً از نشر احکام و مسایل قرآنی ابا می ورزیدند برای شان فرصت داده شده است تا توبه کنند و خود را اصلاح کنند و همچنان به بیان آن چه که پنهان می کردند بپردازند و به اثر این توبه و پشیمانی شامل رحمت خداوند قرار گیرند و از لعنت خداوند و نفرین مردم خود را به دور سازند. همچنان الله متعال در مورد کسانی که به نشر و تبلیغ پیام الهی می پردازند چنین می گوید: ﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾²

ترجمه: آنان که تبلیغ رسالت خدا کنند و از خدا می ترسند و از هیچ کس جز خدا نمی ترسند و خدا برای حساب به تنهایی کفایت می کند.

1 سوره بقره آیه 160

2 سوره احزاب آیه 39

بناءً اگر مسلمانان حقوق قرآن را ادا نمایند و به قرآن توجه کنند قطعاً تحول و انقلاب شگفت انگیزی در زندگی‌شان پدید خواهد آمد. رمز موفقیت مسلمانان صدر اسلام در این بود که آنان در همه زمینه های فوق حق قرآن را ادا کردند و سربلند شدند.

مطلب پنجم: تعظیم و مرجع قرار دادن قرآن

از مظاهر و نشانه های تمسک به قرآن این است که یک مسلمان باید این کتاب بزرگ را تعظیم کند و به آن به گونه واقعی ایمان بیاورد، ایمان واقعی به قرآن، مظهر تعظیم این کتاب آسمانی است به همین خاطر الله متعال به کسانی که از قبل مومن هستند بار دیگر به ایمان آوردن خطاب می کند و می گوید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا﴾¹

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیغمبرش و کتابی که بر پیغمبر نازل کرده است و به کتابهایی که پیش تر (از قرآن) نازل نموده است ایمان بیاورید. هرکس که به خدا و فرشتگان و کتابهای خداوندی و پیغمبرانش و روز رستاخیز کافر شود (و یکی از اینها را نپذیرد) واقعاً در گمراهی دور و درازی افتاده است.

حتی اینکه ایمان به قرآن اول به پیامبر اسلام-صلی الله علیه وسلم- نسبت داده شده است و او اولین مومن به قرآن گفته شده است چنانچه می فرماید: ﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾²

ترجمه: فرستاده معتقد است بدانچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است و مؤمنان نیز بدان باور دارند. همگی به خدا و فرشتگان او و کتابهای وی و پیغمبرانش ایمان داشته (و می گویند): میان هیچ یک از پیغمبران او فرق نمی گذاریم و می گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو را خواهانیم، و بازگشت به سوی تو است.

1 سوره نساء آیه 136

2 سوره بقره آیه 285

همچنان از نشانه های بزرگ تمسک به قرآن این است که یک مسلمان آن را در تمام مسایل و احکام زندگی مرجع قرار دهد و هرگاه مسئله ای رخ بدهد جواب آن را از اولاً از قرآن کریم جستجو کند چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا¹﴾

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا (با پیروی از قرآن) و از پیغمبر (خدا محمد مصطفی با تمسک به سنت او) اطاعت کنید، و از کارداران و فرماندهان مسلمان خود فرمانبرداری نمائید (مادام که دادگر و حَقَّرا بوده و مجری احکام شریعت اسلام باشند) و اگر در چیزی اختلاف داشتید (و در امری از امور کشمکش پیدا کردید) آن را به خدا (با عرضه به قرآن) و پیغمبر او (با رجوع به سنت نبوی) برگردانید (تا در پرتو قرآن و سنت، حکم آن را بدانید. چرا که خدا قرآن را نازل، و پیغمبر آن را بیان و روشن داشته است. باید چنین عمل کنید) اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این کار (یعنی رجوع به قرآن و سنت) برای شما بهتر و خوش فرجام تر است.

در آیه فوق رجوع به کتاب الله بالای مسلمانان واجب گردانیده شده است چنانچه در تفسیر اضواء البیان می نویسد: «أمر الله في هذه الآية الكريمة، بأن كل شيء تنازع فيه الناس من أصول الدين وفروعه أن يرد التنازع في ذلك إلى كتاب الله وسنة نبيه صلى الله عليه وسلم»²

ترجمه: خداوند متعال در این آیه کریمه امر کرده است تا در هر چیزی از اصول و فروع دین که مردم در آن تنازع و اختلاف کردند، برای حل آن به کتاب الله و سنت پیامبرش-صلی الله علیه وسلم- مراجعه کنند.

از آیه فوق معلوم می شود که رجوع به کتاب الله واجب است و عدول به قیاس هنگام وجود نص قرآن جواز ندارد چنانچه امام رازی می نویسد: «هذه الآية دالة على أن الكتاب والسنة مقدمان على القياس مطلقاً ، فلا يجوز ترك العمل بهما بسبب القياس، ولا يجوز تخصيصهما بسبب القياس ألبتة ، سواء كان القياس جلياً أو خفياً ، سواء كان ذلك النص مخصوصاً قبل ذلك أم لا ، وهذا الأمر مطلق ، فثبت أن متابعة الكتاب والسنة سواء حصل قیاس يعارضهما أو يخصصهما أو لم يوجد واجبة ، و الامر صريح في أنه لا

1 سوره نساء ایه 59
2 شفقیطی، اضواء البیان ج 5 ص 48

يجوز العدول إلى القياس إلا عند فقدان الأصول»¹

ترجمه: این آیه دلالت کننده بر این است که کتاب و سنت مطلقاً بر قیاس مقدم می باشند و ترک عمل به آن ها به سبب قیاس جایز نیست و همچنان تخصیص آن ها به سبب قیاس جایز نمی باشد، برابر است که قیاس جلی باشد یا قیاس خفی و برابر است که نص قرآن یا سنت مخصوص باشد یا نباشد و این امر مطلق است، پس ثابت شد که متابعت کتاب و سنت واجب است و لوکه در مقابل آن قیاس یا تخصیص معارض واقع شده باشد یا اصلاً چیز دیگری وجود نداشته باشد، و این امر صریح است در اینکه عدول به قیاس جایز نیست مگر در نبود اصول.

مطلب ششم: آراسته شدن به اخلاق قرآنی

از مهم ترین نشانه های تمسک به قرآن این است که اهل قرآن خود را به اخلاق قرآنی آراسته کند، امام مسلم در یک حدیث دراز از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت می کند: وَعَنْ عَائِشَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - قَالَتْ: «كَانَ خُلُقُ نَبِيِّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْقُرْآنَ»²

ترجمه: از حضرت عایشه - - رضی الله عنها - - روایت شده است که گفت: اخلاق و آداب پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - قرآن بود.

آراسته شدن به اخلاق قرآنی به این مفهوم است که اهل قرآن تمام اخلاقیات نیک و پسندیده ای را که در قرآن کریم وجود دارد در خود پیاده کند و خود را الگو و قدوه بسازد به طور مثال در قرآن کریم هر آنچه ذکر می شود که خداوند متعال آن را دوست دارد، اهل قرآن باید تلاش کند که آن عمل را در خود پیاده کند چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾³

ترجمه: همانا خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد. در اینجا تصریح شده است که خداوند توبه و پاکی را دوست دارد، پس اهل قرآن باید تلاش کند که همیشه از گناهانش توبه کند و همواره در هر چیز پاکی را مراعات کند، همچنان آنچه را که خداوند دوست ندارد، سعی کند آن را ترک کند، چنانچه

1 رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ج 10 ص 107
2 نیسابوری، أبو الحسن بن مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری، صحیح مسلم، دار الجیل بیروت، شماره حدیث: 2996
3 سوره نساء آیه 222

خداوند متعال فرموده است: ﴿وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾¹.

ترجمه: و در زمین بدنبال تباهاکاری مباش که خداوند تباهاکاران را دوست ندارد) همچنان اهل قرآن باید خشیت و خوف را از آیاتی که در آن ها از جهنم، قیامت و غیره انذار شده است، در نفس خود پیدا کند، به طور مثال الله متعال می فرماید: ﴿لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَّاسٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾²

ترجمه: اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم همانا آن را از ترس خدا کرنش کنان و از هم پاشیده می دیدی، و این مثال ها را برای مردمان بیان می داریم تا که ایشان بیندیشند)، پس زمانی که صاحب قرآن این آیه را می خواند باید در دل او ترس و خشیت ایجاد شود و تقوای الهی در او شکل گیرد، چنانچه در کتاب «اخلاق حملة القرآن» می نویسد: «فَالْمُؤْمِنُ الْعَاقِلُ إِذَا تَلَا الْقُرْآنَ اسْتَعْرَضَ ، فَكَانَ كَالْمِرَاةِ يَرَىٰ بِهَا مَا حَسَنَ مِنْ فِعْلِهِ ، وَمَا قَبِحَ فِيهِ ، فَمَا حَذَرَهُ مَوْلَاهُ حَذَرَهُ ، وَمَا خَوَّفَهُ بِهِ مِنْ عِقَابِهِ خَافَهُ ، وَمَا رَغِبَهُ فِيهِ مَوْلَاهُ رَغِبَ فِيهِ وَرَجَاهُ»³

ترجمه: پس شخص مومن عاقل هنگامی که قرآن را می خواند، خودش را در معرض آن قرار می دهد و قرآن را شبیه یک آینه می سازد که حسن و قبح افعال خود را در آن می بیند، آنچه مولایش او را برحذر داشته و یا او را از آن ترسانده است، از آن می ترسد و آنچه که مولایش به انجام آن او را ترغیب کرده است، علاقه مندش می شود و به آن امیدوار می گردد.

1 سوره قصص آیه 77

2 سوره حشر آیه 21

3 آجری، اخلاق حملة القرآن ص 28

فصل سوم

آثار و پیامدهای تمسک به قرآن در زنده گی یک مسلمان

در این فصل آثار، نشانه ها و پیامدهای مثبت تمسک و چنگ زدن به قرآن تذکر داده می شود که شامل چند مبحث و چند مطلب می باشد.

مبحث اول: تاثیرات معنوی تمسک به قرآن.

مطلب اول: تاثیرات ایمانی و فکری تمسک به قرآن

عمده ترین نیرویی که بالای انسان تاثیر دارد، ایمان فکر و طرز تفکر و پنداشت او می باشد و تمام اعمال و کارکردهای انسان نتیجه افکار و باور های او است که در سر می پروراند، قرآن کریم در قدم نخست اصلاح عقیده و اندیشه را هدف قرار داده و می خواهد شیوه تفکر انسان را تغییر دهد، و انسان را آگاه می سازد که در آفرینش و هدایت او نقش دارد که هیچ لحظه ای از گوشه های زنده گی و طرز رفتار و کردارش از او پنهان نیست، او همواره نظاره گر و مراقبت کننده است و با ندای **يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ**¹

ترجمه: ای انسان چه چیز تو را در برابر پروردگارت مغرور ساخته است؟

آیه های بی شماری در قرآن وجود دارند که نشان می دهند اعمال و کردار انسان همواره زیر نظر و ترصد خداوند و فرشتگانش هستند و تنها این مفهوم که خداوند بیننده اعمال و آگاه همه چیز است **إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ** (همانا خداوند به آن چه که شما انجام می دهید بینا است) ، بیش از (41) بار در سوره های مختلف قرآن با چهار صفت دلالت کننده بر آگاهی تکرار شده است.

همچنان خداوند متعال در قرآن کریم به اشکال گوناگون خواسته است نهال عقیده مستحکم ایمان به زنده گی مجدد را در آخرت در ذهن و مغز انسان، غرس نموده و با تکرار و توالی می خواهد آن را به

¹ سوره انفطار آیه 6

حدی رشد دهد که این تفکر در تغییر و تحول عملی او نقش اساسی داشته باشد و اعمال او را به گونه‌ی اداره کند که در هر قدمی کارش سنجش و محاسبه روز قیامت و بهشت و جهنم را مد نظر بگیرد.

قرآن کریم برای رشد و تقویه اندیشه آخرت روش هایی را بیان نموده است که ذیلاً ارایه می گردد:

1- **ترس از قیامت:** آیات بی شماری در قرآن کریم وجود دارند که ایمان و فکر انسان را به ترس از قیامت انگیزه می دهند و این تاثیر بزرگی در تغییر تفکر و اندیشه انسان دارد، به طور مثال، خداوند متعال در اولین آیه سوره حج این گونه جهانیان را مورد خطاب قرار می دهد: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا

رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ¹

ترجمه: ای مردم جهان! از پروردگار تان بترسید چون زلزله و رویداد لحظه قیامت خیلی چیز بزرگ است.

اگر تفکر و اندیشه ترس از سختی های روز قیامت، ذهن یک انسان را مشغول سازد، هیچگاه او فرصتی نمی یابد تا ظلمی را مرتکب شود و ارزش های دیگران را زیر پا کند، این تصور نفس اماره انسان را مغلوب و عقل سلیم را فرمان ده می سازد که در نتیجه آن فرد می تواند از خواهشات نفسانی اش جلوگیری کند.

2- **ترس محاسبه اعمال:** این موضوع نیز به طور گسترده و وسیع در قرآن شامل گردیده است مثال واضح آن اولین آیه سوره انبیاء است ﴿أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ²

ترجمه: روز حساب گیری مردمان خیلی نزدیک شده است در حالی که آنان در غفلت و بی خبری به سر می برند و همواره از هشدارها اعراض کننده هستند.

3- **پرسش از نعمت ها:** مورد دیگری که قرآن می خواهد انسان را تذکر دهد، مسئله پرسش از نعمت های گوناگون مادی و معنوی است که در دنیا آن را به کار می برد و با روش های مختلف از آن ها لذت می برد، احساس و انگیزه پرسش از نعمت ها نیز می تواند در اصلاح و تغییر نفس نقش داشته

¹ سوره حج آیه 1
² سوره انبیاء آیه (1)

باشد، خداوند می فرماید: ﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾¹

ترجمه: و سپس حتماً و به گونه جدی شما در آن روز، از نعمت ها پرسیده می شوید.

امام ابن کثیر-رحمه الله- دمشقی در ذیل تفسیر این آیه² احادیث و اقوال زیادی را از سلف نقل نموده است چنانچه روایتی را به سند مرفوع از ابن مسعود روایت می کند که مراد از نعمت ها، امنیت و صحتندی است. همچنان از علی بی ابی طلحه³ به روایت ابن عباس نقل می کند که او گفته است: مراد از نعمت ها صحت بدن، قوه شنوایی و بینایی است که در روز قیامت از چه گونه گی استعمال و استفاده آن ها پرسیده می شود، هر چند خداوند خودش از همه چیز با خبر و آگاه تر است چنانچه در آیه دیگر آمده است: ﴿إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾⁴

ترجمه: یقیناً نیروی شنوایی، بینایی و قلب انسان همه مورد باز پرس قرار می گیرند.

4- **انذار از عذاب جهنم:** موضوع ترس و انذار از عذاب جهنم در سوره های مختلف قرآن کریم به

کرات و مرات تکرار شده است که به عنوان مثال الله متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا

فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾⁵

ترجمه: و کسی که یک نفر مومن را عمداً به قتل برساند، پس جزای او جهنم است که برای همیشه در آنجا می ماند، و خداوند بالای او خشمناک شده و او را لعنت کرده است و برایش عذاب بزرگی را آماده کرده است.

در این آیه قسمی که معلوم است برای این گناه بزرگ شدیدترین جزا تعیین گردیده است که شامل ورود به جهنم، همیشه بودن در آن، نزول غضب، لعنت و عذاب بزرگ است، پس هرگاه یک انسان قتل را سبب خلود در جهنم بداند، هیچگاه چنین شخصی جرئت کشتن یک فرد بی گناه را نخواهد کرد.

5- **دیدار و ملاقات با خداوند:** وسیله دیگری که قرآن می خواهد آن را در ذهن و فکر انسان جای گزین

¹ سوره تکوین آیه (8)

² ابن کثیر-رحمه الله-، ابو الفداء اسماعیل، تفسیر قرآن العظیم، انتشارات دار طبیه للنشر و التوزیع، 1420 هـ 1999 م. ج 8، صفحه 477.

³ علی بن ابی طلحة: سالم بن المخارق القرشی الهاشمی، کنیه اش أبو الحسن، أبو محمد و أبو طلحة گفته شده و از طبقه ششم تابعین است که در سال

143 هـ وفات کرده است. شذرات الذهب، ج 5 ص 235

⁴ سوره اسرا آیه (36)

⁵ النساء (93)

کند، حقیقت ملاقات و رو به رو شدن به خداوند است و این مطلب نیز در جای قرآن تذکر داده شده است چنانچه بیان می دارد: ﴿ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ۗ¹

ترجمه: ای انسان همانا تو تا رسیدن به پروردگارت زحمت و تکلیف فراوانی را می کشی و سرانجام به او رو به رو می شوی.

زمانی که باور ملاقات به خداوند نیز در انسان به گونه درست شکل بگیرد، دیگر جرئت بسا از اعمال خلاف و نامشروع را نخواهد کرد و هرگاه افراد جامعه همه به این باور باشند، آرامش و سکون همه جارا فرا خواهد گرفت.

6- بی ارزش نشان دادن دنیا و تشویق به بهشت: قرآن کریم دنیا و لذایذ آن را در نظر انسان بی ارزش نشان می دهد و لجام فکر انسان را به زیبایی های بهشت می برد جایی که نظیر آن را نه چشمی دیده، نه گوشی شنیده و نه به دلی کسی خطور کرده است²، و این امر تاثیرات زیادی در تغییر فکر و اندیشه انسان دارد چنانچه می گوید: ﴿ وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۗ³

ترجمه: و این زندگی فعلی شما جز بازی و سرگرمی نیست و یقیناً جهان آخرت زنده گی حقیقی است اگر انسان ها بدانند.

و همچنان الله متعال می فرماید: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ۗ⁴

¹ .سوره انشقاق آیه (6)

² این مطلب در حدیثی آمده است که امام بخاری روایت کرده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَعْدَدْتُ لِعِبَادِي الصَّالِحِينَ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ، وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ، وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ، دُخْرًا بَلَاءَ مَا أُطْلِعْتُمْ عَلَيْهِ» ثُمَّ قَرَأَ ﴿ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۗ » (سوره سجده آیه 17) صحیح البخاری، حدیث شماره: 4780.

ترجمه: ابوهریره - رضی الله عنه - می گوید: نبی اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: «خداوند متعال می فرماید: برای بندگان نیکوکارم، نعمت هایی فراهم و ذخیره کرده ام که هیچ چشمی آنها را ندیده و هیچ گوشی آنها را نشنیده و به قلب هیچ انسانی خطور نکرده است. و این نعمت ها غیر از آن نعمت هایی است که شما از آنها اطلاع دارید». سپس رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - این آیه را تلاوت کرد: ﴿ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۗ ﴾ یعنی هیچ کس نمی داند در برابر کارهایی که انجام می دهد، چه نعمت های مسرت بخشی برایش، نهفته است.

³ .سوره عنکبوت آیه (64)

⁴ .سوره حدید آیه 20

ترجمه: بدانید که زندگی دنیا تنها بازی، سرگرمی، آرایش و پیرایش، فخر و ناز در میان همدیگر و مسابقه در افزایش اموال و اولاد است و بس. دنیا همچو باران است که گیاهان آن، کشاورزان را به شگفت می آورد، سپس گیاهان رشد و نمو می کنند و بعد گیاهان را زرد و پژمرده خواهی دید، و آنگاه خرد و پرپر می گردند. در آخرت عذاب شدیدی (برای دنیاپرستان) و آمرزش و خوشنودی خدا (برای خداپرستان) است. اصلاً زندگی دنیا چیزی جز کالای فریب نیست.

به این ترتیب قرآن می خواهد ارزش و اعتبار نعمت های این جهان را در برابر چیزهایی که خداوند برایش آماده کرده است خیلی ناچیز و اندک نشان دهد چون خداوند می داند که اصلی ترین عامل جنگ، فساد و صدها بدبختی دیگر که انسان ها انجام می دهند طلب و جست و جوی مال و متاع دنیا است، به همین منظور به جای فرو رفتن و انغماس در ناز و آسایش دنیوی او را به چیز بهتر و بزرگ تر تشویق می کند و جهان بینی اش را وسیع تر و فراخ تر می سازد¹، چنانچه در آیه دیگر امر می کند که برای به دست آوردن جنت با هم مسابقه کنند: ﴿سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾²

ترجمه: باهم د برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن به سان پهنای آسمان و زمین است و برای کسانی آماده شده است که به خدا و پیغمبرانش ایمان داشته باشند؛ مسابقه کنید! و این داد و بخشش خدا است که به هر کس بخواهد آن را می دهد و خدا دارای عطای بزرگ و فراوان است.

البته قابل یاد آوری است که بی ارزش نشان دادن دنیا به معنای ترک جامعه و رهبانیت و همچنان به معنای عدم تلاش و کسب رزق و روزی نیست بلکه هدف این است که انسان برای به دست آوردن اهداف و مقاصد خود در دنیا که چندان ارزشی برایش ندارند و رو به زوال هستند، مرتکب ظلم، وحشت و تجاوز به حقوق دیگران نشود، چون قرآن تلاش و جستجوی رزق را عبادت می خواند چنانچه با عبارت بلیغ بیان می دارد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ

1 ابن کثیر-رحمه الله-، تفسیر القرآن العظیم، ج 8 ص 24، مراغی، احمد بن مصطفی (ت: 1371هـ) تفسیر المراغی، شرکة مکتبة و مطبعة مصطفی البابی الحلبي و اولاده بمصر، ط: الاولى، 1365-1947 م. ج 4، ص 69
2. سوره حدید آیه 21

كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ¹

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! چون در روز جمعه برای نماز ندا داده شد به یاد خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید اگر بدانید این برایتان بهتر است؛ آن گاه چون نماز ادا شد، در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بجوئید و خداوند را بسیار یاد کنید تا شما رستگار شوید.

به هر صورت تمسک به قرآن کریم تأثیرات ایمانی زیادی در انسان ایجاد می کند چنانچه در روایتی آمده است: عن أبي موسى²-رضي الله عنه- عن النبي -صلى الله عليه وسلم- المؤمن الذي يقرأ القرآن ويعمل به كالأترجة، طعمها طيب وريحها طيب. والمؤمن الذي لا يقرأ القرآن ويعمل به كالتمر طعمها طيب ولا ريح لها. ومثل المنافق الذي يقرأ القرآن كالريحانة، ريحها طيب وطعمها مر. ومثل المنافق الذي لا يقرأ القرآن كالحنظلة طعمها مر، أو خبيث، وريحها مر³

ترجمه: ابو موسی اشعری - رضي الله عنه - می گوید: نبی اکرم - صلى الله عليه وسلم - فرمود: «مؤمنی که قرآن می خواند و به آن عمل می کند مانند ترنجی است که هم طعم خوبی دارد و هم از بوی خوشی برخوردار است. و مؤمنی که قرآن نمی خواند ولی به آن، عمل می کند مانند خرمايي است که طعم اش شیرین است ولی بویی ندارد. و مثال منافقی که قرآن می خواند، مانند ریحانی است که بویش خوب ولی طعم اش، تلخ است. و مثال منافقی که قرآن نمی خ واند، مانند حنظله (هندوانه ابوجهل) است که هم طعم اش، تلخ یا ناپاک است و هم بوی تلخی دارد.

مطلب دوم: تأثیرات دعوتی و اصلاحی تمسک به قرآن

تمسک به قرآن تأثیرات بزرگ در قسمت دعوت و اصلاح جامعه دارد و در این بخش مسایل بسیاری قابل ذکر است اما در این مطلب به ذکر چند مسئله مهم که نشان دهنده تأثیرات دعوتی و اصلاحی تمسک به قرآن کریم است، اکتفا می شود و آن عبارت از بیان ارکان اصلاح در قرآن کریم است، قرآن کریم برای آوردن اصلاح و تغییر چند رکن مهم را اساس گذاشته است که آن ها عبارت اند از:

1 سوره جمعه آیه 9-10

2 ابو موسی اشعری: علی بن اسماعیل بن ابی بشر اسحاق بن سالم بن اسماعیل بن عبدالله بن موسی بن بلال بی ابی برده بن ابی موسی عبدالله بن قیس اشعری (بصری) ابو الحسن از علمای متکلمین صاحب تصانیف زیاد میباشد، فرقه اشعریه به وی منسوب میباشد در بصره بدنیا آمده و در بغداد سکونت داشت بالای معتزله، شیعه، جهمی، خوارج .. رد کرده است سال 330 در بغداد وفات نموده از تألیفات وی الفصول فی الرد علی الملحدین والخارجین عن الملة، خلق الاعمال، الرد علی المجسمة، الرد علی ابن الراوندي فی الصفات والقرآن، التبیین عن أصول الدین میباشد. طبقات الشافعیین ج 7 ص 35.

3 بخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح البخاری، شماره حدیث: 5059

1- وجود مصلح و دعوتگر آگاه: از نظر قرآن کریم رکن مهم در اصلاح وجود مصلح آگاه است، چون هر کس نمی‌تواند مدعی اصلاح جامعه و رفع مفساد باشد بناءً بصیرت و آگاهی اولین قاعده در اصلاح است و باید فعالیت اصلاحی از روی آگاهی و بصیرت باشد، به این مفهوم که دعوتگر باید شخص بیدار و هوشیار باشد و خود را از قضاایا، ملاحظات و تقاضاهای زمان خود آگاه کند و همواره اخبار و ما جراهای روزگار خویش تعقیب نموده و میزان آگاهی و معلومات خود را در مسایل مختلف افزایش دهد، زیرا کسی که با جاهلیت آشنایی نداشته باشد، نمی‌تواند اسلام را آنطور که شایسته آن است، بشناسد¹.

الله متعال در مورد اهمیت آگاهی مصلحان چنین می‌فرماید: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾²

ترجمه و مفهوم: بگو: این است راه من این دعوتی که به سوی آن فرامی‌خوانم و این راه و روشی که بر آن هستم، راه من است؛ یعنی سنت من است. سپس این «راه» را چنین تفسیر می‌کند: «با بصیرت به سوی خدا دعوت می‌کنم» بصیرت را برخی مفسران این‌گونه تعریف کرده‌اند: «فالبصيرة هي يقين ونور مبني على برهان من القلب؛ فيطيعه العبد طاعة بتفويض، ويُقال: إن الإيمان طاعة بصيرة»³.

ترجمه: بصیرت همان یقین و نوری است که از برهان قلبی ناشی می‌گردد و در نتیجه بنده با قناعت کامل اطاعت می‌کند، علما می‌گویند که ایمان عبارت است طاعت به گونه بصیرت است.

عبدالکریم زیدان⁴ در کتاب مشهورش «اصول الدعوة» می‌نویسد: «المطلوب من الداعي المصلح أن يدعو الله على بصيرة بالوسائل والكيفيات المشروعة التي بيّنها القرآن الكريم وطبقها الرسول صلى الله عليه وسلم، فإذا أدت هذه الوسائل إلى أذى يصيب الداعي، فعليه أن يتقبله بالصبر لا بالجزع، وبالثبات لا بالفرار»⁵.

1 قرنی، دکتور عائض القرنی، فنون دعوت، دکتور عائض القرنی، مترجم: عبدالقادر ترشابی، صفحه 26

2 سوره یوسف آیه 108

3 شعراوی، محمد متولی، تفسیر الشعراوی للقرآن العظیم، المكتبة الشاملة اصدار 3.32 صفحه 450

4 عبدالکریم زیدان، فرزند بیج العانی که در سال 2014 وفات نمود، فقیه عراق و یکی از علماء معاصر اهل سنت و متخصص اصول فقه و شرعیات که یک زمانی مسولیت مراقبت عامه جماعت اخوان المسلمین را به عهده داشت و همچنان در سال 1968 وزیر حج و اوقاف کشور عراق بود. منبع:

سایت (www.wikipedia.com)

5 زیدان، عبدالکریم، أصول الدعوة، مؤسسة الرسالة، چاپ نهم، 1421هـ-2001م صفحه 352

ترجمه: از دعوتگر مصلح مطلوب است تا به سوی خداوند با بصیرت و آگاهی کامل و با استفاده از وسایل و روش های مشروع که در قرآن کریم بیان شدن و پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم آن را تطبیق کرده است، دعوت کند و هنگامی که این وسایل موجب آزار و اذیت داعی شد، بر او لازم است تا با صبر و حوصله مندی با آن تعامل کند نه با جزع و فریاد و در این راستا ثبات و استقامت و از فرار بپرهیزد.

2- **مراعات حکمت در امر اصلاح:** حکمت در حقیقت به معنی گذاشتن هر چیزی در جای خودش است، و این تعریف عام بوده اقوال، افعال و سایر تصرفات را شامل می شود و چون مراد ما از حکمت در اینجا حکمتی است که دعوتگر باید به آن متصف باشد لذا غالباً یا حکمت در گفتار است آن هم در وادی علم و موعظه و یا حکمت در برخورد با دیگران است به منظور تشویق آنها به نیکی و بازداشتن از بدی. جرجانی در «التعريفات» گفته: هر کلامی که موافق حق و حقیقت باشد حکمت است.¹ و در قرآن کریم الله متعال می گوید: ﴿يُوتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا²

ترجمه: خداوند دانش را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می دهد و هر کس که به او دانش داده شده است خیر فراوانی داده شده است.

خداوند در این آیه «خیر» و «حکمت» را به هم ربط داده و وجه این ارتباط این است که حکمت معانی گفتار لغزش ناپذیر و کردار و استوار را شامل می شود.

اهمیت مراعات حکمت و نرمش در کار و فعالیت اصلاحی از آیه ﴿ادع إلى سبيل ربك بالحكمة..﴾ و همچنان از آیه ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا..﴾ گرفته شده است، مفسران قرآن کریم نظر به معانی و مفاهیم حکمت در ذیل آیه متذکره اهمیت در نظر داشت حکمت را در دعوت و اصلاح به گونه گسترده مورد بحث قرار داده اند چنانچه سید قطب رحمه الله در ذیل تفسیر این آیه می نویسد: «قرآن مجید اصول و ارکان دعوت را بر همچون پایه هائی استوار و پایدار می سازد، و وسائل دعوت و راه های آن را مشخص می گرداند، و برنامه و مسیر را برای پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بزرگوار، و بعد از او برای دعوت کنندگان به سوی آئین متین و استوارش، تهیه و ترسیم می کند. پس باید به قانون و راهکاری بنگریم که خداوند

1 جرجانی، علی بن محمد بن علی الجرجانی، التعريفات، دار الكتاب العربي - بيروت طبع اول، 1405. تحقیق: ابراهیم الأیباری. صفحه 124
2 سوره بقره آیه 269

در این قرآن برای دعوت تعیین و تاکید کرده است، پس دعوت و اصلاح باید با حکمت باشد. دعوت کننده باید به اوضاع و احوال مخاطبان و به شرائط و ظروف آنان بنگرد، و دقت داشته باشد هر بار چه اندازه باید مطالب و مقاصد را برای ایشان روشن و بیان کند تا بر دوش ایشان سنگینی نکند و پیش از آمادگی مردمان برای پذیرش تکالیف و وظائف، برایشان دشواری به بار نیاورد. دعوت کننده باید راه و شیوه ای درکار دعوت درپیش گیرد که رنج و زحمتی برای مخاطبان تولید نکند، و در این راه و شیوه هم تنوع را برابر مقتضیات مراعات نماید و آن گونه که باید سخن سراید. احساسات او را نگیرد، و پرخاش و تاخت نداشته نباشد. چه اگر چنین نکند، در همه اینها و درکارهای دیگر از حکمت درمی گذرد»¹

با در نظر داشت تاکیدات قرآن کریم و احادیث گهر بار رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- قاعده حکمت و در نظر گرفتن اصول مدارا، آسان گیری و رفتار ملایم و نرم در برابر کسانی که فرد مصلح می خواهد در اخلاق و عقاید آنان اصلاح بیاورد از اهمیت ویژه ای برخوردار است، چیزی که هیچ یک از مصلحان نمی توانند از آن مستغنی و بی پروا باشند، به همین خاطر است که خداوند متعال زمانی که موسی و هارون علیهما السلام را به سوی فرعون فرستاد آنان را به نرمی کردن در مقابل او امر کرده و فرمود: ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾²

سپس به نرمی با او (درباره ایمان) سخن بگوئید، شاید (غفلت خود و عظمت خدا را) یاد کند و (از عاقبت کفر و طغیان خویش و عذاب دوزخ) بهراسد.

و به سبب این نرمش بود که موسی علیه السلام در برابر فرعون سرسخت و متکبر پیروز شد و قومش را از زیر یوغ او نجات داد.

3- **پند و موعظه به روش حسن:** در تعریف گذشته از حکمت ملاحظه می شود که موعظه به شیوه نیک و جدال به بهترین شیوه از بارزترین مصادیق داخل در مفهوم حکمت هستند ولی برای تعریف و توضیح بیش تر شایسته است که به صورت خاص ذکر شوند زیرا آیه در صدد بسط و تفصیل مفهوم حکمت است و به همین خاطر این دو مصداق در آیه فوق به صورت خاص ذکر گردیده است: ﴿أَدْعُ

1 سید قطب. فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرم دل، سال چاپ 1387 هجری، ناشر: نشر احسان تهران.. صفحه 181

2 سوره طه آیه 41

إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ¹

به وسیله حکمت و به وسیله اندرزهای نیکو به سوی راه پروردگارت دعوت کن!

اصل در موعظه به نیکی این است که گفتاری باشد که روان مخاطب را نرم و آماده انجام افعال نیک و اجابت دعوت داعی گرداند، موعظه از ریشه و عطف گرفته شده است و واژه و عطف و ادار نمودن به چیزی است که با بیم دادن همراه است چنانچه راغب اصفهانی می نویسد: «وعظ تذکر و یادآوری سخنی است که با خیر و خوبی همراه باشد که قلب و دل را لطیف و روشن سازد چنانچه خداوند می فرماید ﴿يَعْظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾² یعنی خداوند شمار را پند می دهد تا به یاد آورید»³

ابن کثیر-رحمه الله-رحمه الله - می نویسد: «وَالْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ» أي: بما فيه من الزواجر والوقائع بالناس ذكرهم»⁴

ترجمه: منظور از موعظه حسنه بیان حوادث و رویداد های هست که باعث زجر و پندگیری مردم می شود.

همچنان در تفسیر «الوسيط» می نویسد: «والموعظة الحسنة، وسيلة ثانية للدعوة إلى الله - تعالى - أي : وادعهم - أيضا - إلى سبيل ربك بالأقوال المشتملة على العظات والعبر التي ترقق القلوب ، وتهذب النفوس ، وتقنعهم بصحة ما تدعوهم إليه ، وترغبهم في الطاعة لله - تعالى - وترهبهم من معصيته»⁵

ترجمه: موعظه حسنه دومین وسیله برای دعوت الی الله است و مفهوم آیه این است که مردم را به سوی راه پروردگارت به اقوال و سخنانی دعوت کن که مشتمل بر پندها و عبرت ها باشند و دل ها را نرم و نفس ها را پاک گرداند و همچنان باعث قناعت آنان به صحت آن چه شود که تو آنان را به سویش دعوت می کنی و نیز آنان را به طاعت الله ترغیب کنی و از معصیتش برحذر داری.

1 سوره نحل آیه 125

2 سوره نحل آیه 90

3 راغب اصفهانی، حسین بن محمد (م ۳۹۶-۴۰۱) تحقیق صفوان عدنان، المفردات فی غریب القرآن، ط: الأولى، 1412، دارالقلم، دمشق. ج 2 ص 523

4 ابن کثیر-رحمه الله-، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: سامی بن محمد سلامة، دار طيبة، طبع دوم، 1420هـ - 1999 م ج 3 ص 613

5 طنطاوی، د. سید محمد، التفسیر الوسیط، ج 1 ص 2583

امام بیضاوی-رحمه الله-¹ می نویسد: «والأولى- أى الحكمة- لدعوة خواص الأمة الطالبین للحقائق، والثانية- أى الموعظة- لدعوة عوامهم».²

ترجمه: وسیله اول (حکمت) برای دعوت انسان های خاص امت مانند جست و جو گران حقایق به کار برده می شود و دوم (موعظه حسنه) برای دعوت عموم مردم.

همچنان رشید رضا در تفسیر المنار می گوید: «فَالْحِكْمَةُ مَا يُدْعَى بِهِ الْعُقَلَاءُ وَأَهْلُ النَّظَرِ مِنَ الْبَرَاهِينِ وَالْحُجَجِ ، وَالْمَوْعِظَةُ مَا يُدْعَى بِهِ الْعَوَامُّ السُّدُجُ»³

ترجمه: منظور از حکمت وسیله ایست که عقلا و اهل نظر توسط دلایل و حجت های قانع کننده دعوت می شوند و مراد از موعظه چیزی است که عوام و مردمان عادی توسط آن دعوت می شوند.

پس یکی از شیوه های اصلاح در قرآن موعظه نیک و نرمی در سخن و تشویق مخاطب به وجه احسن است چنانچه خداوند متعال به حضرت موسی علیه السلام می گوید: ﴿ اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ *

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ ۙ﴾⁴

ترجمه: به سوی فرعون بروید چرا که او طغیان و سرکشی کرده است * با سخن نرم با او سخن بگوئید، شاید متذکر شود یا از خدا بترسد.

4- **جدال و گفتگوی نیک:** اصل دیگر که در مورد اصلاح در قرآن کریم به آن تمرکز شده است، مجادله نیکو یعنی گفت و گو و کشمکش لفظی بدون پرخاش است، جدل در اصل به معنی احتجاج و دلیل آوردن است جهت اثبات رأی خود و رد مخالف می باشد، بنابراین جدل: گفتگو و تبادل ادله و مناقشه بر سر آن ادله است. و دامنه اش از خصومت وسیع تر است زیرا مخاصمه نیز از آن جهت که تبادل کلامی و برهانی است نوعی جدل محسوب می شود. به همین علت جرجانی در «التعريفات» گفته است: «جدل یعنی خصم و دشمن را از اینکه بتواند فساد و تباهی گفته ما را بوسیله

1 بیضاوی: عبدالله بن عمر بن محمد بن علی الشیرازی أبو سعید ،ناصرالدین البیضاوی ، در شهر بیضاء فارس در سال 691 تولد شده است و یکی از مفسرین مشهور بود. الزرکلی ، خیر الدین بن محمود الأعلام ، ج: 4 ص: 110 .

2 بیضاوی، ناصر الدین أبو سعید عبد الله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، الطبعة، الأولى، دار إحياء التراث العربی 1418 هـ. صفحه 267

3 رشید رضا، محمد رشید بن علی رضا، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار) هیئة المصریة العامة للكتاب، 1990م. ج 3 ص 216

4 سوره طه آیه: 43 - 44

یک دلیل یا شبهه و یا به منظور اثبات گفته خودش ثابت کند، باز داریم»¹

در تفسیر وسیط آمده است: «وجادل المعاند منهم بالطريقة التي هي أحسن الطرق وأجملها ، بأن تكون مجادلتك لهم مبنية على حسن الإقناع ، وعلى الرفق واللين وسعة الصدر فإن ذلك أبلغ في إطفاء نار غضبهم ، وفي التقليل من عنادهم ، وفي إصلاح شأن أنفسهم ، وفي إيمانهم بأنك إنما تريد من وراء مجادلتهم ، الوصول إلى الحق دون أي شيء سواه»²

ترجمه: مفهوم جدال احسن این است که با طرف مقابل با طریقه ای تعامل کن بهترین و نیکوترین روش ها باشد و جدال تو مبنی بر حسن قناعت، رفق و نرمی و سعه صدر باشد چون این روش بهترین و مؤثرترین روش برای خاموش سازی آتش غضب مخالفین، کاهش دادن مخالفت و اصلاح نمودن آنان است و در افزایش ایمان آنان تاثیر دارد زیرا هدف دعوتگر از این مجادله رسیدن به حقیقت است و بس.

همچنان علامه رشید رضا³ در تفسیر المنار می نویسد: «وَالْجِدْلُ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ لِلْمُتَوَسِّطِينَ الَّذِينَ لَمْ يَزْتَقُوا إِلَى الْإِسْتِعَادِ لِطَلَبِ الْحِكْمَةِ وَلَا يَنْقَادُونَ إِلَى الْمَوْعِظَةِ بِسُهُولَةٍ ، بَلْ يَبْحَثُونَ بَحْثًا نَاقِصًا ، فَلَا بُدَّ مِنَ الْحُسْنَى فِي مُجَادَلَتِهِمْ وَمُخَاطَبَتِهِمْ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ»⁴

ترجمه: جدال به روش احسن برای دعوت انسان های متوسط به کار گرفته می شود که تا هنوز به درجه ای نه رسیده اند که در دعوت آنان از حکمت کار گرفته شود و همچنان به آسانی به موعظه حسنه گوش نمی دهند بل که در جستجوی بحث و مناقشه هستند، پس در دعوت آنان باید از حسن کشمکش کار گرفته شود و به انداز عقل و استعداد شان با آنان سخن گفته شود.

شهید سید قطب -رحمه الله- در ذیل تفسیر این آیه می نویسد: «داعی و اصلاحگر باید مجادله و مباحثه را به شیوه ای هرچه بهتر، و با دلایل بسی قویتر و رساتر انجام دهد. در مجادله و مباحثه چیزی را بر طرف مقابل تحمیل نسازد، و او را خوار ندارد و زشت نشمارد. تا طرف مقابل به دعوت کننده

1 جرجانی، علی بن محمد بن علی الجرجانی، التعريفات، دار الكتاب العربي - بيروت طبع اول، 1405. تحقیق: ابراهیم الأبیاری. صفحه 101

2 طنطاوی، د. سید محمد، التفسیر الوسیط، صفحه 2583

3 محمد رشید رضا در سال 1865م در روستایی از اطراف طرابلس در کشور لبنان به دنیا آمد. دروس مقدماتی را نزد پدرش که از روحانیون روستا و امام جماعت مسجد بود، فراگرفت و به حفظ آیات قرآن کریم پرداخت. سپس به طرابلس رفت و در مدرسه‌ی ابتدایی «الرشیدییه» که از مدارس دولتی بود، به تحصیل مشغول شد. در سال 1882م به مدرسه‌ی «الوطنیة الاسلامیة» رفت. رشید رضا به سال 1935م در مصر درگذشت. رشید رضا نویسنده‌ای پرکار است، که از او آثار قلمی نسبتاً چشمگیری به یادگار مانده که عمده‌ی آنها عبارتند از: تفسیر القرآن الکریم مشهور به تفسیر المنار؛

معجم المفسرین (من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر) عادل نویهض، بیروت - لبنان لطبعة: الثالثة، 1409 هـ 2 ج 2 ص 529

4 رشید رضا، محمد رشید بن علی رضا، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار) 1990م. هیئة المصریة العامة للکتاب ج 3 ص 216

اطمینان پیدا کند و بدانکه هدف او از مباحثه و مجادله چیره شدن و غالب آمدن نیست. بلکه هدفش قانع کردن و به حق رساندن است. چه نفس انسان دارای خود بزرگ بینی و سرکشی است، و از رای و نظریه ای که از آن دفاع میکند دست نمی کشد مگر با نرمی و مهربانی. زیرا نمی خواهد احساس کند که شکست خورده است.¹

بحث و جدال در این آیه، هم شامل مسلمانان می شود هم غیر مسلمانان به این اساس اگر فردی می خواهد به اصلاح بین المللی و جهانی بکوشد و مخاطبش پیروان سایر ادیان باشد، باید با رفتار نیک با آنان برخورد کنیم و با حکمت، موعظه ی حسنه و بحث و جدال منطقی، آن ها را به اسلام دعوت نماید و عمل به این آیه ی مبارک را سرلوحه ی کار خویش قرار دهد. و خداوند متعال در قرآن کریم ما را در مقابل اهل کتاب امر کرده است که از این روش استفاده نماییم چنانچه می فرماید: ﴿وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾²

ترجمه: با اهل کتاب جز با روشی که نیکوتر باشد، بحث و مجادله نکنید مگر با کسانی از ایشان که ستم می کنند (و از حد اعتدال در جدال، خارج شوند) و بگوئید: به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و بر شما نازل شده است، ایمان داریم. معبود ما و معبود شما یکی است، و ما تنها تسلیم و فرمانبردار او هستیم.

البته این روش در جایی عملی می شود که مسایل اتفاقی باشد اما در مواضع اختلافی به خصوص عقیدتی که مخالفان با فرد مصلح کشمکش کنند حکم آن این است اصلاحگر این قضیه را به سوی خداوند ارجاع کند، قسمی که قرآن کریم در این مورد می گوید: ﴿وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾³

ترجمه: و اگر با تو به مجادله پرداختند، پس (با ایشان بحث و جدال مکن و) بگو: خدا از کارهایی که می کنید، آگاهتر از هر کسی است.

5- **تلاش دوامدار و عدم یأس و استعجال:** مجاهده و تلاش پیهم از ارکان مهم در راستای کامیاب سازی دعوت به سوی اصلاح است و تا زمانی که فرد مصلح این قاعده را عملی نکند به پیروزی و

1 سید قطب. فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرم دل، سال چاپ 1387 هجری، ناشر: نشر احسان تهران.. ج 5 ص 184

2 سوره عنکبوت آیه 46

3 سوره حج آیه: 68

دریافت نصرت الهی نمی رسد چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾¹

ترجمه: آیا گمان کردید شما را به حال خودتان رها می سازند؟ و در میدان آزمایش قرار نخواهید گرفت؟ در حالی که هنوز مجاهدین شما، و هم چنین کسانی که جز الله و پیامبر -صلی الله علیه وسلم- و مؤمنان محرم اسراری برای خود انتخاب نکرده اند، مشخص نشده اند؟

در این آیه مسلمانان را به جهاد تشویق کرده، متوجه مسئولیت سنگین خود در این قسمت می کند که نباید تصور کنند، تنها با ادعای ایمان، همه چیز درست خواهد شد، بلکه صدق نیت، درستی گفتار، و واقعیت ایمان، در مبارزه با دشمنان، آن هم یک مبارزه ی خالصانه و دور از هر گونه نفاق، روشن می شود.

همچنان الله متعال می فرماید: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ﴾²

ترجمه: آیا پنداشتید که (تنها با ادعای ایمان) به بهشت داخل می شوید؛ در حالی که الله هنوز مجاهدان از شما معلوم نداشته، و صابران را مشخص و جدا نساخته است؟!

سید قطب شهید در تفسیرش می گوید: « پرسش استنکاری به خاطر شدت وحدتی است که در آگاه کردن انسان به خطا و اشتباه ی اندیشه بکار رفته است که می گوید: برای انسان همین قدر کافی است که به زبان بگوید: من مسلمانم و آماده مرگ هستم. و با این سخن چنین می انگارد که تکالیف ایمان را انجام داده، و رضایت خدا را فرا چنگ آورده، و به بهشت میرود! ولی قرآن فریاد برمی آورد که نه چنین است و بهشت را به لاف و گزاف نمی دهند! و کار به عمل بر آید و به سخندانی نیست. آنچه نشانه ی پذیرش اسلام و مایه ی رضایت خدا و سبب ورود به بهشت است، قبول شدن در آزمایش عملی و بیرون آمدن از آزمون واقعی است. باید در راه این آئین کوشید و بلاها و دردها را به جان خرید، و جهاد کرد و در برابر سختیها و دشواریهای جهاد ایستادگی و پایداری نمود، و رنج و آزار بلاها را تحمل کرد و بردبار و شکیباً

¹: سوره توبه، آیه: 16.

²: سوره آل عمران، آیه: 142.

بود».¹ و در نتیجه مجاهده و تلاش ثمره آن را الله متعال چنین بیان می دارد: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾²

ترجمه: کسانی که برای (رضای) ما به تلاش ایستند و در راه (پیروزی دین) ما جهاد کنند، آنان را در راه های منتهی و خود رهنمود (و مشمول حمایت و هدایت خویش) می گردانیم.

یکی از نمونه های مجاهدت در اصلاح جامعه، تلاش و استمرار فعالیت های اصلاحی بدون یاس و خستگی است مانند دعوت نوح - علیه السلام- که در مورد آن الله متعال می فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾³

ترجمه: و به راستی که (ما) نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس او در میان آنان هزار سال به جز پانجاه سال (۹۵۰) درنگ کرد، آنگاه طوفان (و سیلاب) آنان را فرو گرفت در حالی که ستمکار بودند.

نوح - علیه السلام- در طول دعوت به سوی الله هیچگاه خسته نشد، و هرگاه به قومش دعوت می نمود اسلوب اش را تغییر می داد، وقتی قومش از دعوت علنی انکار می کرد، به شکل سری برایشان دعوت می کرد، و در همه حالات بر آنها مهربان بود و از عذاب روز جزا برایشان می ترسید. نوح - علیه السلام- در بلند ترین درجه صبر قرار داشت، و نشانه ی از نشانه های الله بود در بردباری و وسعت حوصله مندی، استقامت، و تواضع.. بالاتر از همه از ایشان اجر و مکافات نمی خواست، و نه دعوت اش را وسیله برای کسب مال نموده است.⁴

مطلب سوم: تاثیرات اخلاقی و سلوکی تمسک به قرآن

تمسک به قرآن کریم اخلاق انسان را تغییر می دهد و در این زمینه مثال های زیادی وجود دارند که این بحث مختصر ایجاب نقل همه را نمی کند به این دلیل چند مورد محدود را پیرامون این مطلب متذکر می شویم:

¹: فی ظلال القرآن، سید قطب، مترجم: مصطفی خرم دل، ج1، ص720-721، نشر احسان، تهران، ب ت.
²: سوره عنکبوت، آیه: 69.

³: سوره عنکبوت، آیه: 14.

⁴ محمد سرور بن نایف زین العابدین، منهج الأنبياء في الدعوة إلى الله، ص54-57، دار الأرقم، 1988م.

1- **دفع کردن بدی به نیکی:** در آیات مختلف قرآن کریم به این موضوع پرداخته شده است و فضیلت دفع کردن بدی ها توسط نیکی به وجوه مختلف بیان شده است چنانچه خداوند متعال می گوید: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾¹

ترجمه: نیکی و بدی برابر نیستند، تو بدی را به گونه بهتر دفع کن و سپس خواهی دید کسی که با او دشمنی داری به دوست صمیمی تبدیل می شود.

نشر و تقویه این اخلاق عالی و برجسته می تواند بسا از مشکلات اجتماعی بزرگی ما را حل کند چون بسیاری از موارد امنیتی نتیجه انتقام و عدم بخشش کسانی است که بنا به عوامل گوناگون مرتکب خطا و اشتباه در حق دیگران می شوند.

2- **تشویق به عفو و گذشت:** قرآن کریم یکی از راه های حل را در مقابل برخی گناهان، به عوض انتقام انسان ها را به عفو و گذشت تشویق می کند و تسامح و گذشت را یکی از صفات اهل جنت شمرده است چنانچه با زبان بلیغ بیان می دارد: ﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾²

ترجمه: اهل جنت کسانی اند که داشته های شان را در حالت خوشی و سختی به خرچ می رسانند و آنان فرو برنده خشم هستند و از اشتباهات مردم می گذرند و خداوند انسان های نیکو کار را دوست می دارد.

3- **ایثار و فداکاری:** قرآن کریم ضمن تشویق و انگیزه به عفو و گذشت انسان را به ایثار و فداکاری در برابر جامعه و ملت مامور می سازد،

برای بیان کامل و شایسته ایثار کافی است که گوش جان را به ندای آسمانی قرآن بسپاریم که با شیوه ای زیبا و شگفت انگیز، خصلت برادری، گذشت، ایثار و محبت انصار را که در آن زمان اکثریت جامعه اسلامی را تشکیل می دادند، به تصور می کشد³ و می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ

¹ .سوره فصلت آیه 34

² .آل عمران (134)

³ زحیلی، التفسیر المنیر، ج 25 ص 113

يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ¹

ترجمه: و آنانکه پیش از مهاجرین در سرای ایمان و هجرت جای گرفتند و کسی را که به سویشان هجرت کند، دوست می دارند و از آنچه که به ایشان داده شود، در دل خود نیازی نیابند و دیگران را بر خود مقدم می دارند، هر چند خود محتاج باشند، و هر که از بخل خود محفوظ بماند، پس همانا آنان رستگارند.

این ایثار آگاهانه و انتخابی و روابط عاطفی اجتماعی که در اخلاق انصارش تجلی نمود، حقیقتاً در تاریخ بشر کم نظیر است. گروه انصار، مهاجرینش را که به خاطر دین خود مورد ادبیت و آزار قرار گرفته و از دیار خود رانده شده بودند به عنوان برادر خود پذیرفتند و آنان را یاری دادند. مهاجرینش همه چیز خود را در راه خدا فدا کردند و وقتی به مدینه رسیدند هیچ چیز نداشتند، انصارش نیز در بسیاری از نعمات و امکانات زندگی، مهاجرینش را بر خود ترجیح دادند، تا جایی که هر کدام از آنان وفات می نمود، دیگری از او ارث می برد².

قرآن کریم به ایثار و فداکاری در برابر جامعه و ملت به عبارات مختلف تشویق می نماید به طور مثال از داستان پسران آدم – علیه السلام- حکایت می کند آن زمانی که یکی از برادران خواست دیگری را به قتل برساند، فرد دوم نه خواست که دست به خونریزی بزند و در برابر قتل تمکین کرد تا این کشتار موجب گسترش و توسعه دامنه خون ریزی نگردد، چنانچه الله متعال در حکایت از آن می فرماید: ﴿لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ³

ترجمه: گفت: اگر دستت را به سویم به هدف قتل دراز کنی من دستم را به سوی برای کشتنت دراز نمی کنم، زیرا من از خداوندی که پروردگار عالمیان است می ترسم.

اگر به قرآن کریم تمسک شود و اخلاق ایثار و فداکاری تقویه شود بسیاری از مشکلات بزرگ در کشور ما افغانستان حل می گردد به طور مثال جنگی که در حال حاضر جریان دارد و هر روز از هردو

1 سوره حشر آیه 9

2 علوان، عبدالله ناصیح، کیف نربی اولادنا، عبدالله ناصح علوان، ترجمه: عبدالله احمدی، المكتبة الشاملة، ج 1 ص 420

3. سوره مائدة آیه 38

طرف قربانی میگیرد و روز به روز فساد و بدبختی زیاد می شود و اگر هر دو طرف جنگ در افغانستان از ایثار و خود گذری کار بگیرند در نتیجه مشکلات امنیتی حل می گردد و صلح حکفرما می شود.

4- **تقویه فرهنگ اخوت و همدلی:** اخوت و برادری نیز از اخلاقیات بزرگ اجتماعی است که در اسلام به آن بسیار تاکید شده است و قرآن کریم مسلمین را به رابطه اخوت بسیار تشویق کرده است و مقتضیات و لوازم آن را در تعداد زیادی از آیات قرآن ذکر می کند و در احادیث نبوی هم به آن اشاره می شود:

1- قرآن تمام مومنان را با هم برادر می خواند چنانچه پروردگار متعالی می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾¹ ترجمه: به تحقیق مؤمنان با هم برادرند.

2- اخوت سبب افزایش قوت انسان می شود چنانچه الله متعال در مورد حضرت موسی علیه السلام می گوید: ﴿سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ﴾² (بازویت را به سبب برادرت محکم خواهیم کرد)

3- قرآن اخوت را نعمت الهی می دان چنانچه می فرماید: ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾³

ترجمه: آنگاه که شما دشمن (همدیگر) بودید پس خدا میان دلهایتان انس و الفت ایجاد کرد، و به نعمت خدا برادر گشتید، و بر لبه گودالی از آتش بودید، پس خداوند شما را از آن نجات داد، اینگونه خداوند آیات خود را برایتان بیان می کند تا هدایت شوید.

در احادیث نیز به اخوت و همدلی تأکیدات زیادی صورت گرفته است چنانچه عبدالله به عمر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده است: «المسلم أخو المسلم لا يظلمه ولا يسلمه ومن كان في حاجة أخيه كان الله في حاجته ، ومن فرج عن مسلم كربة فرج الله عنه كربة من كربات يوم القيامة ، ومن ستر مسلماً ستره الله يوم القيامة»⁴.

ترجمه: مسلمان برادر مسلمان است، بالای او ظلم نمی کند، و کسیکه یک مشکل برادر خود را حل کند خداوند مشکل او را حل میکند ، و کسیکه یک مصیبت را از مسلمان دفع میکند ، خداوند مصیبت

1 سوره حجرات آیه 10

2 سوره قصص آیه 10

3 سوره آله عمران آیه 103

4 - بخاری، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، نسخه طوق النجاة، المكتبة الشاملة، شماره حدیث: ۱۱۱۵.

های روز قیامت را از او دور میکند ، کسیکه عیب برادر مسلمان خود را پنهان کرد خداوند در روز قیامت گناهان او را پنهان میکند.

تقویه اخلاق اخوت و برادری در قرآن کریم یکی از بهترین برنامه ها برای برقراری امنیت اجتماعی است ، چنانچه الله متعال در مورد انصار می گوید: ﴿وَأذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾¹

ترجمه: آنگاه که شما دشمن (همدیگر) بودید پس خدا میان دلهایتان انس و الفت ایجاد کرد، و به نعمت خدا برادر گشتید.

همچنان قرآن کریم کسی را که بزرگ ترین جرم را انجام داده است به خاطر مصلحت و تقویه فرهنگ اخوت و برادری جانب مقابل را برای او برادر خطاب می کند و می فرماید: ﴿فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾²

ترجمه: پس هرکسی که از جانب برادرش برای او چیزی بخشوده شد، به خوبی پیروی کند و به نیکی دیه را به او بپردازد.

اخوت اسلامی ایجاب می کند، افرادی که با هم نزاع و دشمنی دارند طبق دستور صریح اسلام با هم صلح و آشتی نمایند. و جامعه اسلامی نیز مسئول و متعهد است که در برابر افرادش به صورت ناظر بیطرف و تماشاگر نگاه نکند، بلکه بر افراد صاحب فکر و اندیشه و قدرتمند واجب و لازم است به منظور اصلاح جامعه خویش مداخله نمایند و اجازه ندهند تا آتش فتنه و فساد، دشمنی و کینه توزی توسعه بیشتری پیدا کند و جامعه اسلامی را به تباهی و نابودی بکشاند چنانکه در بسیار از آیات قرآن مجید و روایات اسلامی از صلح و اصلاح تمجید و سفارش شده است. خداوند متعال می فرماید: (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ)³

¹ سوره آل عمران آیه 103

² سوره بقره آیه 178

³ سوره حجرات آیه 10

ترجمه: همانا مؤمنان همه برادرند پس در میان برادران خود اصلاح کنید.

مبحث دوم: تاثیرات مادی تمسک به قرآن

مطلب اول: تاثیرات تمدنی تمسک به قرآن

شکی نیست که تمسک به قرآن کریم آثار زیادی در مورد پیشرفت، انکشاف و تمدن بشری دارد چون نظر به حالت عرب ها و سایر مجتمعات انسانی پیش از نزول قرآن کریم همه می دانند که کرامت انسانی زیر پای بود، به زنان حق داده نمی شد و ظلم و وحشت عام بود و با نزول قرآن کریم، تغییرات و تاثیرات چشم گیر در تمدن و انکشاف بشری صورت گرفت، در حالی که غرب توانست در سال 1948م اعلامیه حقوق بشر را صادر کند و این مواردی که قبلاً قرآن کریم آن را اساس گذاشته بود، مقرر نماید¹.

اما قرآن کریم از آغاز نزول به اساسات حقوق بشر و پیشرفت و انکشاف توجه نمود که برخی مثال های آن قرار ذیل است:

1- **عدالت**: یکی از معیارهای تمدن و پیشرفت در جهان، تامین عدالت اجتماعی است و موضوع عدالت اجتماعی در قرآن کریم به عنوان یک اصل مهم مورد توجه قرار گرفته است و انسان را به اجرای آن مامور ساخته است چنانچه الله متعال می فرماید: **﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾**²

ترجمه: همانا خداوند به عدالت، احسان و دادن حق اقارب امر می نماید و از بی حیایی، منکرات و تجاوز منع می کند و به شما پند می دهد تا همه چیز را به یاد آورید.

اجرای عدالت از دیدگاه قرآن به چنان از جایگاه والای برخوردار است که به خاطر تحقق عدالت در یک قضیه دزدی که در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم رخ داده بود و یک طرف آن مردی به ظاهر مسلمان و طرف مقابل آن یک مرد یهودی بود، آیه های مبنی بر تایید و حق بودن مرد یهودی در

¹ حمزة إبراهيم فودة، العلاقة الإنسانية في القرآن الكريم، ص 14 .
² .سوره نحل آیه 90

آن قضیه نازل شد¹ این آیات پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم را این گونه مورد خطاب قرار داد: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنَ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا﴾²

ترجمه: (ما کتاب (قرآن) را به حق بر تو نازل کرده ایم تا میان مردمان طبق آنچه خدا به تو نشان داده است فیصله کنی بناءً تو مدافع خائنان نباش!)

یکی از موارد اساسی که کمال توجه قرآن را به عدالت اجتماعی نشان می دهد این است که خداوند هدف بعثت پیامبران اجرا و تطبیق عدالت در میان انسان ها می داند ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ﴾³

ترجمه: ای داود! ما تو را در زمین نماینده خود و جانشین پیامبران گذشته ساخته ایم پس در میان مردم به حق داوری کن و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می سازد. بی گمان کسانی که از راه خدا منحرف می گردند عذاب سختی به خاطر فراموش کردن روز حساب در انتظار دارند.

2- شورائیت: قرآن کریم سوره ای از سوره هایش را به اسم «شوری» نامگذاری کرده است و نظام شورایی را همانند اقامه نماز و انفاق مال یک اصل بزرگ جامعه اسلامی می پندارد و می گوید: ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾⁴

ترجمه: و کسانی که دستور پروردگار شان را اجابت کردند، نماز را برپا نمودند و اساس کارهای شان مشوره در میان یکدیگر است و از آن چه آنان را روزی دادیم خرچ می کنند.

قرآن کریم به پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم دستور می دهد حتا آنانی را که مرتکب خطا و اشتباه شده اند نیز در مشوره ها شریک بسازد و می گوید: ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾⁵

1 زحیلی، التفسیر المنیر، ج 5 260-263

2. سوره نساء آیه 105

3. سوره ص آیه 26

4. سوری شوری آیه (38)

5. آل عمران آیه (159)

ترجمه: از آنان در گذر، برای شان مغفرت بخواه و در امور اجتماعی از آنان مشوره بخواه!

شهید سید قطب رح در ادامه تفسیر این آیه می نویسد: «اسلام با این نص قطعی و جزمی: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾ اصل شورائیت را در نظام حکومت بنیان می گذارد حتی در آن زمان که حکومت به دست محمد فرستاده خدا -صلي الله عليه و سلم- هم باشد چنین اصلي باید رعایت شود، این نص قاطعی است که برای امت اسلامی محل شك و تردیدی باقی نمی گذارد در اینکه اصل شورا یکی از اصول و ارکان سیستم اسلامی است و نظام اسلام نباید بر پایه دیگری جز آن استوار گردد اما شکل شوروی و وسیله ای که شوروی بدان تحقق می پذیرد، امری است که جای بحث و گفتگو در آن باقی است و برابر مقتضیات اوضاع ملت اسلامی و شرائط زندگی این امت، تغییرپذیر است و مسلمانان می توانند درباره چگونگی آن نظر بدهند. هر شکل و فورم و وسیله و راهی که اصل شوروی - نه نمایی ظاهر آن - بدان انجام پذیرد، مقبول و پذیرفته اسلام است»¹

3- **ارایه الگوهای پیشرفت و تمدن:** یکی از تاثیرات تمدنی تمسک به قرآن کریم این است که قرآن کریم برای ما الگوهایی پیشرفت و تمدن را ارایه می کند به طور مثال سلیمان علیه السلام که هم پیامبر و هم پادشاه بود و خداوند برای او چیزهای زیادی را مسخر کرده بود، چنانچه الله متعال در مورد وی می گوید: ﴿وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غَدُوها شَهْرًا وَ رَواحها شَهْرًا وَ أَسَلنا لَهُ عَيْنَ الْقَظْرِ﴾²

ترجمه: و باد را برای سلیمان مسخر کردیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را می پیمود و شامگاهان (نیز) مسیر یک ماه را. و چشمه ی مس را برای او روان ساختیم.

سلیمان- علیه السلام- با استفاده از تجهیزات و اسباب و وسایلی که خداوند در اختیارش گذاشته بود چیزهای عظیم و بزرگی می ساخت و از این طریق نیازمندی های اقتصادی مردم را رفع می کرد، چنانچه الله متعال در مورد وی می گوید: ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ ما يَشَاءُ مِنْ مَحارِيبَ وَ تَمائِيلَ وَ جِفاً كالجوابِ وَ قُدورِ راسِياتِ اعْمَلُوا آلَ داوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٍ مِنْ عِبادِيَ الشُّكُورِ﴾³

ترجمه: جنیان، هر چه را که سلیمان می خواست از محراب و تمثال و ظروف بزرگ مانند حوضچه و

¹ . سید قطب. فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرم دل، سال چاپ 1387 هجری، نشر احسان تهران. تفسیر آیه ج 2 ص 64

² سوره سبأ آیه 12

³ سوره سبأ آیه 13

دیگ‌های ثابت برایش می‌ساختند. ای خاندان داوود! شکر (این همه نعمت را) بجا آورید. اما اندکی از بندگان من سپاسگزارند.

حکومت حضرت سلیمان دارای ویژگی‌ها و فعالیت‌های زیادی بود که از جمله چند مورد مرتبط به این بحث ذیلاً بیان گردد:

الف: فعالیت تجارتي: از ویژگی‌های مهم روزگار سلیمان-علیه السلام- فعالیت عظیم تجارتي است، حتی یکی از اهداف به کارگیری اراهه‌ها - در صورتی که در دفاع از دولت و نشر دعوت به آن نیاز نبود- استفاده از آنها برای تجارت بود. سیطره سلیمان -علیه السلام- بر راه‌های تجارتي در سوریه و فلسطین و دیگر راه‌هایی که در زمان فرمانروایی پدرش مقرر بود، به توفیقات او در امور تجارتي توجه زیاد کرد. وی در بهبود مراکزى که در راه‌های مهم کاروان‌های تجارتي کشورش قرار داشت، اهتمام ویژه‌ای داشت، چنانکه فلسطین به پلی میان آسیا و افریقا تبدیل شده بود و سلیمان-علیه السلام- از يك سو از روابط دوستانه و از دیگر سو از مهارت سیاسی‌اش در این راه بهره می‌گرفت.¹

سلیمان علیه السلام اسپان زیادی را به منظور استفاده از آن‌ها در جهاد و همچنان در تجارت نگه‌داری می‌نمود چنانچه در قرآن کریم به این مطلب اشاره شده است که الله متعال می‌فرماید: **إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ * فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ * رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ**²

ترجمه: هنگامی که وقت غروب اسب‌های اصیل را بر او عرضه کردند، سلیمان گفت واقعا من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا (هنگام نماز گذشت و خورشید) در پس حجاب ظلمت شد، او گفت اسبها را نزد من باز آورید پس شروع کرد به دست کشیدن بر ساقها و گردن آنها.

ب: فعالیت دریایی: سلیمان -علیه السلام- به دریا نیز توجه ویژه‌ای داشت و از آن برای توسعه حکومت خود بهره می‌برد، چنانچه در قرآن کریم به این موضوع اشاره شده و الله متعال می‌فرماید:

1 بیومی مهران، محمد، بررسی تاریخی قصص قرآن، ترجمه مسعود انصاری، نشر علمی و فرهنگی، 1383 تهران، ج 3 ص 136
2 سوره ص آیات 30-33

﴿وَالشَّيَاطِينِ كُلِّ بَنَاءٍ وَعَوَاصٍ﴾¹

ترجمه: و دیو و شیاطین را هم که بناهای عالی می‌ساختند و از دریا جواهرات گرانبها می‌آوردند نیز مسخر امر او کردیم.

ج: فعالیت صنعتی: در زمان سلیمان-علیه السلام- منابع مس و آهن به میزان بسیار استخراج و ذوب شد چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عُذُّهَا شَهْرٌ وَرَوَّاحَهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ﴾²

ترجمه: و باد را برای سلیمان مسخر کردیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و شامگاهان (نیز) مسیر یک ماه را. و چشمه‌ی مس را برای او روان ساختیم.

چنانچه مؤرخین می‌گویند تا امروز هیچ کارگاهی برای ذوب مس در هیچ جایی دنیای کهن کشف نشده است که بتواند با کارگاه‌های زمان سلیمان-علیه السلام- برابری کند. کشفیات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که برخی از اصول ساختمان کوره‌های ذوب فلزات امروزی در بنای کوره‌های ذوب آهن و مس داود و سلیمان-علیه السلام- رعایت شده است.³

الله متعال در مورد ذی‌القرنین چنین می‌گوید: ﴿إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا﴾⁴

ترجمه: خداوند به او پادشاهی داد، و به وی در سرزمین‌های دنیا قدرت و نفوذ داد و مردم را مطیع او نمود. و ابزار هر چیزی را در اختیار او قرار دادیم.

یعنی خداوند اسبابی را که در پی به دست آوردن آن بود و از آن برای پیروز شدن بر شهرها است، اده می‌نمود و رسیدن به آبادی‌های دور دست را برای او آسان می‌کرد، به وی داد، و او نیز از این وسایلی که خداوند به وی بخشیده بود به بهترین شیوه است، اده کرد. یعنی آنها را در راستای رسیدن به هدف خود به کار برد. چرا که هرکس نمی‌تواند از وسائل به نحو مطلوب استفاده نماید، و یا نمی‌تواند وسیله واقعی را به دست آورد. و اگر این دو چیز وجود نداشته باشد یا یکی از آنها نباشد مقصود حاصل

1 سوره ص آیه 37

2 سوره سبأ آیه 12

3 جان، الدر، باستان‌شناسی کتاب مقدس، ترجمه سهیل آذری، تهران، نور جهان، 1335. ص 74

4 سوره کهف آیه 84

نمی‌گردد. البته وسایلی که خداوند به او بخشیده بود ما را از آن آگاه نساخته، و پیامبر نیز ما را به آن آگاهی نکرده است. در روایت نیز به طوری که مفید علم باشد از آن ذکر به میان نیامده است. بنابراین جز این که در این مورد سکوت کنیم کاری از دست ما ساخته نیست، و نباید به آنچه روایت های اسرائیلی نقل می‌کنند توجه کرد. ولی به طور کلی می‌دانیم که آن‌ها وسایل زیاد، قوی، داخلی و خارجی بوده اند که از این طریق توانسته است لشکر بزرگی را با سرباز و اسلحه و سازو کار نظامی گسترده سامان دهد، و با این لشکر و ارتش مسلح توانست دشمنان را شکست دهد، و به شرق و غرب و اطراف دنیا دسترسی پیدا کند. پس خداوند به او چیزی بخشید که با آن به غروبگاه خورشید رسید، تا اینکه خورشید را مشاهده کرد، انگار در چشمه ای سیاه غروب می‌نماید لازم به ذکر است که هرکس بین او و افق غربی خورشید، آبی قرار گیرد چنین می‌پندارد که گویا خورشید به داخل آب غروب می‌کند، گرچه خورشید نسبت به آب ارتفاع بسیار بلندی داشته باشد. و ذوالقرنین در مغرب زمین قومی را یافت¹.

در داستان ذی‌القرنین ساخت سد بزرگ با آهن و مس آمده است و این اشاره بر اهمیت عناصر ساخت و ساز که آهن و مس جزء مهم آن است می‌باشد، چنانچه این مطلب در ذیل آیات ذیل بیان گردیده است: **سوره کهف بیان شده است: ﴿قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا * قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا * آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قِطْرًا * فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا﴾²**

ترجمه: گفتند: ای ذوالقرنین! همان یاجوج و ماجوج در این سرزمین تباهاکارند، پس آیا (راضی هستی) که برای تو هزینه ای مقرر کنیم به شرط آنکه میان ما و ایشان سدی بسازی؟ گفت: آنچه پروردگارم (از ثروت و نیرو و قدرت) در اختیار من گذاشته، بهتر است. پس مرا یاری کنید تا میان شما و ایشان سد بزرگ و محکمی بسازم، قطعات آهن را برای من بیاورید، تا آنگاه که بین دو کوه را برابر کرد، گفت: در آن بدمید، تا آنکه (آهن) را آتش نمود، گفت: مس گداخته شده بیاورید تا بر آن بریزیم. پس نتوانستند از آن بالا روند و (نیز) نتوانستند سوراخی در آن پدید آورند.

1 سعدي، عبدالرحمن بن ناصر، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى 1420هـ - 2000 م، بيروت. ج 1 ص 485

2 سوره كهف ايه 94 - 97

مطلب دوم: تاثیرات امنیتی تمسک به قرآن

تمسک به قرآن کریم تاثیرات زیادی هم در قسمت تامین امنیت فردی و هم در قسمت امنیت اجتماعی دارد، و در مورد امنیت فردی می توانیم سه بخش ذیل را یاد آور شویم:

1- **امنیت روحی و فکری:** منظور از امنیت فکری سلامت قوه فکری، روانی و عقلی انسان از چیزهایی است که باعث می شود فکر و عقل از مسیر طبیعی خود دور شود، در قرآن کریم به نیروی فکری انسان توجه ویژه ای صورت گرفته است، امنیت روحی و فکری با انتما و منسوب بودن به دین، معیت الهی و انس گرفتن با حضور و مراقبت خداوند متحقق می شود، نزدیک شدن به خداوندی که یک انسان مومن را توسط اعمال نیک به درجات بلندی از انسانیت می رسد و اگر شکل و صورتش نا مناسب هم باشد از ارزش او نمی کاهد.¹

الله متعال می فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾²
ترجمه: آنان که ایمان آوردند و دل هایشان با یاد الله آرامش می یابد. بدانید که دل ها با یاد الله آرام می گیرد.

2- **امنیت جانی فرد:** از دید قرآن وجود انسان خیلی با ارزش است نباید کسی به آن تعرض کند، و تعرض به جان یک انسان برابر با تعرض به جان تمام انسان ها تلقی شده است، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿مَنْ أَجَلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ﴾³

ترجمه: به همین جهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هرکس انسانی را بدون ارتکاب قتل، یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گوئی همه انسانها را کشته است، و هرکس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گوئی همه مردم را زنده کرده است.

همچنان سخت ترین عذاب در قرآن کریم به کسی تعیین شده است که امنیت جان فرد را به خطر

¹ دکتر محمد عماره، مقومات الامن الاجتماعی فی الاسلام، مکتبة الامام البخاری للنشر والتوزیع، 2009م، قاهره، مصر، ص 15

² سوره رعد آیه 28

³ - سوره مائده، آیه 32.

مواجه می سازد و او را می کشد چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾¹

ترجمه: وکسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می ماند و خداوند براو خشم می گیرد و او را از رحمت خود محروم می سازد و عذاب عظیمی برای وی تهیه می بیند.

مراد از کلمه «مُتَعَمِّدًا» در آیه فوق این است که قاتل از روی قصد قتل کند و کلمه «خَالِدًا» به این معناست که شخص قاتل برای همیشه در جهنم می ماند.² پس الله متعال وعید بسیار شدیدی را برای قاتل مؤمن تعیین کرده است³

علاوه بر آیات فوق آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که به حفظ جان و خون انسان ها توجه و اهتمام می ورزد تا انسان با خیال راحت و احساس امنیت کامل در اجتماع و محیط سالم برای ادامه حیات باسعادت خویش تلاش کند.

3- امنیت مالی فرد: یکی دیگر از مؤلفه های امنیت فردی، امنیت مالی انسان است که به این بخش نیز در قرآن کریم توجه خاصی مبذول شده است، به طور مثال خداوند برای برقراری امنیت مالی انسان ها قطع دست دزد را مشروع گردانیده و در این مورد می فرماید: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾⁴

ترجمه: دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند به عنوان يك مجازات الهی قطع کنید، و خداوند چیره و حکیم است (و برای هر جنایتی عقوبت مناسبی وضع می کند تا مانع پخش آن گردد زیرا با این کار امنیت مال ایجاد می شود).

مراد از «نَكَالًا» در آیه فوق سزای عمل بد دزدی برای کسی است که مرتکب جرم شده است و الله متعال برای حفظ مال قطع دست را فرض گردانیده این تجاوز سبب برهم خوردن امنیت مالی مسلمانان می شود و برای جلوگیری باید کسی که تجاوز کرد دستش قطع شود تا کسی دیگر جرأت هم چو تجاوز را

1- سوره نساء، آیه 93.

2- ثعلبی نیشابوری، اسحاق بن احمد، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ط: 1، 1422، هـ - 2002 م. ج 3 ص 362.

3- اندلسی، عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، ط: 1، دار الکتب العلمیة 1422 هـ. ج 1 ص 282.

4- سوره المائده، آیه 38.

نکند. هر چند اعضای انسان با ارزش است ولی در این جا الله متعال امر به قطع دست انسان در برابر مال کرده زیرا سبب برهم خوردن زنده گی تمام انسانها می شود و حیات مردم وابسته به مال است بناء در حقیقت قطع دست حیات بخش زنده گی تمام مردم است.¹

4- **امنیت شخصیت و آبروی فرد:** یکی دیگر از بخش های امنیت فردی، امنیت شخصیت و آبروی فرد است که درباره اهمیت آن قرآن کریم احکام زیادی را مشروع گردانیده است به طور مثال می توانیم از تحریم زنا، تحریم مسخره کردن و طعنه زدن دیگران و نهی از تجسس و غیبت را نام ببریم که بعدا در مورد آن مثال ها و توضیحات خاصی ارایه می شود.

بر علاوه در قرآن کریم از شهر های بزرگی در جهان یاد آوری شده است که از امنیت اجتماعی برخوردار بودند و انسان با خواندن قرآن و تمسک به آن به چنین نتیجه می رسد که در حقیقت قرآن کریم ما را به تحقق امنیت شهرهای مان تشویق می کند، این شهرها قرار ذیل اند:

1- **شهر مکه:** حضرت ابراهیم علیه السلام در حق مکه دعا کرده بود که خداوند آن را از امنیت برخوردار گرداند، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ﴾²

ترجمه: و زمانی را به یاد آور که ابراهیم گفت: پروردگارا! این شهر (مکه) را یک شهر امن و آرام بساز و من و فرزندانم را از پرستش بتان دور نگه دار.

دعای ابراهیم علیه السلام در مورد امنیت و آرامش شهر مکه مستجاب گردید و از آن وقت به بعد تا هنوز این شهر نمونه کامل از یک شهری است که از امنیت و آرامش کلی برخوردار است و در مواضع مختلف قرآن کریم از آن یاد آوری شده است، در جایی خداوند متعال به آن قسم یاد کرده و گفته است: ﴿وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾³ (و قسم به این شهر آرام)

همچنان می فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ

1- ابوسعود بن محمد بن مصطفی (ت: 982 هـ) (إرشاد العقل السليم الى مزايا الكتاب الكريم) دار احیاء التراث العربی بیروت ج 3 ص 35

2 سوره ابراهیم آیه (35)

3 سوره تین آیه (3)

ترجمه: همانا نخستین خانه ای که برای مردم بنیانگذاری شده خانه ایست که در مکه قرار دارد، با برکت و مایه هدایت جهانیان است، در آن نشانه های روشنی است، (و از آن جمه است) مقام ابراهیم، و هرکس داخل آن شود در امان است و خداوند حج خانه کعبه را بر کسانی از مردم که توانایی رفتن به آنجا را دارند واجب گردانیده است، و هرکس کفر بورزد، پس خداوند از جهانیان بی نیاز است.

آیه های متذکره این مفهوم را ارایه می کنند که مکه نمونه شهر آرام و دارای امنیت اجتماعی است و در حقیقت این درسی است برای تمام مسلمانان در روی زمین که محل زندگی خود را مانند مکه آرام و پر از امنیت سازند.²

1- شهر سبا³: یکی از شهرهای تاریخی و قدیمی که در قرآن کریم از امن بودن آن یادآوری شده است شهر سبا است که در مورد آن می گوید: ﴿لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُّوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ﴾⁴

ترجمه: بی گمان برای (اهالی) سبا در محل سکونتشان نشانه ای بود: دو باغ راست و چپ، (گفتیم) از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جای آورید، شهری پاکیزه و پروردگاری آمرزنده دارید .

همچنان این آیه هم در مورد امنیت شهر سبا می گوید: ﴿وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ﴾⁵

ترجمه: میان آنان و شهرهای دیگری که پربرکت و نعمت کرده بودیم، شهرکها و روستاهائی ساخته بودیم که همه نمایان بودند، و در میان آنها فاصله های مناسب و نزدیک به هم ترتیب داده بودیم (به گونه ای که امنیت برقرار بود و نیازی هم به حمل آب و توشه سفر دیده نمی شد، شب ها و روزها در امن و

¹ سوره آل عمران آیه های (96 و 97):

² سید قطب. فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرم دل، سال چاپ 1387 هجری، نشر احسان تهران ج 1 صفحه 305

³ سبأ در اصل نام شخص است و بعداً به نام منطقه ای که فرزندان او در آنجا سکونت می کردند تبدیل شد، این منطقه در فاصله سه شبانه روزی سفر عادی با صنعاء پایتخت یمن قرار دارد و در گذشته ها دارای باغ و بستان های بی نظیری بود که مردم آن سرزمین از سرشاری نعمت های آن همواره استفاده می کردند و چنان از امنیت و آرامش برخوردار بودند که شب ها و روز ها مسافه های طولانی را بیدون هیچ نوع خطر می بیمودند تا این که به اثر کفران و ناسپاسی و طغیان و سرکشی از همه این نعمت های بزرگ محروم گردیدند، سد مآرب از جمله شهکاری های تمدنی انسان های آن زمان است که شهرت جهانی دارد. حموی، یاقوت بن عبد الله الحموی، معجم البلدان، دار الفکر - بیروت. ج 3 ص 181

⁴ سوره سبا آیه (15)

⁵ سوره سبا آیه (18)

امان در آنجاها سیر و سفر کنید (و از حق منحرف نشوند و به یاد الطاف خدا باشند و پرستش او را فراموش ننمایند).

شهید سید قطب در تفسیر آیه فوق می نویسد: « سبأ اسم قومی بود که در جنوب یمن زندگی می کردند. آنان سرزمین های حاصلخیزی داشتند. هنوز برخی از این سرزمین های سرسبز و خرم برجای هستند. آنان تا جایی پیشرفت کرده بودند که آب های باران های تنیدی را مهار می کردند که در جنوب و شرق از سوی دریا به سویشان می آمد و می بارید. بدین منظور سد های طبیعی ترتیب می دادند، سد های که میان دو کوه قرار می گرفتند و دو سوی آن کوه ها به یک دیگر می پیوستند. در دهانه دو کوه و در مرز دشت و بیابان سدی را ساخته بودند که در هائی برای آن ساخته بودند که باز و بسته می شدند، و آب زیادی را در پشت آن جمع آورده بودند، و هر گونه که می خواستند از آب فراوان آن سود می بردند و استفاده می کردند. ¹»

2- **سرزمین حجر:** یکی دیگر از شهرها و تمدن های جهان باستان خداوند متعال از امنیت آن سخن گفته است، سرزمین حجر است که تاریخ نویسان از آنان به نام بقایای سومریان یاد می کنند، در آنان قرآن این گونه حکایت می کند: ﴿وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ﴾²

ترجمه: آنان در دل کوه ها خانه های می تراشیدند و (از نزول عذاب و تخریب آنها) خاطر جمع بودند.

باشنده گان سرزمین حجر که پیامبران چون لوط و شعیب به سوی آنان آمده بود، از قدرت و مهارت آنان در قسمت آبادی و شهرکاری های ساخت و ساز خانه ها و ساختمان های بزرگ از صخره ها که تا هنوز بر جای مانده اند و مایه عبرت و اندرز جهانیان می باشند³

اما هر چند آنان برای خود خانه های آرام و امن می ساختند و زنده گی خویش را در آن ها سپری می کردند اما از آنجا که اساس دنیا بر زوال و عدم بقا است سرانجام آنان نیز هلاک شدند و آثار شان منحیث نمونه های بزرگی از ساخت و مهارت بشر باقی ماند.

¹ سید قطب. فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرم دل، سال چاپ 1387 هجری، نشر احسان تهران. تفسیر آیه تفسیر آیه 15 سوره سبأ

² سوره حجر آیه (82)

³ ابن عاشور، محمد الطاهر بن عاشور، التحریر و التنویر، دار سخنون للنشر والتوزیع - تونس - 1997 م ج 14 ص 72

3- مصر: مصر نیز یکی از شهرهای جهان باستان است که در قرآن کریم از امن بودن آن در زمان قدیم تذکر رفته است چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ أَوَىٰ إِلَيْهِ أَبُوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ أَمِينٌ ۙ ¹

ترجمه: هنگامی که به پیش یوسف رسیدند، پدر و مادرش را در آغوش گرفت و (به همه آنان) گفت: به سرزمین مصر داخل شوید که به خواست خدا در امن و امان خواهید بود.

در این آیه از ورود پدر و مادر و برادران یوسف علیه السلام به مصر که در زمان حکومت یوسف از امنیت و آرامش کامل برخوردار گردیده بود سخن می گوید، یوسف به مهمانان خود می گوید: به خواست و اراده خداوند وارد شهر آرام مصر شوید، یوسف -علیه السلام- برای تامین امنیت کامل مصر تلاش های زیادی نمود و به اتکا بر وحی و طرح های آسمانی توانسته بود مصر را از خطرهای بزرگ فقر و گرسنگی و سایر آسیب های اجتماعی نجات دهد. این امر به ما نشان می دهد که عملی سازی طرح و پلان های قرآنی در عصر کنونی جواب گوی بسا مشکلات اجتماعی و امنیتی ما هستند و می توانند آرامش فردی و اجتماعی را برای ما به ارمغان بیاورند.

4- دهکده آرام: همچنان قرآن کریم مثال و نمونه ای را از یک دهکده آرام و ایمن که اهالی آن به سبب وفور امنیت از رزق و روزی فراوان برخوردار بودند چنین بیان می کند: ﴿ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ۙ ²

ترجمه: خداوند (مردمان) شهری را مثال می زند که ایمن و آسوده بودند و از هر طرف روزیشان به گونه فراوان به سویشان سرازیر می شد، اما کفران نعمت خدا کردند و خداوند به خاطر کاری که انجام دادند لباس گرسنگی و هراس را (به تن آنان کرد و طعم گرسنگی را) بدیشان چشاند.

این آیه مثالی را از شهر و دیاری که امنیت و آرامش در آن ها حکم فرما است، برای ما بیان می دارد، شهرهای که به اثر تامین امنیت اجتماعی از نعمت ها و لذت های بی شماری طبیعی مستفید می

¹ سوره یوسف آیه (99)

² سوره نحل آیه (112)

گردند اما به اثر بی توجهی به مسایل امنیتی و عدم تامین عدالت اجتماعی سرانجام به تنگنای فقر و گرسنگی می روند و سرانجام جای امن، انکشاف و پیشرفت را خوف و نا امنی می گیرد.

هرچند برخی مفسران از این منطقه شهر مکه را مراد دانسته اند¹ اما اکثر مفسران به علت نکره بودن واژه «قریه» این آیه را مثال غیر معین می پندارند، به اساس این تاویل می توانیم برداشت نماییم که سنت و طبیعت الهی مبتنی بر این است که در اثر فساد، بی عدالتی و عدم احترام به قانون زنده گی، امنیت اجتماعی سلب می شود و سلب امنیت مساوی است به هلاکت همگانی ملت ها، چنانچه حافظ ابن کثیر- رحمه الله-² در تفسیر این آیه می نویسد: «هذا مثل أريد به أهل مكة؟ فإنها كانت آمنة مطمئنة مستقرة يتخطف الناس من حولها ، ومن دخلها كان آمناً لا يخاف»³

ترجمه: این مثالی است که منظور آن اهل مکه است چون آن آرام و مطمئن بود که از هرطرف مردم به سوی آن می آمدند و هرکسی که وارد آن می شد در امن می بود و از هیچ چیز ترس نداشت.

و در تفسیر شعراوی چنین آمده است: «القرية التي ضربها الله لنا مثلاً هنا ، هل هي قرية معينة أم المعنى على الإطلاق؟ قد يُراد بالقرية قرية معينة كما قال البعض إنها مكة ، أو غيرها من القرى»⁴

ترجمه: دهکده ای که خداند مثال آن را بیان کرده است آیا یک قریه معین است یا غیر معین؟ گاهی از آن قریه معین به گفته برخی ها مکه مراد می شود و ممکن است غیر آن نیز مراد شود.

همچنان در تفسیر وسيط می نویسد: «وللمفسرين اتجاهان في تفسير هذه الآية . فمنهم من يرى أن هذه القرية غير معينة ، وإنما هي مثل لكل قوم قابلوا نعم الله بالجحود والكفران . وإلى هذا المعنى اتجه صاحب الكشاف حيث قال : قوله - تعالى - ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً﴾ أي : جعل القرية التي هذه حالها مثلاً لكل قوم أنعم الله عليهم فأبطرتهم النعمة . فكفروا وتولوا ، فأنزل الله بهم نعمته ، فيجوز أن تراد قرية مقدرة على هذه الصفة ، وأن تكون في قرى الأولين قرية كانت هذه حالها ، فضرب بها الله مثلاً لمكة

1 سعدي، تيسير الكريم الرحمن، ج 6 ص 37

2 ابن كثير: امام حافظ عمادالدين، ابو الفداء، اسماعيل بن عمر بن كثير بن ضوء بن كثير بن زرع، البصروي، دمشقي الشافعي، وي در یکی از قریه ها ی منطقه (بصری) د ر شام، تولد گردیده است. وقول راجح این است که تولد آن در سال 700 هـ بوده وفات آن در در دمشق در ماه شعبان سال 77 هـ میباشد. پدر وی ابو حفص عمر یکی از جمله بی علمای برجسته بی منطقه خود در (بصری) بود و امام خطیب در منطقه خود بود وقتیکه پدرش وفات نمود عمر وی سه سال داشت ابن کثیر- رحمه الله- به دمشق رفت و تحصیل علوم پرداخت و سن اش خورد بود که قرآن کریم را حفظ کرد. و کتب فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و لغت را فرا گرفت. الاعلام للزرکلي ج 1 ص 308

3 ابن کثیر- رحمه الله-، ابو الفداء اسماعیل، تفسیر قرآن العظیم، انتشارات دار طیبیه للنشر و التوزیع، 1420 هـ 1999 م ج 1 ص 140

4 تفسیر شعراوی 5053/1

انذارا من مثل عاقبتها»¹

ترجمه: مفسرین در تفسیر این آیه دو دیدگاه دارند، بعضی آنان می گویند این قریه معین نیست و در حقیقت مثالی است که برای هر قومی که در مقابل نعمت های خداوند به انکار و ناسپاسی می پردازند، صاحب تفسیر کشاف همین دیدگاه را تایید نموده و می گوید: این قریه مثالی برای هر قومی است که مورد نعمت الهی قرار گرفته و به اثر وفور نعمت کفران و سرکشی کردند و عذاب خداوند به سراغ شان آمده است، به این اساس می شود هر قریه ای را که دارای این صفت باشد مراد نمود و یا در گذشته ها قریه ای با این صفت وجود داشته است و خداوند آن را برای انذار اهل مکه مثال زده است.

مطلب سوم: راهکارهای امنیتی قرآن کریم:

قرآن کریم برای اینکه امنیت کامل جامعه را فرا گیرد یک سلسله مجازاتی را وضع کرده است که با تطبیق آن بدون شک امنیت اجتماعی حکمفرما می شود.

1 - **قصاص قاتل:** یکی از راهکارهای عملی قرآن برای تضمین و تامین امنیت اجتماعی، کفیر قصاص است که قرآن آن را حیات و زندگی خوانده است چنانچه می گوید: ﴿وَأَنَّكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾²

ترجمه: ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص زنده گی است شاید شما بدینوسیله خود را نجات دهید.

قرآن کریم به طور خاص و اسلام به طور عام، هیچ چیزی را با ارزش تر از خون انسان ندانسته و سزای هیچ گناهی را سخت تر و شدید تر از قتل نفس بی گناه قرار نه داده است چنانچه می گوید: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾³

ترجمه: و کسی که یک نفر مومن را عمداً به قتل برساند، پس جزای او جهنم است که برای همیشه در آنجا می ماند، و خداوند بالای او خشمناک شده و او را لعنت کرده است و برایش عذاب بزرگی را آماده

¹ طنطاوی، محمد سید التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره، الطبعة، الأولى دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة 1998م. ص 2575

² آیه (179) سوره بقره

³ النساء (93)

کرده است.

همچنان قرآن قتل یک نفس بی گناه را با کشتن تمام انسان ها و نجات دادن یک انسان را از قتل با زنده نگه داشتن تمام مردم روی زمین مساوی می داند و می گوید: ﴿مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾

1

ترجمه: از همین خاطر بر بنی اسرائیل مقرر کردیم که کسی نفسی را بیدون کشتن نفس دیگر یا فساد در روی زمین بکشد گویا تمام مردم را به طور مجموعی کشته است و کسی که یک نفس را نجات دهد، گویا تمام مردم جهان را نجات داده است.

در حدیثی نیز آمده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم می فرماید: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَزَوَالِ الدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ قَتْلِ رَجُلٍ مُسْلِمٍ»²

ترجمه: قسم به آن ذاتی که نفس من در دست اوست، زوال و از بین رفتن تمام دنیا در نزد خداوند سبک تر از این است که یک مرد مسلمان کشته شود.

علاوه بر آن آیات و احادیث زیادی در مورد نکوهش قتل وجود دارند که به هدف اجتناب از دراز شدن موضوع از نوشتن تمام آن ها صرف نظر می کنیم.

مطابق دستور قرآن ادامه حیات مردم در قصاص است، حیاتی که با گرفتن دست کسانی حاصل می گردد که می خواهند جان مردمانی را بگیرند. همچون کسانی وقتی که می بینند قصاص در انتظار ایشان است، پیش از اقدام به قتل از آن دست برمی دارند و بدان دست نمی یازند. حیات بودن قصاص بدین معنا است که جلو دست صاحبان خون را می گیرد، وقتی که درون شان به جوش و خروش درمی آید و نمی خواهند تنها به قصاص قاتل بسنده کنند. بلکه درکار انتقام به پیش می روند و به جای کشتن خود قاتل، افراد بیگناه و اشخاص زیادی را از قوم و قبیله قاتل هلاک می سازند. آن وقت است که خون ها بر زمین ریخته می شود، و این دسته آن دسته را می کشد، و آن دسته این دسته را، تا این که سرانجام سیلاب خون

¹. سوره مائده آیه (32)

². ترمذی، ابو عیسی، محمد بن عیسی، ت: 279 هـ - سنن ترمذی - ناشر: دار احیاء التراث، بیروت، سال: 1985م ج 18 ص 365. (البانی این حدیث را در صحیح الجامع الصغیر به شماره 5077 صحیح گفته است.)

جاری می‌گردد. قصاص حیات است چون قصاص باعث می‌شود که هرکسی بر خود ایمن گردد و به عدالت قصاص اطمینان حاصل کند. لذا هرکسی در امن و امان به کار می‌پردازد و به تولید دست می‌یازد. به ناگاه ملاحظه می‌شود که جملگی افراد ملت از حیات برخوردار می‌گردند و به زندگی می‌نشینند¹.

در واقع نمی‌توان کار مهم‌تر از قصاص را در کشوری که فساد و ناامنی گسترش یافته باشد یافت، این یگانه راه برای تامین درست امنیت اجتماعی است و روش بهتر از آن را نمی‌توان یافت، البته قصاص تنها در عوض خون نه بلکه در قرآن کریم و شریعت اسلام در اعضای بدن نیز مطلوب است.

2- **تعیین بدترین سزا برای او باشند:** قرآن برای تامین امنیت اجتماعی بدترین سزا و مجازات را برای اشخاص مفسد، قاتل، راهزن و دزد که هرکدام در اخلال امنیت، خون، مال، جان و آبروی مردم نقش عمده و اساسی دارند، سخت‌ترین سزا و کیفر را تعیین نموده است، این سزاها به گونه مختصر چنین شرح می‌گردند:

الف: سزای دزد قاتل: چنانچه در چند جای مختلف این بحث اشاره شد، قتل و کشتار از مهم‌ترین پدیده‌های است که امنیت اجتماعی را در یک جامعه از بین می‌برد، در قوانین وضعی معاصر سزای قاتل چند سال حبس تعیین گردیده است که به هیچ وجه نمی‌تواند کارگر واقع شود و امنیت مردم را تامین نماید؛ اما در قرآن کریم بدترین و سخت‌ترین سزا هم در دنیا و هم در آخرت بر آنانی وضع شده است که به خون مردم ارزشی قایل نیستند، چنانچه در مورد می‌گوید: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَةُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾²

ترجمه: و کسی که فرد مومنی را به قصد و عمد بکشد، پس جزای او جهنم است که در آن برای همیشه می‌ماند و خداوند بر بالای او خشمگین شده و او را لعنت کرده است و برایش عذاب بزرگی را آماده کرده است.

این سزای قاتل در آخرت است که خداوند به هیچ یک از گناهان بزرگ چنین وعید سختی نداده است، اما در دنیا هیچ سزایی به جز قصاص و اعدام نمی‌تواند پیامد های منفی قتل را پاک کند به همین وجه

¹ سید قطب، فی ظلال القرآن، ج 2 ص 342
² سوره نساء آیه (93)

قرآن یگانه راه حل را قصاص دانسته و می گوید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ﴾¹

ترجمه: ای مومنان قصاص بر بالای شما در مورد کشته شده ها، فرض و مقرر گردانیده شده است...

ب: سزای راهزنان و مفسدان: هدایت قرآن در این خصوص این است که قطاع الطريق و راهزنان نظر به کاری که مرتکب شده اند باید چنین مجازات شوند: چنانچه قرآن تصریح می کند: ﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾²

ترجمه: همانا کیفر آنان که با خدا و رسول به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آن ها را به قتل رسانده، یا به دار کشند و یا دست و پایشان به خلاف یکدیگر ببرند و یا به نفی و تبعید از سرزمین (صالحان) دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود.

ج: سزای دزدان عادی: قرآن در این مورد به مسلمانان این گونه خطاب می کند: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ

فَأَقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾³

ترجمه: دستان مردان و زنان سرقت کننده را برای انجام سزای کارشان، قطع کند این عذابی است از جانب خداوند و خداوند ذات گرامی و حکیم است.

در دین اسلام سزا و مجازات عمومی بوده و هیچ کس از آن مستثنا نیست چنانچه در حدیثی آمده است: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَنَّ فُرَيْشًا أَهَمَّهُمْ شَأْنُ الْمَخْرُومِيَّةِ الَّتِي سَرَقَتْ ، فَقَالُوا : وَمَنْ يَكَلِّمُ فِيهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ؟ فَقَالُوا : وَمَنْ يَجْتَرِئُ عَلَيْهِ إِلَّا أُسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ حِبُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، فَكَلَّمَهُ أُسَامَةُ ، فَقَالَ : أَتَشْفَعُ فِي حَدٍّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ ؟! ثُمَّ قَامَ فَأَخْتَطَبَ ، فَقَالَ : إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الشَّرِيفُ تَرَكَوهُ ، وَإِذَا سَرَقَ فِيهِمُ الضَّعِيفُ أَقَامُوا عَلَيْهِ الْحَدَّ ، وَأَيُّمُ اللَّهِ لَوْ أَنَّ

¹سوره بقره آیه (179)

²سوره مائده آیه (33)

³سوره مائده آیه (38)

فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ سَرَقَتْ لَقَطْعَتْ يَدَهَا»¹

ترجمه: عایشه رضی الله عنها می فرماید: قریش قضیه ی آن زن مخزومی که دزدی کرده بود برایشان بسیار مهم گردید، (زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم می خواست دستش را قطع نماید) گفتند: چه کسی با رسول الله صلی الله علیه و سلم صحبت می کند؟ پاسخ دادند: و چه کسی جز اسامه بن زید دوستدار و محبوب رسول الله صلی الله علیه و سلم جرات چنین کاری را دارد؟ اسامه نیز با پیامبر صلی الله علیه و سلم صحبت کرد (تا از قطع کردن دست او خودداری کند)، پیامبر صلی الله علیه و سلم به او فرمود: آیا در مجازاتی که خداوند قرار داده است میانجیگری می کنی؟ سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم بلند شده و شروع به صحبت نمودند و فرمودند: چیزی که باعث نابودی امتهای پیش از شما شده است این بود که وقتی انسانی اصل و نسب دار دزدی می کرد او را رها می کردند، و اگر شخصی با نسبی پایین دزدی می کرد مجازاتش می کردند، به خدا قسم اگر فاطمه دختر محمد دزدی کند دستش را قطع می کنم.

3- مجازات تهمت کننده برای حفظ امنیت روانی اجتماعی: همچنانکه قرآن کریم به خون، مال و آبروی انسان، ارزش قابل ملاحظه ای قایل است و به همین اساس کسانی را که مرتکب جنایت تهمت و بهتان بر شرف، عزت و آبروی دیگران می شوند و تهمت و ادعای خود را از طریق شهادت شاهدان عادل ثابت نمی سازند، مورد سرزنش و نکوهش قرار داده و برایشان شان سزای مناسبی را پیشنهاد کرده است که آن عبارت از هشتاد ضربه تازیانه است، خداوند می گوید: ﴿ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴾²

ترجمه: کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می دهند، سپس چهار گواه (بر ادعای خود، حاضر) نمی آورند، آنان را هشتاد تازیانه بزنید، و هرگز گواهی دادن آنان را نپذیرید، و چنین کسانی فاسق و متمرّد از فرمان خدا هستند.

دین اسلام، خون، مال و آبروی انسان را با هم مساوی می داند و به این سه عنصر اساسی به طور

1 بخاری، محمد ابن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالمعرفة، بیروت، لبنان حدیث شماره: (5954)

2 سوره نور آیه 4

یکسان ارزش داده است چنانچه در روایتی آمده است: **عن أبي هريرة¹ رضي الله عنه أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: «كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَعِرْضُهُ وَمَالُهُ»²**

ترجمه: از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - فرمودند: «تمام حقوق یک فرد مسلمان بر مسلمان دیگر حرام است: خونس، مالش و ناموسش.

به همین خاطر دین اسلام کسی را که به آبروی دیگران تجاوز می کند، سزای سختی را تعیین کرده است و باید چنین شخص در جلو مردم دره زده شود و شهادتش نیز دیگر قابل قبول نباشد، چون او با تهمت و دروغی که بر شخص بی گناه بسته است، اعتمادش را از دست داده است.

4- **مجازات متجاوز جنسی:** یکی از اهداف قرآن و شریعت اسلامی حفظ شرف و آبروی افراد جامعه است و به همین هدف کسانی که به هر نحوی این عزت را پامال می کنند و پرده شرم و حیا را می درند، به آنان نیز سزای سنگینی را وضع کرده است تا جامعه از لوث فساد پاک گردیده و شرف و عزت خانواده ها محفوظ بمانند و نسل بشری نیز مختلط نشود. قرآن کریم در این مورد می گوید:

﴿الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾³

ترجمه: هر یک از زن زناکار و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و در اجرای احکام دین خدا، رحم و شفقتی شما را فرا نگیرد، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید، و بر شکنجه ایشان گروهی از مومنان نیز باید حضور یابند.

شهید سید قطب رح می نویسد: «این آیه ، پس از قضیه افک به سال پنجم هجری (یا بنا به روایتی ، به سال چهارم هجری) نازل شده است . هنگامی که این آیه نازل شد، رسول خدا (صلي الله عليه و سلم)

¹ ابوهریره: عبدالرحمن بن صخر دوسي، ملقب به أبو هريرة، صحابی، و بیشترین احادیث را حفظ و روایت نموده، در زمان جاهلیت یتیم نشأت نمود، و به مدینه منوره آمد زمانیکه رسول الله-صلی الله علیه وسلم- در خیبر بود، در سال 7 هجری ایمان آورد، 5374 حدیث را روایت نموده، و بیشتر از 800 نفر از بین صحابه و تابعین از وی روایت نموده اند. (در اسم او و اسم پدرش اختلاف زیادی است)، در سال 58 هجری وفات نموده، و گفته شده 59، و گفته شده 57. مزی، جمال الدین أبی الحجاج یوسف (تهذیب الکمال) دارالعلم، بیروت، لبنان -، باب الهاء، 366/34

² نیشاپوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن، صحیح مسلم، محقق، محمد فؤاد عبد الباقي بیروت: ناشر، دار إحياء التراث العربی، شماره حدیث: 2564

³ .سوره نور آیه (2)

فرمود: «خذوا عني . خذوا عني قد جعل الله لهن سبيلاً...»¹ از من بیاموزید. از من بیاموزید. به راستی خداوند راهی برای آنان پیدا کرد... الی آخر راهی که خداوند برای آنان پیدا کرد، حکمی است که این آیه سوره نور، آن را در برگرفته است»².

مطلب چهارم: تاثیرات اقتصادی تمسک به قرآن

قرآن کریم به مال و دارای ارزش قایل شده است و انسان را امر کرده است تا آن را حفاظت و دفاع کند، به طور مثال قرآن کریم از سپردن مال به انسان های بی خرد نهی کرده است، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾³

ترجمه: اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید.

همچنان در روایت آمده است: «عن سعيد بن زيد⁴ قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: من قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ دِينِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قُتِلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ»⁵

ترجمه: سعید بن زید می گوید من از پیامبر اسلام-صلی الله علیه وسلم- شنیدم که می گفت: کسی در دفاع از مال خود کشته شود شهید است، کسی که در دفاع از خون خود کشته شود شهید است، کسی که در دفاع از دین خود کشته شود شهید است و کسی که در دفاع از اهل و خانواده خود کشته شود شهید است.

همچنان در روایت دیگر آمده است: عن أبي هريرة ، قال: جاء رجلٌ إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: يا رسول الله أرأيت إن جاء رجلٌ يريدُ أخذَ مالي؟ قال: فلا تُعْطِه مالكَ قال: أرأيت إن قاتلني؟ قال: قاتله. قال:

¹ این حدیث را امام مسلم به این عبارت روایت کرده است: وعن عبادة بن الصّامت رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «خذوا عني خذوا عني فقد جعل الله لهن سبيلاً: البكر بالبكر جلد مائة ونفسي سنة والثيب بالثيب جلد مائة والرجم» صحیح مسلم، شماره حدیث: 1690 ترجمه: از عبادة بن صامت رضي الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «از من بگیرید که خداوند برای آنان راهی قرار داده است، اگر بکر (فردی که ازدواج نکرده است) با زنی با کره ای زنا کرد؛ هر یک صد شلاق بخورد و یک سال تبعید شود. و هرگاه فرد متأهل (ازدواج کرده) با زن متأهل زنا کند؛ باید صد ضربه شلاق بخورد و سنگسار شود.

² سید قطب. فی ظلال القرآن. مترجم: مصطفی خرم دل، سال چاپ 1387 هجری، نشر احسان تهران. تفسیر آیه ج 3 صف 2

³ سوره نساء آیه 4

⁴ سعید بن زید بن عمرو بن نفیل العدوی القرشی، صحابی مشهور و از عشره مبشره است که در سال 22 قبل از هجرت در مکه تولد شد و به جزء غزوه بدر در تمام غزوات اشتراک نموده است، ابو عبیده او را والی دمشق تعیین نموده بود، او در مدینه در سال 51 وفات نموده و (48) حدیث روایت کرده است. زرکلی، الاعلام، (ج 3 ص 94)

⁵ ترمذی، محمد ابن عیسی، سنن الترمذی، شماره حدیث: 1357 (ترمذی در مورد حکم این حدیث گفته است: «حدیث حسن صحیح»).

أَرَأَيْتَ إِنْ قَتَلْتَنِي؟ قَالَ: فَأَنْتَ شَهِيدٌ قَالَ: أَرَأَيْتَ إِنْ قَتَلْتَهُ؟ قَالَ: هُوَ فِي النَّارِ¹

ترجمه: از ابوهریره - - رضي الله عنه - - روایت شده است که گفت: مردی نزد پیامبر - صلی الله علیه وآله وسلم - آمد و گفت: ای رسول خدا! اگر کسی بیاید و بخواهد مال مرا (به زور از من) بگیرد، چه کار کنم؟ فرمودند: «مال خود را به او نده»، گفت: اگر با من جنگ کرد؟ فرمودند: «تو هم با او جنگ کن»، گفت: اگر مرا کشت؟ فرمودند: «تو شهیدی»، گفت: اگر من او را کشتم؟ فرمودند: «او در آتش است».

این حدیث دلالت واضح بر این دارد که دفاع و حمایت از مال مسئولیت انسان و این در حقیقت تأثیر تربیه اقتصادی و ایجاد انگیزه بزرگ انسان می باشد.

قرآن کریم به روش های مختلف بالای انسان تأثیر اقتصادی دارد که در ذیل به برخی آن ها اشاره می شود:

اول: تشویق به صنعت: قرآن کریم به اشکال مختلف به صنعت و ساخت و ساز تاکید کرده است که ذیلاً مثال های آن بطور فشرده و مختصر بیان می شود:

1- **کسب نیروی صنعت و ساخت و ساز:** الله متعال در قرآن کریم مسلمانان را دستور می دهد تا هر قدر که می توانند قوت و نیروی صنعتی و اقتصادی خود را افزایش دهند و در این راستا خود را آماده کنند چنانچه می فرماید: ﴿وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾²

ترجمه: و برای (مبارزه با) آنان آنچه از نیرو و اسبان آماده دارید مهیا سازید تا با آن دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید، و کسانی دیگر جز آنان را نیز بترسانید که آنان را نمی شناسید، و خدا آنان را می شناسد، و هر چیزی که در راه خدا خرج کنید پاداش آن کاملاً به شما داده می شود و شما هیچ گونه ستمی نمی بینید.

1 نیشاپوری، مسلم بن الحجاج قشیری، (ت: 261 هـ - صحیح مسلم، تحقیق محمد فواد عبدالباقي، چاپ 1403 هـ - 1983 م دار الفکر، بیروت. شماره حدیث:

140

2 سوره انفال آیه 60

این آیه مسلمانان را به صنعت و ساخت ساز تجهیزات مختلف نظامی و غیر نظامی تاکید می کند و شامل تمام چیزهای است که مسلمانان بر آن در هر عصر و زمان ضرورت دارند، زحیلی در تفسیر این آیه چنین می نویسد: « أي هينوا لقتال الأعداء ما أمكنكم من أنواع القوى المادية والمعنوية المناسبة لكل زمان ومكان، ومن مرابطة الخيول في الثغور والحدود لأنها منفذ الأعداء ومواطن الهجوم على البلاد، وقد كانت الخيول أداة الحرب البرية الرهيبة في الماضي، وما تزال لها أهميتها أحيانا في بعض ظروف الحرب الحاضرة، مثل التجسس ونقل بعض المؤن والذخيرة في الطرق الجبلية، وإن كان الدور الحاسم اليوم هو لسلاح الطيران، والمدافع، والدبابات، والغواصات البحرية، فصار ذلك هو المتعين إعداده بدلا من الخيول لأن المهم تحقيق الأهداف، وأما الوسائل والآلات فهي التي يجب إعدادهما بحسب متطلبات العصر، ويكون المقصود هو إعداد جيش دائم مستعد للدفاع عن البلاد، ويتم ذلك بالمال المخصص لهذه المهمة، ودعمه بالسلاح الذي ينفق عليه من المسلمين بحسب الطاقة. وقد خص الله الخيل بالذكر، وإن كانت داخلة في القوة، تشريفا لها، وتكريما، واعتادا بأهميتها¹

ترجمه: یعنی برای جنگ با دشمن به هر اندازی که می توانید آماده گی بگیریید چه قوت مادی باشد و چه قوت معنوی مناسب با هر زمان و مکان، و همچنان تربیه و نگهداری اسب ها در مرزهای کشور از جمله این آماده گی است زیرا مرزها جای نفوذ و تهاجم دشمن بر شهرهای مختلف هستند، و اسب ها وسیله مهم جنگی در گذشته بودند و اکنون نیز در بعض حالات اهمیت شان محفوظ است، مانند جاسوسی و انتقال بعض مواد و ذخایر به کوه ها اگرچه امروز سلاح و قوت بزرگ عبارت است از طیاره ها، سلاح های مدافع، تانکها، زیردریایی ها و اکنون در عوض اسب ها آماده کردن این چنین وسایل جدید مهم است زیرا هدف قوت با این وسایل به دست می آید، و آماده کردن آلات و وسایل به اساس تقاضای زمان مطلوب است، همچنان مقصود از آمادگی تیار کردن لشکر دایمی و آماده باش برای دفاع از سرزمین ها است و این کار نیازمند تخصیص مال و بودجه و همچنان تقویه آن با سلاحی است که به انداز توان باید از جانب مسلمانان حمایت شود، الله متعال در این آیه اسب ها را خاص گردانید اگر چه اسب ها در قوت داخل است، اما این تخصیص به هدف اثبات شرافت، کرامت و اهمیت آمادگی آن است.

این آیه بر این صراحت به صنعت و تولید تاکید دارد ولی افسوس که مسلمانان با داشتن یک چنین دستور صریح و روشنی گویا همه چیز را به دست فراموشی سپرده اند، نه از فراهم ساختن نیروهای

¹ زحیلی، دوهبة بن مصطفى الزحيلي التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، الطبعة: 2، 1418 هـ دار الفكر المعاصر - دمشق. ج 10 ص 50

معنوی و روانی برای مقابله دشمن در میان آنها خبری هست و نه از نیروهای اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و عجب این است که با این فراموش کاری بزرگ و پشت سر انداختن چنین دستور صریحی باز خود را مسلمان می دانیم و گناه عقب افتادگی خود را به گردن اسلام می افکنیم و می گوئیم اگر اسلام آیین پیشرفت و پیروزی است پس چرا ما مسلمانها عقب افتاده ایم؟!¹

هر چند که ایمان به خدا و قوی بودن روحیه نقش تعیین کننده ای در جنگ مسلمانان با کفار داشت ولی نباید به نقشی که ابزار جنگی و سلاحها در پیروزی دارد غافل بود. از این جهت است که قرآن کریم از یک طرف مسلمانان را به استواری و صبر و استقامت و توکل به خدا در میدان جنگ می خواند و از سوی دیگر آنها را به تهیه ساز و برگ نظامی و مسلح شدن به سلاحهای روز دعوت می کند.

2- **ساختن سد با آهن و مس:** عملیات سدسازی با آهن و مس از اشارات دیگر قرآن در زمینه تقویه زیربنای صنعتی و اقتصادی است، چنانچه این مطلب در ذیل آیات ذیل بیان گردیده است: سوره کهف بیان شده است: ﴿قَالُوا يَا دَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا * قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا * آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا * فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا²

ترجمه: گفتند: ای ذوالقرنین! همان یاجوج و ماجوج در این سرزمین تباهاکارند، پس آیا (راضی هستی) که برای تو هزینه ای مقرر کنیم به شرط آنکه میان ما و ایشان سدی بسازی؟ گفت: آنچه پروردگام (از ثروت و نیرو و قدرت) در اختیار من گذاشته، بهتر است. پس مرا یاری کنید تا میان شما و ایشان سد بزرگ و محکمی بسازم، قطعات آهن را برای من بیاورید، تا آنگاه که بین دو کوه را برابر کرد، گفت: در آن بدمید، تا آنکه (آهن) را آتش نمود، گفت: مس گداخته شده بیاورید تا بر آن بریزیم. پس نتوانستند از آن بالا روند و (نیز) نتوانستند سوراخی در آن پدید آورند.

در این آیات اشاره به ساختن سد بزرگی از جنس آهن و مس شده است و این در حالی است که انسان امروزی، از این ابزار استفاده می کنند و این خداوند است که چنین قدرتی را به ذوالقرنین عطا نمود تا

1 مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. دار الکتب الإسلامية، تهران، ج 7 ص 223

2 سوره کهف آیه 94 - 97

جنگ و ستیز میان دو قوم یاجوج و ماجوج را به پایان ببرد و این در حقیقت اشاره و ترغیب به صنعت و ساخت و سازهای بزرگ در جامعه و استفاده از آهن و مس می باشد، چنانچه زحیلی در تفسیر این آیه می نویسد: «یستفاده من هذه الآيات إن أهل الصلاح والإخلاص يحرصون على إنجاز الأعمال ابتغاء وجه الله و إن الحديد والنحاس من مرتكزات الصناعة الثقيلة قديما وحديثا، فقد كانا أداة بناء السد المنيع على يد ذي القرنين، وهما الآن المادة الأساسية في الصناعات المختلفة الحربية والسلمية»¹

ترجمه: از این آیات برداشت می شود که اهل صلاح و اخلاص علاقه مند تطبیق کارهای بزرگ به خاطر کسب رضای خداون انجام می دهند و همچنان معلوم می شود که آهن و مس از چیزهای اساسی صنعت در گذشته و حال می باشند، و این دو عنصر وسایل عمده بنای سد محکم ذی القرنین بودند و اکنون نیز ماده اساسی در صنعت و ساخت و ساز های مختلف نظامی و غیرنظامی هستند.

همچنان در این آیه سد توسط ذوالقرنین و مراحل آن را در چند مرحله بیان شده است: جمع آوری قطعات آهن، چیدن آهن ها بر روی یکدیگر تا کاملا میان دو کوه پوشانده شود، آوردن مواد آتش زا (هیزم و مانند آن) و آن را در دو طرف سد قرار دادن، دمیدن در آتش تا قطعات آهن سرخ شوند، سرانجام ریختن مس نوب شده بر روی سد.²

3- **کشتی سازی و دریانوردی:** همچنان در قرآن کریم به ساختن کشتی و استفاده زیاد از آن در تجارت و حمل و نقل ترغیب و تشویق شده است چنانچه الله متعال به حضرت نوح- علیه السلام- دستور می دهد: ﴿وَ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَ وَحِينَا وَ لَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ﴾³

ترجمه: و زیر نظر ما و وحی ما کشتی را بساز، و درباره کسانی که ستم کرده اند با من سخن مگوی، چرا که آنان غرق شدنی اند.

مراد از وحی دستور عملی درباره ساختن کشتی و چگونگی وصل کردن چوبها و نیز درباره کوبیدن میخ ها است، که به طور محکم ساخته شود و با امواج خروشان طوفان که مدت زیادی به طول می انجامد، بتواند مقاومت نماید و وسیله رحمت و نجات سرنشینان آن از خطر غرق شدن گردد و منظور از

1 زحیلی، دوهیه بن مصطفی الزحیلی التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج، الطبعة: 2، 1418 هـ دار الفکر المعاصر - دمشق. ج 16 ص 31

2 مکارم شیرازی، ناصر. (1374). تفسیر نمونه. دار الکتب الإسلامية، تهران، ج 12 ص 535

3 سوره هود آیه 37

کلمه «اعیننا» اشاره به این است که تمام تلاشها و کوشش های تو در این زمینه در حضور ما است، بنابراین با فکر راحت به کار خویش ادامه ده، طبیعی است این احساس که خداوند حاضر و ناظر است و محافظ و مراقب می باشد به انسان هم توان و نیرو می بخشد، و هم احساس مسئولیت بیشتر! و از کلمه «وحنینا» چنین بر می آید که نوح چگونگی ساختن کشتی را نیز از فرمان خدا می آموخت و باید هم چنین باشد، زیرا نوح پیش خود نمی دانست ابعاد عظمت طوفان آینده چه اندازه است تا کشتی خود را متناسب با آن بسازد، و این وحی الهی بود که او را در انتخاب بهترین کیفیت ها یاری می کرد¹.

کشتی در قرآن از وسایل مهم برای حمل و نقل گفته شده است که منافع بزرگی را برای انسان ها در قبال دارد و این وسیله مهم از جمله آیات و نشانه های وجود و عظمت خداوند محسوب شده است، قسمی که الله متعال می گوید: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾²

ترجمه: محققا در خلقت آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز، و کشتی ها که بر روی آب برای انتفاع خلق در حرکت است، و بارانی که خدا از بالا فرو فرستاد تا به آن آب، زمین را بعد از مردن زنده کرد و سبز و خرم گردانید، و در پراکندن انواع حیوانات در زمین، و گردانیدن بادها (به هر طرف) و در خلقت ابر که میان زمین و آسمان مسخر است، در همه این امور ادله ای واضح برای عاقلان است.

دوم: ترغیب به تجارت

از آن جایی که قرآن یکی از اهداف آفرینش و خلافت انسانی در قرارگاه زمین و ماموریت انسان را، آبادانی و استعمار زمین و ایجاد تمدنی بشری می داند، مسائل اقتصادی در همه اشکال و ابعاد آن به عنوان مساله ای مهم مورد توجه و تاکید بوده است و راهنمایی ها و راهکارهایی برای رسیدن به این هدف ارایه داده است، الله متعال به حفاظت و ارزش دهی به مال تاکید کرده است و آن را قوام و مایه حفظ بقای زندگی دانسته است، چنانچه الله متعال می فرماید: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ

1 شیرازی، مکارم، تفسیر نمونه، ج 9 ص 90
2 سوره بقره آیه 164

قِيَاماً وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا¹

ترجمه: و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام (زندگی) شما گردانده است، به سفیهان مدهید و از (عواید) آن روزی و پوشاک آنها را بدهید، و با آنان سخن خوب و شایسته بگویید.

از این آیه معلوم می شود که مال سبب قوام و ادامه حیات است و با تجارت مال افزایش می یابد و سبب شگوفایی جامعه می گردد.

همچنان خداوند متعال در آیه دیگر تجارت و مبادلات اقتصادی مشروع را مایه حفظ جامعه از تباهی و نابودی بر می شمارد؛ چنانچه فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا²

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! مال هایتان را در میان خود به ناحق نخورید، مگر اینکه تجارتي باشد که از رضایت شما سرچشمه بگیرد، و خود را نکشید، همانا خداوند نسبت به شما مهربان است.

جمله «ولا تقتلوا انفسکم» را برخی مفسرین به ماقبل ارتباط داده و چنین نوشته اند: «لا تقتلوا انفسکم بأكل بعضكم أموال بعض وبارتکابکم للمعاصي التي نهى الله عنها ، فإن ذلك يؤدي إلى إفساد أمرکم ، وذهاب ریحکم ، وتمزق وحدتکم ، ولا قتل للأمم والجماعات أشد من فساد أمرها ، وذهاب ریحها»³

ترجمه: یعنی خود را با خوردن اموال برخی دیگر و با ارتکاب گناهانی که الله از آن نهی کرده است نکشید، زیرا این امر باعث فساد امور، از بین رفتن قوت و پاره شدن وحدت می شود و قتل امت ها و گروه ها شدید تر از فساد امور و از بین رفتن قوت شان نیست.

حافظ ابن کثیر-رحمه الله- در تفسیر خود همین معنا را ترجیح داده و می نویسد: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَي بارتکاب محارم الله - وتعاطی معاصیه، وأكل أموالکم بینکم بالباطل»⁴

ترجمه: و خود را نکشید یعنی به ارتکاب محارم الله، انجام دادن گناهان و خوردن اموال یک دیگر در

1 سوره نساء آیه 5

2 سوره نساء آیه 29

3 طنطاوي، د.سید محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره، الطبعة، الأولى دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة 1998م. ج 3 ص

127

4 ابن کثیر-رحمه الله-، ابو الفداء اسماعیل، تفسیر قرآن العظیم، دار طیبہ للنشر و التوزيع، 1420هـ-1999م. بیروت، لبنان ج 1 ص 480

میان تان به گونه ناحق و نا مشروع.

همچنان الله متعال تبیین می کند که چگونه تجارت عادلانه می تواند راه خیر و صلاح جامعه باشد و جامعه به سوی حق و حقیقت و کمالات حقیقی حرکت کرده و مسئولیت و مأموریت الهی خویش را در قرارگاه زمین انجام دهد، چنانچه می فرماید: ﴿وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ¹

ترجمه: و به سوی مدین برادرشان شعیب را فرستادیم، و گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید، شما معبود به حقی جز او ندارید، همانا دلیلی از جانب پروردگارتان پیش شما آمده است، پس پیمانان و ترازو را کامل نمایید، و حقوق و اموال مردم را کم نکنید، و در زمین پس از اصلاح آن فساد و تباهی نوزید. این برایتان بهتر است اگر شما مؤمن هستید.

از این آیه معلوم می شود که هدف خداوند از ارسال پیامبران اصلاح مال و تجارت برای برپایی و شکوفایی جامعه است و معلوم می شود که عدم مدیریت تجارت باعث فساد می شود و اگر مبادلات اقتصادی از هر گونه امور نامشروع و باطل و فساد دور باشد، جامعه به سوی رشد و شکوفایی سوق می یابد و همان گونه که تجارت باطل و تملک اموال از باطل و نامشروع موجبات تباهی و نابودی جامعه می شود، مبادلات سالم و مشروع می تواند جامعه را حفظ کرده و بلکه به سوی رشد و اصلاح بکشانند؛ زیرا با اصلاح امور اقتصادی است که جامعه ظرفیت بهره گیری از همه توانمندی ها را می یابد و به همه فرصت رشد و تکامل داده می شود.

همچنان در احادیث نبوی به اشکال گوناگون به تجارت اهمیت داده شده است که به طور مثال چند نمونه آن ذیلاً بیان می گردد:

1- **حشر شدن تجاران صادق با انبیاء:** در دین اسلام به تجارت چنان اهمیت داده شده است که کسی که با صداقت و راستی تجارت می کند گفته است تجاران صادق با انبیاء حشر می شوند چنانچه در

¹ سوره اعراف آیه 85

روایت آمده است: «عن أبي سعيد¹ : عن النبي صلى الله عليه وسلم قال التاجر الصدوق الأمين مع النبيين والصديقين والشهداء»²

ترجمه: ابو سعید خدری -رضی الله عنه- از پیامبر اسلام-صلی الله علیه وسلم- روایت می کند که آنحضرت -صلی الله علیه وسلم- گفته است: تاجر راستگو و امین به همراه پیامبران، صدیقین و شهداء می باشد.

2- شمردن تجارت از بهترین شغل ها: تجارت نیک و مطابق اصول و مقررات شرعی از بهترین کسب ها شمرده شده است، چنانچه در روایت آمده است: «عَنْ رَافِعِ بْنِ خَدِيجٍ³ قَالَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الْكَسْبِ أَطْيَبُ قَالَ عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ وَكُلُّ بَيْعٍ مَبْرُورٍ»⁴

ترجمه: از رافع بن خدیج روایت است که گفته است: برای پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- گفته شد کدام نوع کسب بهتر و پاک تر است؟ وی گفت: کسب و کار توسط دست و هر بیه و خرید و فروش به روش نیک و صادقانه.

1 أبو سعيد الخدري: نام او سعد بن مالك بن سنان، خدري انصاري، خزر جي است که در سال 10 قبل از هجرت تولد شده و یکی از اصحاب ملازمت کننده در سفر و حضر با پیامبر اسلام -صلی الله علیه وسلم- بود، احادیث زیادی روایت کرده است و در سال 74 هجری در مدینه فوت کرده است. زرکلی، الاعلام (ج 3 ص 87)

2 ترمذی، محمد بن عیسی، أبوی عیسی، (1422 هـ) الجامع الصحیح سنن الترمذی، تحقیق: احمد شاکر، ط: 1، دارأحیا التراث العربی، بیروت، لبنان شماره حدیث: 1209 (البانی این حدیث را در ذیل همین روایت ضعیف گفته است.)

3 رافع بن خدیج بن رافع انصاري اوسي حارثي: صحابي مشهور است که در سال 12 قبل از هجرت تولد شد و در جنگ های احد و خندق اشتراک ورید، او سرانجام به اثر جراحت در سال 74 شهید شد و (78) حدیث روایت کرده است. زرکلی، الاعلام (ج 3 ص 12)

4 ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن حنبل، مسند احمد، مؤسسة الرسالة، طبع: 2، 1420 هـ، 1999م، بیروت، لبنان، شماره حدیث: 17265

خاتمه

نتیجه گیری

از آنچه که در مورد تمسک به قرآن از دیدگاه قرآن و سنت طی سه فصل نوشته شد، چنین نتیجه گیری می شود:

- 1- تمسک به قرآن کریم مقصود و مرام اصلی قرآن است چون این کتاب برای این نازل شده است تا انسان ها از آن پیروی نموده و به آن ملتزم باشند.
- 2- تمسک به قرآن کریم سبب می شود که انسان مطیع و فرمان بردار خداوند می شود زیرا خداوند متعال متعال تمسک به قرآن عظیم الشان را بالای مسلمانان واجب گردانیده است تا همه به آن جنگ بزنند.
- 3- تمسک و چنگ زدن به قرآن باعث حصول برکت و همچنان کسب شهرت و نام نیک می شود.
- 4- تمسک به قرآن کریم باعث یک دسته گی و نجات از تفرقه می شود، و همچنان به وسیله تمسک به قرآن کریم، انسان به هدایت اقوم یعنی به چنان راهی می رسد که ثابت است و هیچ نوع انحراف و کجی ندارد.
- 5- تمسک به قرآن کریم از طریق تلاوت آیات آن و عمل به احکام آن مانند اقامه نماز و انفاق فی سبیل الله از جمله تجارتي به شمار رفته است که همیشه با رونق است و در آن کساد رخ نمی دهد.
- 6- یکی دیگر از فضایل تمسک به قرآن این است که انسان به بهترین مقام و منزلت در نزد خداوند و مردم می رسد و خداوند متعال خودش حال و احوال انسان عامل به قرآن را اصلاح می کند و تمسک به قرآن سبب پوشاندن گناه و اصلاح حال می شود.
- 7- از مظاهر و نشانه های تمسک به قرآن این است که به آن عنایت و توجه کنند و از آن اعراض و روی گردانی نکنند و همچنان آن مهجور و متروک قرار ندهند.
- 8- تدبر و دقت در آیات قرآن در فهم آن نقش اساسی دارد و بینش و عقیده و فکر انسان را نسبت به هر چیز متحول می کند و این از مظاهر تمسک به قرآن است.
- 9- از مظاهر و نشانه های مهم تمسک به قرآن، تعلیم و تعلم آن است و در آیات و احادیث به آموختن و آموزاندن این کتاب بزرگ تاکیدات زیادی صورت گرفته است.
- 10- همچنان از مظاهر و نشانه های تمسک به قرآن این است که یک مسلمان باید این کتاب بزرگ را

تعظیم کند و به آن به گونه واقعی ایمان بیاورد، ایمان واقعی به قرآن، مظهر تعظیم این کتاب آسمانی است.

11- از مهم ترین نشانه های تمسک به قرآن این است که اهل قرآن خود را به اخلاق قرآنی آراسته کند، آراسته شدن به اخلاق قرآنی به این مفهوم است که اهل قرآن تمام اخلاقیات نیک و پسندیده ای را که در قرآن کریم وجود دارد در خود پیاده کند و خود را الگو و قدوه بسازد.

12- تمام اعمال و کارکردهای انسان نتیجه افکار و باور های او است، قرآن کریم در قدم نخست اصلاح عقیده و اندیشه را هدف قرار داده و می خواهد شیوه تفکر انسان را تغییر دهد، و انسان را آگاه می سازد که در آفرینش و هدایت او نقش دارد که هیچ لحظه ای از گوشه های زنده گی و طرز رفتار و کردارش از او پنهان نیست.

13- تمسک به قرآن تاثیرات بزرگ در قسمت دعوت و اصلاح جامعه دارد، قرآن کریم برای آوردن اصلاح و تغییر چند رکن مهم را اساس گذاشته است که آن ها عبارت اند از: وجود مصلح و دعوتگر آگاه، مراعات حکمت در امر اصلاح، پند و موعظه به روش حسن، جدال و گفتگوی نیک و تلاش دوامدار و عدم یأس و استعجال.

14- تمسک به قرآن آثار زیادی در مورد پیشرفت، انکشاف و تمدن بشری دارد چون نظر به حالت عرب ها و سایر مجتمعات انسانی پیش از نزول قرآن کریم همه می دانند که کرامت انسانی زیر پای بود، به زنان حق داده نمی شد و ظلم و وحشت عام بود و با نزول قرآن کریم، تغییرات و تاثیرات چشم گیر در تمدن و انکشاف بشری صورت گرفت.

15- از تاثیرات امنیتی قرآن این است که این کتاب آسمانی برای اینکه امنیت کامل جامعه را فرا گیرد یک سلسله مجازاتی را وضع کرده است که با تطبیق آن بدون شک امنیت اجتماعی حکمفرما می شود مانند قصاص، قطع دست دزد، اعدام مفسدین فی الارض و سزای متجاوزان جنسی و کسانی که آبروی مردم را مورد تعرض می دهند.

16- قرآن کریم به روش های مختلف بالای انسان تاثیر اقتصادی دارد به طور مثال به مال و دارای ارزش قایل شده است و انسان را امر کرده است تا آن را حفاظت و دفاع کند، به طور مثال قرآن کریم از سپردن مال به انسان های بی خرد نهی کرده است.

پیشنهاد ها

بعد از اینکه اهمیت تمسک به قرآن از دیدگاه قرآن و سنت از مطالب و مباحث این تحقیق دانسته شد،

مناسب می دانم به عنوان پیشنهادات نکات ذیل را ارایه کنم:

1- راجع به موضوعات مشابه مانند: تاثیرات اقتصادی قرآن کریم، تاثیرات تمدنی و انکشافی قرآن

کریم و همچنان نقش قرآن در انکشاف، تمدن و پیشرفت رساله های ویژه نوشته شود و این

موضوعات به محصلان رشته تفسیر و حدیث ماستری داده شود تا روی آن تحقیق کنند.

2- عموم مسلمانان باید بار دیگر به قرآن مراجعه کنند و عظمت آن را درک کنند.

3- در مورد عظمت و اهمیت قرآن در زندگی باید بحث ها و رساله های مختلف نوشته شود تا از این

طریق بتوانیم اهمیت قرآن را در دیدگاه مردم بیشتر کنیم.

4- در مساجد و نهادهای تعلیمی و تحصیلی باید روی عظمت قرآن بحث شود و از طریق برنامه های

مختلف این موضوع تذکر داده شود.

5- فهم قرآن باید در اولویت قرار داده شود و به این نکته باید تمرکز شود.

فهرست آیات

شماره	طرف آیه	صفحه
1.	اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ	1
2.	لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا	1
3.	إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ	9
4.	قُلْ لَنْ أَجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ	11
5.	وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ	11
6.	إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ	12
7.	وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ	13
8.	وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ	14
9.	الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا	15
10.	تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا	16
11.	شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ	16
12.	يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا	17
13.	قُلْ إِنَّ رَبِّي يَفْقِهُ بِالْحَقِّ عَلَامَ الْغُيُوبِ	18
14.	قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ	18
15.	وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي	19
16.	يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ	20
17.	قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ	20
18.	وَنَنْزَلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ	20
19.	اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ	21
20.	تَنْزِيلِ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ	22

22	21.	أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ
24	22.	تَنْزِيلِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ
26	23.	إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ
27	24.	إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ
28	25.	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ
29	26.	وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ
31	27.	لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ
34	28.	وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا
34	29.	إِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ
36	30.	وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.
40	31.	إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَٰئِكَ
40	32.	وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا
41	33.	يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ
41	34.	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ
42	35.	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ
43	36.	وَ كَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا
43	37.	وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ
44	38.	وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظِلَّةٌ وَظَنُوا أَنَّهُ وَقَعٌ بِهِمْ
45	39.	الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ
47	40.	فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
49	41.	وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ
50	42.	وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ
53	43.	إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ
55	44.	وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ

57	إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ	45.
60	وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ	46.
62	وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى	47.
63	وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا	48.
65	إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ	49.
68	قُلْ أُوْحِي إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا	50.
69	وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ	51.
69	وَإِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ	52.
70	أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ	53.
70	إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ	54.
71	هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ	55.
72	إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ بَعْدِ	56.
73	إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّا فَاُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ	57.
73	الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ	58.
74	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي	59.
74	آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ	60.
75	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ	61.
79	يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ	62.
80	إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا	63.
80	وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمَّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ	64.
81	يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ	65.
82	وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ	66.
82	أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وِزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ	67.
82	سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ	68.

83	يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا	69.
85	قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي	70.
86	يُوتَى الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا	71.
89	اذهب إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى	72.
91	وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ	73.
92	أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ	74.
92	أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ	75.
94	وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا	76.
94	وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ	77.
95	وَالَّذِينَ تَبَوَّعُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ	78.
97	وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ	79.
97	فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ	80.
99	إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ	81.
100	إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ	82.
100	يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ	83.
100	وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ	84.
102	يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَائِيلٍ وَ جِفَانٍ	85.
103	وَ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غَدُوها شَهْرٌ وَ رَوَاحُها شَهْرٌ وَ أَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ	86.
104	قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ	87.
105	مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ	88.
108	وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ	89.
109	إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ	90.
109	لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ	91.
109	وَاجْعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً	92.

110	فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ آوَى إِلَيْهِ أَبْوِيهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ	.93
111	وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ	.94
116	إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا	.95
117	وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً	.96
100	إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا	.97
114	الزَّانِيَةَ وَالزَّانِيَ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا	.98

فهرست احاديث

شماره	طرف حديث	صفحه
1.	اقْرَأُوا الزَّهْرَاوَيْنِ الْبَقْرَةَ وَسُورَةَ آلِ عِمْرَانَ فَإِنَّهُمَا تَأْتِيَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	59
2.	اقْرَأْ عَلَيَّ الْقُرْآنَ»، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَقْرَأُ عَلَيْكَ وَعَلَيْكَ أَنْزَلَ	68
3.	اقْرَأُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ شَفِيعاً	59
4.	إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهِذَا الْكِتَابِ أَقْوَاماً وَيَضَعُ بِهِ	60
5.	أَنْ قَرَيْشاً أَهْمَهُمْ شَأْنُ الْمَخْزُومِيَّةِ الَّتِي سَرَقَتْ	111
6.	أَيُّ الْكَسْبِ أَطْيَبُ قَالَ عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ وَكُلُّ بَيْعٍ مَبْرُورٍ	122
7.	أَيْكُم يَحِبُّ أَنْ يَغْدُوَ كُلَّ يَوْمٍ إِلَى بَطْحَانَ وَالْعَقِيقِ فَيَأْتِي مِنْهُ بِنَاقَتَيْنِ	69
8.	تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا: كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّةَ نَبِيِّهِ	38
9.	جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَأَيْتَ إِنْ جَاءَ رَجُلٌ	114
10.	خَرَجَ إِلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- وَنَحْنُ فِي الصَّفَةِ فَقَالَ: أَيْكُم	58
11.	خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ	69 .58
12.	الدِّينَ النَّصِيحَةَ قُلْنَا: لِمَنْ؟ قَالَ «لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ	61
13.	رَأَيْتُ جِبْرِيْلَ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى عَلَيْهِ سِتُّ مِائَةٍ جَنَاحٍ يُنْتَنِرُ مِنْ رِيْشِهِ	23
14.	الْقُرْآنَ شَافِعٌ مُشَفِّعٌ، وَمَا حَلَّ مُصَدِّقٌ، مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ	59
15.	كَانَ خُلِقَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْقُرْآنَ	44
16.	كِتَابَ اللَّهِ هُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَمْدُودُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ	45
17.	كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَعَرِضُهُ وَمَالُهُ	112
18.	الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَسْلُمُهُ وَمَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ	92
19.	مَنْ تَعَلَّمَ كِتَابَ اللَّهِ ثُمَّ اتَّبَعَ مَا فِيهِ هَدَاهُ اللَّهُ مِنَ الضَّلَالَةِ	58
20.	مَنْ قَتَلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ، وَمَنْ قَتَلَ دُونَ دَمِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ	114
21.	الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَعْمَلُ بِهِ كَالْأَتْرَجَةِ، طَعْمُهَا طَيِّبٌ وَرِيْحُهَا طَيِّبٌ	80

فهرست اعلام

شماره	نام	صفحه
1.	ابن جریر طبری	46
2.	ابن عاشور	107 .53 .35
3.	ابن فارس	16.18.19.40
4.	ابن قیم	65
5.	ابن کثیر	80 .78 .42 .27
6.	ابن منظور	16.17.20.37
7.	ابو سعید خدری	122
8.	ابو موسی اشعری	81
9.	ابو هریره	113
10.	احمد بن حنبل	56 .1
11.	امام رازی	16.42.47.86.118
12.	امام شافعی	25
13.	امام نووی	62.65
14.	بیضاوی	129
15.	تمیم بن اوس داری	63
16.	جابر بن عبدالله	59
17.	جوهری	37

100	ذوالقرنين	.18
17.19.29.37	راغب اصفهانی	.19
122	رافع بن خدیج	.20
86.87	رشید رضا	.21
116 .96 .55 .49 .47.48	زحیلی	.22
115	سعید بن زید	.23
114	سعید بن زید	.24
83 .56 .50 .46 .22 .14	سید قطب	.25
26.65	سیوطی	.26
53.73	شنقیطی	.27
112 .74	عائشة	.28
78 ،59	عبدالله بن عباس	.29
68	عبدالله بن مسعود	.30
56 .23	عثمان بن عفان	.31
58	عثمان بن عفان	.32
58	عقبه بن عامر	.33
45.65 .30	قرطبی	.34
38	مناوی	.35

فهرست منابع

1. القرآن الكريم
2. ابن اثير، ابوالسعادات مبارك بن محمد (544- 606ق) ، النهاية فى غريب الحديث، تحقيق د. محمود محمد الطناحى. دار المعرفة، بيروت لبنان،
3. ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن حنبل، مسند احمد، مؤسسة الرسالة، طبع:2، 1420 هـ ، 1999م،
4. ابن رجب حنبلى، جامع العلوم والحكم في شرح خمسين حديثا من جوامع الكلم، المكتبة الشاملة، اصدار 3.32
5. ابن عاشور، محمد الطاهر بن عاشور، التحرير و التنوير، دار سحنون للنشر والتوزيع - تونس - 1997 م
6. ابن قيم، محمد بن أبي بكر أيوب الزرعي، مدارج السالكين بين منازل إياك نعبد وإياك نستعين، الطبعة الثانية ، 1393 - 1973 دار الكتاب العربي – بيروت
7. ابن كثير-رحمه الله-، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير دمشقي، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: سامي بن محمد سلامة، دار طيبة، طبع دوم، 1420 هـ - 1999 م
8. ابن منظور، محمد بن مكرم (735 هـ) لسان العرب، ط: 1، 1408 هـ، دار صادر، بيروت.
9. أبو زهره ، محمد1379 هـ ق ، معجزه بزرگ، پژوهشي در علوم قرآن ، مترجم محمود ذبيحي، چاپ مشهد ، ايران،
10. ابوسعود بن محمد بن مصطفى (ت:982 هـ) إرشاد العقل السليم الى مزايا الكتاب الكريم) دار احياء التراث العربى بيروت
11. آجرى، أَبِي بَكْرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ (ت:360 هـ) أَخْلَاقُ حَمَلَةِ الْقُرْآنِ، الطَّبَعَةُ الْأُولَى 1426 هـ /2005 م
12. افغانى ، مولانا شمس الحق 1381 هـ ش، علوم القرآن ، مترجم: سيد محمد يوسف حسين پور ، انتشارات دانشگاه فردوسي مشهد ، ايران،
13. اندلسى، عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، بيروت، ط:1، دار الكتب العلمية 1422 هـ.
14. بخارى، محمد ابن اسماعيل، صحيح البخارى، دار المعرفة، بيروت، لبنان
15. بيومي مهران، محمد، بررسي تاريخي قصص قرآن، ترجمه مسعود انصاري، نشر علمي و فرهنگي، 1383 تهران،

16. ترمذى، ابو عيسى، محمد بن عيسى ، ت: 279 هـ - سنن ترمذى - ناشر: دار احياء التراث، بيروت، سال: 1985م
17. ثعلبى نيشابورى، اسحاق بن احمد، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بيروت، دار إحياء التراث العربى، ط: 1، 1422، هـ - 2002 م.
18. جان، الدر، باستان شناسي كتاب مقدس، ترجمه سهيل آذري، تهران، نور جهان، 1335.
19. جرجانى، علي بن محمد بن علي الجرجاني، التعريفات، دار الكتاب العربي - بيروت طبع اول، 1405. تحقيق: إبراهيم الأبياري.
20. جوهرى، اسماعيل بن حماد (ت: 393هـ)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، دار العلم الملايين - بيروت 1979م.
21. حمزة إبراهيم فودة، العلاقة الإنسانية في القرآن الكريم، دار الطيبة للنشر والتوزيع، الرياض، المملكة العربية السعودية.
22. دراز، عبدالله، النبأ العظيم، دار الطيبة للنشر والتوزيع، الرياض، المملكة العربية السعودية، سال چاپ: 1997،
23. دكتور محمد عماره، مقومات الامن الاجتماعى فى الاسلام، مكتبة الامام البخارى للنشر والتوزيع، 2009م ، قاهره ، مصر ،
24. دوسرى، محمود بن احمد بن صالح، عظمة القرآن الكريم، دار ابن الجوزى، الكتيبات الاسلامية
25. راغب اصفهانى، حسين بن محمد (م 396-401) تحقيق صفوان عدنان، المفردات فى غريب القرآن، ط: الأولى، 1412، دار القلم، دمشق.
26. رشيد رضا، محمد رشيد بن على رضا، تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار) هيئة المصرية العامة للكتاب، 1990م.
27. زحيلي، دوهبة بن مصطفى الزحيلي التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، الطبعة: 2، 1418 هـ دار الفكر المعاصر - دمشق.
28. زرقانى، عبدالعظيم، مناهل العرفان فى علوم القرآن، مطبعة البايى الحليى، چاپ دوم،
29. زمخشري، جارالله، الفائق فى غريب الحديث و الأثر دار المعرفة، بيروت لبنان، چاپ دوم.
30. زنداني، عبدالمجيد ، 1379 هـ ش ، جلوه هاي از اعجاز علمي قرآن و حديث، مترجم حسين يزداني، مؤسسه انتشارات الأزهر ، پشاور ، پاكستان
31. سعدى، عبدالرحمن بن ناصر، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، مؤسسة الرسالة، طبع: 1،

1420 هـ - 2000 م

32. سلمان السندي، تدبر القرآن، الطبعة الثانية 2002م، الرياض: مكتبة الملك فهد الوطنية،
33. سمرقندي، أبو الليث نصر بن محمد بن إبراهيم، بحر العلوم، دار الفكر - بيروت
34. سيد قطب. في ظلال القرآن. مترجم: مصطفى خرم دل، سال چاپ 1387 هجرى، ناشر: نشر احسان تهران..
35. سيوطى ابوبكر جلال الدين، الإقتان فى علوم القرآن، ترجمه مهدي حائرى قزوينى، چاپ تهران أميركبير
36. شعراوى، محمد متولى، تفسير الشعراوى للقرآن العظيم، المكتبة الشاملة اصدار 3.32
37. شنقيطى، اضواء البيان فى تفسير القرآن بالقرآن، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع بيروت - لبنان 1415 هـ - 1995 م
38. شوكانى، محمد بن علي بن محمد، فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية من علم التفسير، دار ابن كثير، الطبعة، الأولى 1414 هـ. بيروت،
39. طنطاوي، د.سيد محمد، التفسير الوسيط للقرآن الكريم، قاهره، الطبعة، الأولى دار نهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع، الفجالة 1998م.
40. علوان، عبدالله ناصيح، كيف نربى أولادنا، عبدالله ناصح علوان، ترجمه: عبدالله احمدى، المكتبة الشاملة،
41. قرائتى، محسن، تفسير نور، قم، دفتر انتشارات اسلامى، چاپ پنجم، 1417ق ، ايران،
42. قرطبي، أبي عبدالله محمد بن أحمد الأنصاري، 1408 هـ ق الجامع لأحكام القرآن، دارالكتب العربى: بيروت، لبنان.
43. قرنى، دكتور عائض القرنى، فنون دعوت، دكتور عائض القرنى، مترجم: عبدالقادر ترشابى،
www.aqeedeh.com
44. مالك، أبو عبدالله بن أنس الأصبحي، (ت: 179 هـ) المؤطاء دار الفكر للنشر و التوزيع، سال چاپ 1406 هـ- 1986م.
45. محمد سرور بن نايف زين العابدين، منهج الأنبياء في الدعوة إلى الله، دار الأرقم، 1988م.
46. محمد قطب، روش تربيتى اسلام، ترجمه: دكتور سيد محمد مهدي جعفري، كتابخانه عقيدة،
47. مصباح الله عبد الباقي، قرآن و علوم معاصر، انتشارات مستقبل، 1397 كابل افغانستان،
48. مصطفى ديب البغا، الواضع فى علوم القرآن، دار الكلم الطيب، دمشق، سوريه، سال 1998م

49. مكارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. دار الکتب الإسلامیة، تهران
50. مناوی، محمد عبد الرؤوف المناوی، التوقیف علی مهمات التعریف، دار الفكر المعاصر، الطبعة الأولى، (1410) بیروت.
51. ندوی، سید ابوالحسن علی ندوی، اصول و مبادئ فهم قرآن، ترجمه، محمد قاسم قاسمی، کتابخانه عقیده،
52. نووی، محیی الدین یحیی بن شرف بن مری، المنهاج شرح النووی علی مسلم، الرياض-السعودیه، بیت الأفكار الدولیه،
53. نیشاپوری، مسلم بن الحجاج قشیری، (ت: 261ھ صحیح مسلم، تحقیق محمد فواد عبدالباقي، چاپ 1403ھ-1983م دار الفكر، بیروت.

Summary of the discussion

This research is written in an introduction and three chapters on the subject of adherence to the Qur'an from the perspective of the Qur'an and Sunnah, which is summarized and summarized as follows:

Reliance is to take something, to belong to it and to cling to it, and the main purpose and motto of the revelation of the Qur'an is for human beings to follow and adhere to it, this concept in the Holy Qur'an under other terms such as subjects, obedience, Strike and potential gain have been referred to. Relying on the Holy Quran has many virtues, including that it brings blessings and gaining fame and good name, creates unity and saves from division, and causes man to find a way. Let it be fixed and there is no deviation. Reliance on the Qur'an has its manifestations and signs Such as: attention and attention to it and not deviating from it, turning away from it, contemplation and accuracy in its verses. Teaching and learning, bowing and respect, as well as the most important manifestation and sign of adherence to the Qur'an is that man truly believes in it and adorns himself with Qur'anic morality and implements the good Qur'anic morality in himself and makes himself a model Make.

Relying on the Qur'an has great spiritual and material effects. The Holy Qur'an, in the first place, aims at reforming belief and thought and wants to change the way of thinking of man. The Holy Qur'an has also established several important pillars to bring about reform and change. These are: the existence of a conscious reformer and caller, observance of wisdom in the matter of reform, admonition and preaching in a good way, good debate and dialogue, and continuous effort, and not despair and haste. Reliance on the Holy Quran also has many implications for human progress, development and civilization Because according to the Arabs and other human communities before the

revelation of the Holy Quran, everyone knows that human dignity was under pressure, women were not given the right and oppression and terror were common, and with the revelation of the Holy Quran, significant changes and effects on civilization And human development took place. One of the security effects of the Qur'an is that it has imposed a series of punishments, the implementation of which will undoubtedly lead to social security, such as retribution, amputation of thieves, execution of corruptors on earth and punishment for sexual assailants and those who insult people's honor. , And the economic impact of the Holy Qur'an is that the Qur'an has encouraged man to trade, industry and preserve property.

Keywords: reliance, Quran.Sunnah. Etesam.



Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Salaam University

Faculty of Sharia

Department of Tafsir and Hadith

Master Schooling Program



Reliance on the Qur'an from the perspective of the Qur'an and Sunnah

(A master's thesis)

Student: Ashraf Noor

Supervisor: Dr. Fasihullah Abdulbaqi

Year: 2020



Salam University
Faculty of Sharia & Law
Master Program in Tafseer & Hadith



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of higher education
DM of Academic Affairs

Reliance on the Quran from the perspective of the Quran and Sunnah

(A master's thesis)

Student: Ashraf Noor

Supervisor: Dr. Fashiullah Abdulbaqi

Year: 2021